قانون مجازات اسلامي

كتاب اول

كليات

باب اول - مواد عمومي

- ماده 1 قانون مجازات اسلامي راجع است به تعيين انواع جرائم و مجازات و اقدامات تاميني و تربيتي كه درباره مجرم اعمال مي شود .
 - ماده 2 هر فعل يا ترك فعلي كه درقانون براي آن مجازات تعيين شده باشد جرم محسوب مي شود .
 - ماده 3 قواُنين ۗجزائي درباره ۗ كليه كُسـاُنيكه در قلمرو حاكميت ّزميني ، دريائي ُو هوائي ۗجمهوّري اُسـلامي ايران مرتكب جرم شونداعمال ميگردد مگر آنكه بموجب قانون ترتيب ديگري مقرر شـده باشـد .
- مادهً 4 هرگاه قُسمتي از جرم در ايران واقع و نتيجه آن درخاُرج از قلمرو حاكميت ايران حاصل شود و يا قسمتي ازجرم درايران ويا در خارج و نتيجه آن در ايران حاصل شود در حكم جرم واقع شـده در ايران اسـت .
 - ماده 5ً هر ایراني یا بیگانه ای که در خَارج از قَلَمرُو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شودو در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود .
 - 1 اقدام عليه حكومت جمهوري اسلامي ايران وامنيت داخلي و خارجي تماميت ارضي يا استقلال كشور جمهوري ايران .
 - 2 جعل فرمان يا دستخط يا مهر يا امضاءمقام رهبري ويااستفاده از آن .
 - 3 جعل نوشته رسمي رئيس جمهور يا رئيس مجلس شوراي اسلامي ويا شوراي نگهبان و يا رئيس مجلس خبرگان يا رئيس قوه قضائيه يا معاونان رئيس جمهور يا رئيس ديوان عالي كشـور يا دادسـتان كل كشـور يا هر يك از وزيران يا اسـتفاده از آنها.
- 4 جعل اسكناس رايج ايران يااسنادبانكي ايران مانند براتهاي قبول شده از طرف بانكها يا چكهاي صادر شده از طرف بانكها و يا اسناد تعهدآور بانكها و همچنين جعل اسناد خزانه واوراق قرضه صادره و يا تضمين شده از طرف دولت يا شبيه سازي وهرگونه تقلب در مورد مسكوكات رايج داخل .
 - ماده 6 هرجرمي كه اتباع بيگانه كه درخدمت دولت جمهوري اسلامي ايران هستند و يا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظيفه خود در خارج از قلمرو حاكميت جمهوري اسلامي ايران مرتكب مي شوند وهمچنين هر جرمي كه ماموران سياسـي و كنسولي و فرهنگي دولت ايران كه از مصونيت سياسـي استفاده مي كنند مرتكب گردند ، طبق قوانين جزائي جمهوري اسـلامي ايران مجازات مي شوند .
 - ماده 7 علاوه بر موارد مذکور در مواد5و6 هر ایراني که درخارج ایران مرتکب جرمي شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائي جمهوري اسلامي ایران مجازات خواهد شـد .
 - ماده 8 در مورد جرائمي كه بموجب قانون خاص يا عهودبين المللي مرتكب در هر كشوري كه بدست آيد محاكمه مي شود اگردرايران دستگير شد طبق قوانين جمهوري اسلامي ايران محاكمه ومجازات خواهد شد .
- ماده 9 مجرم باید مالي را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عینا" واگر موجود نباشد ، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند واز عهده خسارات وارده نیز برآید .
- ماده (10 بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرارمنع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب بایدتکلیف اشیاء واموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یاضبط یا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال واشیاء را تعیین خواهد کرد همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرائط زیر دستوررد اموال واشیاء مذکور در فوق را صادر نماید
 - 1 وجود تمام يا قسمتي از آن اشياء واموال در بازپرسي يا دادرسي لازم نباشد .
 - 2 اشياء اموال بلامعارض باشد .
 - 3 در شماره اشياء و اموالي نباشد كه بايد ضبط يامعدوم گردد .
 - در كليه امور جزائي دادگاه نيز بايد ضمن صدور حكم يا قراريا پس از آن ، اعم از اينكه مبني بر محكوميت يا برائت يا موقوف شدن تعقيب متهم باشد ، نسبت به اشياء اموالي كه وسيله جرم بوده يادر اثر جرم تحصيل شده يا حين ارتكاب استعمال و يا براي استعمال اختصاص داده شده حكم مخصوص صادر و تعيين نمايد كه آنها بايد مسترد يا ضبط يا معدوم شود .
 - تبصره 1 متضرر از قرار بازپرس يا دادستان يا قرارباً حكم دادگاه ميتواند از تصميم آنان راجع به اشياء و اموال مذكور در اين ماده بشكايت خود را طبق مقررات در دادگاههاي جزائي تعقيب و درخواست تجديدنظرنمايد . هرچند قرار با حكم دادگاه نسبت به امر جزائي قابل شكايت نباشد .
- ماُده 11 در مُقررات و نظامات دولتي ، مجازات و اقدامات تاميني و تربيتي بايد بموجب قانوني باشد كه قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هيچ فعل يا ترك فعل را نمي توان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود ليكن اگر بعد از وقوع جرم قانوني وضع شودكه مبني بر تخفيف يا عدم مجازات بوده و يا از جهات ديگر مساعدتر به حال مرتكب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حكم قطعي موثر خواهد بود . درصورتيكه بموجب قانون سابق حكم قطعي اجراء نخواهد شد و اگر در جريان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در اين دو مورد و همچنين درموردي كه حكم قبلا" اجراء شده باشد هيچگونه اثر كيفري بر آن مترتب نخواهد بود اين مقررات در مورد قوانيني كه براي مدت معين و موارد خاصي وضع گرديده است اعمال نمي گردد .
 - 2 اگر مجازات جرمي بموجب قانون لاحق تخفيف يابد محكوم عليه ميتواند تقاضاي تخفيف مجازات تعيين شـده را بنمايد و در اينصورت دادگاه صادر كننده حكم و يا دادگاه جانشين با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلي را تخفيف خواهد داد .
- 3 اگر مجازات جرمي به موجب قانون لاحق به اقداًم تاميني و تربيتي تَبديل گردد فقطَ همين اقداماًت مورد حكم قرارخواهد گرفت .

باب دوم - مجازاتها و افدامات تامینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات اميني و تربيتي

- ماده 12 مجازاتهاي مقرر در اين قانون پنج قسم است -
- 1 حدود2 قصاص 3 ديات 4 تعزيرات 5 مجازاتهاي بازدارنده 0
- ماده 13 حد ، به مجازاتي گفته ميشود كه نوع وميزان و كيفيت آن در شرع تعيين شده است .
- ماده 14 قصاص ، كيفري است كه جاني به آن محكوم مي شود وبايدبا جنايت او برابر باشد .

ماده 15 - ديه ، مالي است كه از طرف شارع براي جنايت تعيين شده است .

ماده 16 - تعزير ، تاديب و يا عقوبتي است كه نوع ومقدار آن در شرع تعيين نشده و بنظرحاكم واگذار شده است از قبيل حبس و جزاي نقدي و شلاق كه ميزان شلاق بايستي از مقدار حد كمتر باشد .

ماده 17 - مجازات بازدارنده ، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل حبس ، و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد

ماده 17 - مجازات بازدارنده ، تاديب يا عقوبتي است كه از طرف حكومت به منظور حفظ نظم ومراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حكومتي تعيين ميگردد از قبيل حبس ، جزاي نقدي تعطيل محل كسب ، لغو پروانه و محروميت از حقوق اجتماعي و اقامت در نقطه يا نقاط معين و منع از اقامت در نقطه يا نقاط معين و مانند آن .

ماده 18 - مدت كليه حبس ها از روزي شروع ميشود كه محكوم عليه بموجب حكم قطعي قابل اجراء محبوس شده باشـد . تبصره - چنانچه محكوم عليه قبل از صدور حكم بعلت اتهام يا اتهاماتيكه در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شـده باشـد دادگاه پس از تعيين تعزير ، از مقدارتعزير تعيين شـده يامجازات بازدارنده به ميزان بازداشت قبلي وي كسـر ميكند .

مادَه 19 - دادگاه ميتواند كَسـي را كه به علت ارتكاب جرم عمدي به تعزير يا مجازات بازدارنده محكوم كرده است به عنوان تتميم حكم تعزيري يا بازدارنده مدتي از حقوق اجتماعي محروم و نيز از اقامت در نقطه يا نقاط معين ممنوع يا به اقامت در محل معين محمد نماید .

تبصره ـ نقاط اقامت اجباري محكومين با توجه به نوع جرائم آنان توسط دادگاهها تعيين مي شود. آئين نامه اجرائي مربوط توسط وزارت دادگستري با هماهنگي وزارت كشور تهيه و به تصويب رئيس قوه قضايي مي رسـد.

ئين نامه اجرائي قانون اصلاح تبصره الحاقي ماده 19 قانون مجازات اسلامي مصوب 27/10/1378 مجلس شوراي اسلامي

شماره 1/80/5461 ماره 1380/3/28

مدير محترم عامل روزنامه رسمي كشرو نسخه اي از آئين نامه اجرائي قانون اصلاح تبصره الحاقي به ماده 19 قانون مجازات اسلامي مصوب 1378/10/27 مجلس شورا؟ اسلامي به منظور درج در روزنامه رسمي به پيوست ارسال مي گردد0 رئيس نماد قوه قضائيه - محمودشينج

ماده 1- دادگاه با توجه به علل و جهاتي ارتكاب جرم و شخصيت متهم ، نوع جرم ، ميزان محكوميت ، دوري و نزديكي محل اقامت جباري با محل ارتكاب جرم ، امكان اشتغال ياعدم امكان اشتغال محكوم عليه در محل و همچنين با در نظر گرفتن نقاطي كه از طرف وزارت كشور براي اقامت اجباري مناسب تشخيص داده نشده اند شهري را به عنوان محل اقامت اجباري محكوم عليه معين مي مادر ۱

ماده 2- وزارت كشور مي تواند نقاطي را كه به لحاظ شرايط سياسـي امنيتي ، اجتماعي و غيره براي اقامت اجباري مناسـب نمي باشـند هر سـال يكبار تهيه از طريق وزارت دادگسـتري به قوه قضائيه جهت ابلاغ به دادگاهها ارسـال نمايد0

ماده 3- چنانچه وزارت كشور تغيير محل اقامت اجباري محكومي را به حلاظ شرايط سياسي ، امنيتي ، اجتماعي و غيره لازم نشخيص دهد مستدلا" مراتب از طريق وزارت دادگستري به قوه قضائيه جهت ابلاغ به دادگاه اعلام مي شود0

ماده 4- نقطه نظرات مقامات محلي ، در مورد آثار و تبعات حضور محكومان در محل از طرف آنان مستقيما" به وزارت كشـور ارسـال مي شـود تا در هنگام تعيين نقاط اقامت اجباري ، مورد توجه قرار گيرند0

ماده 5- داُدگاه با بررسُي مشكلات ناشيُ از اجراُي حكم ، چنانچه تغيير محل اقامت اجباري را لزام بداند نسبت به تعيين محل ديگر اتخاذ تصميم مي نمايد0

ماده 6- نظارت بر اجراي صحيح حكم اقامت اجباري توسط دادگاه صادر كننده راي از طريق مرجع مجري حكم به عمل مي آيد0 ماده 7- وزراي دادگستري و شكرو به منظور رفع معضلات اجرائي ناشـي از تعيين اقامت اجباري محكومان ، حداقل يكبار در سال جلسـه اي تشـكيل خواهند داد0

ماده 8- اين آئين نامه در اجراي قانون اصلاح تبصره الحاقي به ماده 19قانون مجازات اسلامي ، مصوب 1378/10/27 در 8ماده توسط وزارت دادگستري با هماهنگي وزارت كشور تهيه و در تاريخ 1380/3/27 به تصويب رئيس قوه قضائيه رسيد0 و ناست محمد هداشو ميشناه موجود استفاده ميشناه موجود و در تاريخ 1380/3/27 به تصويب رئيس قوه قضائيه رسيد0

شـمارە 3/13583/ە ش

حضرت آیت الله هاشـمي شـاهرودي

ليس محترم قوه قضائية

احتراماهمانگونه كه استحضاردارندبراساس تبصره الحاقي به ماده 19 قانون مجازات اسلامي (مصوب 1377/2/23مجلس شـوراي اسـلامي)مقررگرديده بودنقاط اقامت اجباري محكومان توسـط وزارت دادگسـتري وشـوراي امنيت كشـورتعيين وبه قوه قضاييه اعلام گــد

باعنايت به مصوبه فوق الاشاره به پيوست ليست اسامي شهرهاي مشمول تبصره كه باهمكاري وهماهنگي ءزارت كشورووزارت دادگستري تهيه شده و درجلسه مورخ 78/8/11شوراي امنيت كشورموردتاييدقرارگرفته است ،جهت استحضاروصدوردستورلازم رسال مي گردد.ضمناباتوجه به اينكه اوضاع سياسي ،اجتماعي واقتصادي شهرستانهامرتبادرحال تغييروتحول مي باشد بيشنهادمي شوديس ازگذشت مدت 10سال مجددادرتعيين نقاط تجديدنظر بعمل آيد.

تتوشتري سيدعبدالوهاب موسوي لاري

وزیردادگستری وزیرکشورورئیس شورای امنیت کشور

1-ايذه 17-دره شهر 33-قائن 2-مسجدسـليمان 18-شيروان وچرداول 34-ابركوه

35-بافق	19-دھدشت	3-باغمك
36-مهريز	20-ياسـوج	4-رامهرمز
37-نىك شىھر	21-دوگنبدان	5-استهبان
38-میناب	22-آشـتيان	6-اقلید
39-لامرد	23-سىرېند	7-فيروزآباد
40-دامغان	24-اردل	8-ني ريز
41-تويسـرك <u>ا</u> ن	25-لردگان	9-برازجان
42-فردوس	26-كليبر	10-خورموج
43-شـھربابك	27-گرمي	11-ازنا
44-بافت	28-ھريس	12-سلسلە
45-بيجار	29-مراغه	13-دلفان
46-ديواندره	30-طبس	14-تكاب
47-سىنقزوكليائي	31-كاشـمر	15-خدابنده (گرماب)
48-سىميرم	32-گناباد	16-قيدار

ماده 20 - محروميت از بعض يا همه حقوق اجتماعي و اقامت اجباري در نقطه معين يا ممنوعيت از اقامت در محل معين بايد متناسب با جرم و خصوصيات مجرم درمدت معين باشد . در صورتيكه محكوم به تبعيد يااقامت اجباري در نقطه اي يا ممنوعيت از اقامت در نقطه معين در اثناي اجراي حكم ، محل را ترك كند و يا به نقطه ممنوعه بازگردد ، دادگاه ميتواند با پيشنهاد دادسراي مجري حكم ، مجازات مذكور را تبديل به جزاي نقدي و يا زندان نمايد .

فصل دوم - تخفیف مجازات

ماده 22 - دادگاه میتواند در صورت احراز جهات مخففه ، مجازات تعزیری و یا بازدانده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات ازنوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد ، جهات مخففه عبارتنداز -

- 1 گذشت شاكي يا مدعي خصوصي 0
- 2 اظهارات و راهنمائي هاي متهم كه در شناختن شركاء ومعاونان جرم و يا كشف اشيائي كه از جرم تحصيل شده است موثر باشد .
- 3 اوضاع و احوال خاصي كه متهم تحت تاثير آنها مرتكب جرم شده است از قبيل رفتار و گفتار تحريك آميز مجني عليه يا وجود انگيزه شرافتمندانه در ارتكاب جرم .
 - 4 اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد .
 - 5 وضع خاص متهم يا سابقه أو0
 - 6 اقدام یا کوشش متهم بمنظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن .
 - تبصره 1 دادگاه مكلف است جهات تخفيف مجازات را درحكم صريحا" قيد كند .
 - تبصره 2 در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند .
- تبُصرُه 3 چنّانچّه نظیر جهات مُخففه مذکور در این ماده درمواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمیتواند بموجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد .
- ماده 23 در جرائمي كه با گذشت متضرر از جرم تعقيب يا رسيدگي يا اجراي حكم موقوف ميگردد گذشت بايد منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتيب اثر داده نخواهد شد همچنين عدول از گذشته مسموع نخواهد بود . هرگاه متضررين از جرم متعدد باشند تعقيب جزائي با شكايت هريك از آنان شروع مي شود ولي موقوفي تعقيب ، رسيدگي و مجازات موكول به گذشت تمام كساني كه شكايت كرده اند است .
- تبصره حق گذشت به وراث قانوني متضرر از جرم منتقل ودرصورت گذشت همگي وراث تعقيب ، رسيدگي و اجراي مجازات موقوف ميگردد .
 - ماده 24 عفو يا تخفيف مجازات محكومان ، در حدود موازين اسلامي پس از پيشنهاد رئيس قوه قضائيه بامقام رهبري است .

فصل سوم - تعليق اجراي محازات

ماده 25 - در كليه محكوميت هاي تعزيري و بازدارنده حاكم ميتواند اجراي تمام يا قسمتي از مجازات را با رعايت شرايط زير ازدو پنج سال معلق نمايد -

- الف محكوم عليه سابقه محكوميت قطعي به مجازاتهاي زيرنداشته باشد -
 - 1 محكوميت قطعي به حد .
 - 2 محكوميت قعطي به قطع يا نقص عضو0
- 3 محكوميت قطعي به مجازات حبس به بيش بيش ازيكسال درجرائم عمدي 0 4 - محكوميت قطعي به جزاي نقدي به مبلغ بيش از دوميليون ريال 0
- 5 سابقه محكوميت قطعي دوبار يا بيشتر بعلت جرمهاي عمدي با هر ميزان مجازات
- ب دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعي و سوابق زندگي محكوم عليه و اوضاع و احوالي كه موجب ارتكاب جرم گرديده است اجراي تمام يا قسمتي از مجازات را مناسب نداند .
 - تبصره در محكوميتهاي غير تعزيري وبازدارنده تعليق جايز نيست مگر در مواردي كه شرعا" و قانونا" تعيين شده باشد .
 - ماده 26 در موارديكه جزاي نقدي با ديگر تعزيرات همراه باشد جزاي نقدي قابل تعليق نيست .
- ماده 27 قراًر تَعلَيقَ اجراًي مجازات ضمن حكم محكوميت صادرخواهد شد و مجرمي كه اجراي حكم مجازات حبس او تماما" معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فورا" آزاد ميگردد .
- ماده 28 ً دادگاه جهات و موجبات تعلیق ودسّتورهائیکه باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده 25 تعیین می نماید .

ماده 29 - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محكوم عليه ومحتويات پرونده ميتواند اجراي دسـتور يا دسـتورهاي ذيل را در مدت تعليق از محكوم عليه بخواهد ومحكوم عليه مكلف به اجراي دسـتوردادگاه ميباشـد .

1 - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود .

2 - خودداري از اشتغال به كاريا حرفه معين 0

3 - اشتغال به تحصيل در يك موسسه فرهنگي 0

4 - خودداري از تجاهر به ارتكاب محرمات و ترك واجبات يا معاشرت با اشخاص ك - ه دادگاه معاشرت با آنها را براي محكوم عليه مضر تشخيص مي دهد .

5 - خودداري از رفت وآمد به محلهاي معين 0

6 - معرفی خود در مدتها معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند .

تبصره - اگر مجرمي كه مجازات او معلق شده است در مدت تعليق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع اين ماده تبعيت ننمايد بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر كننده حكم تعليق ، براي بار اول بمدت تعليق مجازات او يكسال تا دو سال افزوده مي شود و براي بار دوم حكم تعليق لغو و مجازات او معلق به موقع اجراء گذاشته خواهد شد .

ماده 30 - اجراي ا حكام جزائي زير قابل تعليق نيست -

1 - مجازات كساني كه به وارد كردن و يا ساختن و يا فروش مواد مخدر اقدام و يا به نحوي از انحاء با مرتكبين اعمال مذكور معاونت مي نمايند .

2 - مجازات كساني كه به جرم اختلاس يا ارتشاء ياكلاهبرداري يا جعل و يا استفاده از سند مجعول يا خيانت در امانت يا سرقتي كه موجب حد نيست يا آدم ربايي محكوم مي شوند .

3 - مجازات كساني كه به نحوي از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد ، معاونت مي نمايند .

ماده 31 - تعليق اجراي مجازاتي كه با حقوق الناس همراه است تاثيري در حقوق الناس نخواهد داشت و حكم مجازات در اين موارد يا پرداخت خسارت به مدعي خصوصي اجراء خواهدشد .

ماده 32 - هرگاه محكوم عليه از تاريخ صدور قرارتعليق اجراي مجازات در مدتي كه از طرف دادگاه مقرر شده مرتكب جرائم مستوجب محكوميت مذكور در ماده 25 نشود محكوميت تعليقي بي اثر محسوب و از سجل كيفري او محو مي شود . براي كليه محكومين به مجازاتهاي معلق بايد بلافاصله پس از قطعيت حكم از طرف دادسراي مربوط برگ سجل كيفري تنظيم و به مراجع صلاحيتدار ارسال شود و در هر مورد كه در مدت تعليق تغييري داده شود يا حكم تعليق مجازات الغاء گرددبايد مراتب فورا" براي اثبات در سجل كيفري محكوم عليه به مراجع صلاحيت دار مربوط اعلام شود .

تبصره - در مواردي که بموجب قوانین اُستخدامی ، حکمی موجب انفصال است شامل احکام تعلیقی نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه قید شده باشد .

ماده 33 - اگر کسـي که اجراي حکم مجازات او معلق شـده در مدتي که از طرف دادگاه مقرر شـده مرتکب جرم جديدي که مسـتوجب محکوميت مذکور در ماده 25 اسـت بشـود به محض قطعي شـدن دادگاهي که حکم تعليق مجازات سـابق را صادر کرده اسـت يا دادگاه جانشـين بايد الغاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نيز درباره محکوم عليه اجراء گردد .

ماده 34 - هرگاه بعد از صدور قرارتعليق معلوم شود كه محكوم عليه داراي سابقه محكوميت به جرائم مستوجب محكوميت مذكوردرماده 25بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجراي مجازات را معلق كرده است دادستان به استناد سابقه محكوميت از دادگاه تقاضاي لغو تعليق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعليق راالغاء خواهد كرد .

ماده 35 - دادگاه َهنگام َصدُور قرار تعلیق َ آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را َصریحاً" قیدواعلاَم میکند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم مستوجب محکومیت مذکوردر ماده 25 شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره او اجراء خواهد شد

ماده 36 - مقررات مربوط به تعليق مجازات درباره كساني كه به جرائم عمدي متعدد محكوم مي شوند قابل اجراء نيست و همچنين اگر درباره يك نفر احكام قطعي متعددي در مورد جرائم عمدي صادر شده باشد كه در بين آنها محكوميت معلق نيز وجود داشته باشد دادستان مجري حكم موظف است فسخ قرار يا قرارهاي تعليق را از دادگاه صادر كننده بخواهد دادگاه نسبت به فسخ قرار با قرارهاي مزبوراقدام خواهد نمود .

ماده 37 - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفراست قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشك قانوني در صورت تایید جنون ، محکوم علیه به بیمارستان رواني منتقل مي شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد . در صورت عدم دسترسي به بیمارستان رواني به تشخیص دادستان در محل مناسبي نگهداري میشود .

فصل چهارم - ازادي مشروط زندانيان

ماده 38 ـ هر كس براي بار اول به علت ارتكاب جرمي به مجازات حبس محكوم شده باشد و نصف مجازات را گذارنده باشد دادگاه صادر كننده دادنامه محكوميت قطعي مي تواند در صورت وجود شرايط زير حكم به آزادي مشروط صادر نمايد :

1 ـ هرگاه در مدت اجراي مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشـد. 2 ـ هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پيش بيني شـود که پس از آزادي ديگر مرتکب جرمي نخواهد شـد .

3 ـ هرگاه تا آنجا كه استطاعت دارد ضرر و زياني كه مورد حكم دادگاه يا مورد موافقت مدعي خصوصي واقع شده بپردازد يا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توام با جزاي نقدي مبلغ مزبور را بپردازد يا با موافقت رييس حوزه قضايي تربيتي براي پرداخت داده شده باشد .

تبصره 1 ـ مراتب مذكور در بندهاي 1 و 2 بايد مورد تاييد رييس زندان محل گذران محكوميت و قاضي ناظر زندان يا رييس حوزه قضايي محل قرار گيرد و مراتب مذكور در بند (3) بايد به تاييد قاضي مجري حكم برسـد .

تبصره 2 ً ـ در صوّرت انحلال دادگاه صادر كننده حكم ، صدور حكم آزادي مشروط از اختيارات دادگاه جانشين است .

تبصره 3 ـ دادگاه ً ترتيبات و شرايطي را كه فرد محكُوم بايد ً در مدُت ً آزادي مشَّروطً رعايتً كند از قبيل سكُونت در محل معين يا خودداري از سكونت در محل معين يا خودداري از اشتغال به شغل خاص يا معرفي نوبه اي خود به مراكز تعيين شده و امثال آن در متن حكم قيد مي كند كه در صورت تخلف وي از شرايط مذكور يا ارتكاب جرم مجدد بقيه محكوميت وي به حكم دادگاه صادر كننده حكم به مرحله اجرا در مي آيد ..اصلاحي مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق يك ماده و يك تبصره به قانون مجازات اسلامي مصوب 77

> ماده 39 - صدور حكم آزادي مشروط منوط به پيشنهادسازمان زندانها و تاييد دادستان يا داديار ناظر خواهد بود . ماده 40 - مدت آزادي مشروط بنا به تشخيص دادگاه كمتر از يك سال و زيادتر از پنجسال نخواهد بود .

باب سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم

ماده 41 - هرکس قصد ارتکاب جرمي کند و شروع به اجراي آن نمايد لکن جرم منظور واقع نشودچنانچه اقدامات انجام جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم مي شود .

تبصره 1 - مجرد قصد ارتكاب جرم و عمليات و اقداماتي كه فقط مقدمه جرم بوده وارتباط مستقيم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده واز اين حيث قابل مجازات نيست .

تبصره 2 - كستي كه شروع به جرمي كرده است ، به ميل خودآن را ترك كند و اقدام انجام شده جرم باشدازموجبات تخفيف مجازات برخوردار خواهد شد .

فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم

ماده 42 - هر كس عالما" وعامدا" با شخص يا اشخاص ديگر در يكي از جرائم قابل تعزير يا مجازاتهاي بازدارنده مشاركت نمايدو جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر يك به تنهائي براي وقوع جرم كافي باشد خواه نباشد و خواه اثر كار آنها مساوي باشد خواه متفاوت ، شريك در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود . در مورد جرائم غيرعمدي (خطاي) كه ناشي ازخطاي دو نفر يا بيشتر باشد مجازات هر يك از آنان نيز مجازات فاعل مستقل خواهد بود .

تبصره - اگر تاثير مداخله و مباشرت شريكي در حصول جرم ضعيف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثير عمل او تخفيف ميدهد . ماده 43 - اشخاص زير معاون جرم محسوب و با توجه به شرائط و امكانات خاطي و دفعات ومراتب جرم و تاديب از وعظ و تهديد و درجات تعزير ، تعزير مي شوند :

1 - هرکس دیگري را تحریك یا ترغیب یا تهدید یاتطمیع به ارتکاب جرم نماید و یابوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود .

2 - ًهر كس با علم و عمد وسايل ارتكاب جرم را تهيه كند و يا طريق ارتكاب آن را با علم به قصد مرتكب ارائه دهد .

3 - هركس عالما" ، عامدا" وقوع جرم را تسهيل كند .

تبصره 1 - براي تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و يا اقتران زماني بين عمل معاون ومباشر جرم شرط است . تبصره 2 - در صورتيكه فاعل جرم به جهتي از جهات قانوني قابل تعقيب و مجازات نباشد و يا تعقيب و يا اجراي حكم مجازات او به

نبيغره 2° در طورتيده فعل جربر به جهدي از جهات فاتودي قابل طعيب و شجارات بب جهتي از جهات قانوني موقوف گردد ، تاثيري در حق معاون جرم نخواهد داشت .

ماده 45 - سردستگي دو يا چند نفر در ارتكاب جرم اعم از اينكه عمل آنان شركت در جرم يا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است .

فصل سوم - تعدد جرم

ماده 46 - در جرائم قابل تعزير هرگاه فعل واحد داراي عناوين متعدده جرم باشـد مجازات جرمي داده مي شـودكه مجازات آن اشـداسـت

ماده 47 - درمورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابي مختلف باشد بايد براي هر يك از جرائم مجازات جداگانه تعيين شود و اگر مختلف نباشد فقط يك مجازات تعيين ميگردد و دراين قسمت تعددجرم مي تواند از علل مشدده كيفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابي در قانون عنوان جرم خاصي داشت باشد مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم مي گردد .

تبصره - حكم تعدد جرم در حدود و قصاص و ديات همان است كه در ابواب مربوطه ذكر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم

ماده 48 - هر کس بموجب حکم دادگاه به مجازات تعزيري و يا باز دارنده محکوم شود ، چنانچه بعد از اجراي حکم مجددا" مرتکب جرم قابل تعزير گردد دادگاه ميتواند در صورت لزوم مجازت تعزيري يا بازدارنده را تشـديد نمايد .

تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیتهای سابق مجرم معلوم نباشد و بعدا" معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند در اینصورت اگ - ر دادگاه محکومیتهای سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید .

باب چهارم - حدود مسئولیت جزائی

ماده 49 - اطفال در صورت ارتكاب جرم مبرا از مسئوليت كيفري هستند و تربيت آنان با نظر دادگاه بعهده سرپرست اطفال و عندالاقتضاء كانون اصلاح وتربيت اطفال مي باشد .

تبصره 1 - منظور از طفل كسي است كه به حد بلوغ شرعي نرسيده باشد .

تبصره 2 - هرگاه براي تربيبت اطفال بزهكار تنبيه بدني آنان ضرورت پيدا كند تنبيه بايستي به ميزان ومصلحت باشد .

ماده 51 - جنون در حال ارتكاب جرم به هر درجه كه باشد رافع مسئوليت كيفري است .

تبصره 1 - در صورتيكه تاديب مرتكب موثر باشـد به حكم دادگاه تاديب مي شـود .

تبصره 2 - در جنون ادواري شرط رفع مسئوليت كيفري جنون در حين ارتكاب جرم است .

ماده 52 - هرگاه مرتكب جرم در حين ارتكاب مجنون بوده و يا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناك مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذكور در محل مناسبي نگه - داري خواهد شد و آزادي او به دستور دادستان امكان پذير است . شخص نگهداري شده و ياكسانش مي توانندبه دادگاهي كه صلاحيت رسيدگي به اصل جرم را دارد مراجعه و به اين دستور اعتراض كنند ، در اينصورت دادگاه در جلسه اداري با حضور معترض و دادستان و يا نماينده او موضوع رابا جلب نظرمتخصص خارج از نوبت رسيدگي كرده و حكم مقتضي در مورد آزادي شخص نگهداري شده ياتاييد دستور دادستان صادر مي كند . اين راي قطعي است ولي شخص نگهداري شده يا كسانش هرگاه علائم بهبودي را شماهده كردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند .

ماده 5ً3 - اگر کسی بر اثر شرب خمر ، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد .

ماده 54 - در جرائم موضوع مجازاتهاي تعزيري يا بازدارنده هرگاه كسـي بر اثر اجبار يا اكراه كه عاده قابل تحمل نباشد مرتكب جرمي گردد مجازات نخواهد شد . در اين مورد اجبار كننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرايط وامكانات خاطي و دفعات ومراتب جرم ومراتب تاديب ازوعظ و توبيخ و تهديد ودرجات تعزيرمحكوم مي گردد . ماده 55 - هركس هنگام بروز خطر شديد از قبيل آتش سوزي ، سيل و طوفان به منظور حفظ جان يا مال خود يا ديگري مرتكب جرمي شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اينكه خطر را عمدا" ايجاد نكرده و عمل ارتكابي نيز با خطر موجود متناسب بوده و براي رفع آن ضرورت داشته باشد .

تبصره - دیه و ضمان مالي از حکم این ماده مستثني است .

ماده 56 - اعمالي كه براي آنها مجازات مقرر شده است در موارد زير جرم محسوب نمي شود .

1 - در صورتي كه ارتكاب عمل به امر آمر قانُوني بوده و خلاَف شُرع هم نباشد .

2 - در صورتيكه ارتكاب عمل براي اجراي قانون اهم لازم باشد .

ماده 57 - هرگاه به امر غيرقانوني يکي از مقامات رسمي جرمي واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قاون محکوم مي شوند ولي ماموري که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصوراينکه قانوني است اجراء کرده باشد ، فقط به پرداخت ديه يا ضمان مالي محکوم خواهد شد .

ماده 58 - هرگاه در اثر تقصير يا اشتباه قاضي در موضوع يا در تطبيق حكم بر موردخاص ، ضرر مادي يا معنوي متوجه كسـي گردددرمورد ضرر مادي در صورت تقصير مقصر طبق موازين اسـلامي ضامن اسـت و در غير اين صورت خسـارت به وسـيله دولت جبران مي شـود و در موارد ضرر معنوي چنانچه تقصير يا اشـتباه قاضي موجب هتك حيثيت از كسـي گردد بايد نسـبت به اعاده حيثيت او اقدام شـود .

ماده 59 - اعمال زير جرم محسوب نمي شود :

- 1 اقدامات والدين و اولياًء قانوني و سرپرستان صغارومحجورين كه به منظور تاديب يا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اينكه اقدامات مذكور در حد متعارف ، تاديب و محافظت باشد .
- 2 هر نوع عمل جراحي يا طبي مشـروع كه با رضايت شخص يااولياء يا سـرپرسـتان يا نمايندگان قانوني آنها و رعايت موازين فني و علمي و نظامات دولتي انجام شـود در موارد فوري اخذ رضايت ضروري نخواهد بود .
- 3 حوادث ناشـي از علّميات ورزشـي مشروط بر اينكه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشـد و اين مقررات هم با موازين شـرعي مخالفت نداشـته باشـد .

ماده 60 - چنانچه طبيب قبل از شروع درمان يا اعمال جراحي از مريض يا ولي او براي حاصل نموده باشـد ضامن خسـارت جاني ، يا مالي نقض عضو نيسـت و در موارد فوري كه اجازه گرفتن ممكن نباشـد طبيب ضامن نمي باشـد .

ماده 61 - هرکس در مقام دفاع از نفس يا عرض و يا ناموس و يا مال خود يا ديگري و يا آزادي تن خود يا ديگري در برابر هرگونه تجاوز فعلي و يا خطر قريب الوقوع عملي انجام دهدکه جرم باشـد در صورت اجتماع شـرايط زير قابل تعقيب و مجازات نخواهد بود -

1 - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

2 - عمل ارتكابي بيش از حد لازم نباشد .

3 - توسل به قواّي دولّتي بدون فوّت وقت عملا ممكن نباشد و يا مداخله قواي مذكور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود . تبصره - وقتي دفاع از نفس و يا ناموس و يا عرض و يا مال ويا آزادي تن ديگري جايز است كه او ناتوان از دفاع بوده ونياز به كمك داشته باشد

ماده 62 - مقاومت در برابر قواي تاميني وانتظامي در مواقعي كه مشغول انجام وظيفه خود باشند ، دفاع محسوب نمي شود ولي هرگاه قواي مزبور از حدود وظيفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد كه عمليات آان موجب قتل يا جرح يا تعرض به عرض يا ناموس گردد ، در اين صورت دفاع جايز است .

3 ـ متن زير به عنوان ماده به قانون مجازات اسلامي مصوب 1370 اضافه مي شود :

ماده 62 ـ مُحكوميت قطعي كيفري در جرايم عمدي به شُرح ذيل ، محكوم عليه را از حقوق اجتماعي محروم مي نمايد و پس از انقضا مدت تعيين شده و اجراي حكم رفع اثر مي گردد :

1 ـ محكومان به قطع عضو در جرايم مشمول حد ، پنج سال پس از اجراي حكم .

2 ـ محكومان به شلاق در جرايم مشمول حد ، يك سال پس از اجراي حكم .

3 ـ محكومان به حبس تعزيري بيش از سه سال ، دو سال پس از اُجراي حكم .

تبصره 1 ـ حقوق اجتماعي عبارتست از حقوقي كه قانونگذاري براي اتباع كشور جمهوري اسلامي ايران و ساير افراد مقيم در قلمرو و حاكميت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون يا حكم دادگاه صالح مي باشد از قبيل :

الف ـ حق انتخاب شدن در مجالس شوراي اسلامي و خبرگان و عضويت در شوراي نگهبان و انتخاب شدن رياست جمهوري .

ب ـ عضویت در کلیه انجمنها و شوراها و جمعیتهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند .

ج ـ عضویت در هیاتهاي منصفه و امنا . د ـاشـتغال به مشـاغل آموزشـي و روزنامه نگاري .

هـ ـ استخدام در وزارتخانه ها ، سَازَمَانهاي دولتي ، شركتها ، موسسات وابسته به دولت شهرداريها ، موسسات مامور به خدمات عمومي ، ادارات مجلس شوراي اسلامي و شوراي نگهبان و نهادهاي انقلابي .

و ـ وَكالَّت دادگُستري و تصديُّ دفاتر اسناد رسمِّي و ازدواج و طلاق و دفتر ياريّ .

ز ـ انتخاب شدن به سمت داوري و كارشناسي در مراجع رسمي .

حً ـ استفاده از نشان و مدالهاكي دولتي و عناوين افتخاري .

تبصره 2 ـ چنانچه اجراي مجازات اعدام به جهتي از جهات متوقف شود در اين صورت آثار تبعي آن پس از انقضاي هفت سـال از تاريخ توقف اجراي حكم رفع مي شـود .

تبَصره 3 ـُ در مورد ُ جَرآيم قَابل گَذشت در صورتي که پس از صدور حکم قطعي با گذشت شاکي يا مدعي خصوصي اجراي مجازات موقوف شود اثر محکوميت کيفري زايل ميگردد .

تبصره 4 ـ عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمي شود مگر اين كه تصريح شده باشد .

تبصره5 ـ در مواردي که عفو مَجازات آثار کیفری را نیز شامل می شود هَمچنین در آزادی مشروط ، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع میگردد ..الحاقی مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق یك ماده و یك تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب 77

کتاب دوم

حدود باب اول - حد زنا

فَصلُ اول - تعریف وموجبات حد زنا

```
ماده 63 - زنا عبارت از جماع مرد با زني كه بر او ذاتا" حرام است گرچه در دبر باشد ، در غير موارد و طي شبهه
        ماده 64 - زنا در صورتي موجب حدمي شود كه زاني يا زانيه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حكم و موضوع آن نيز آگاه باشد .
ماده 65 - هرگاه زن یا مردي چرام بودن جماع با دیگري را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل براي
                                                       او جائز است فقط طرفي كه آگاه بوده است محكوم به حد زنا مي شود .
ماده 66 - هر گاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدوق مدعی داده شود ،
                                                   ادعاي مذكور بدون شاهد و سوگند پذيرفته مي شود وحد ساقط مي گردد .
  ماده 67 - هرگاه زاني يا زانيه ادعا كند كه به زنااكراه شده است ، ادعاي او در صورتي كه يقين برخلاف آن نباشد قبول مي شود .
                                                                                      فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه
  ماده 68 - هرگاه مردیا زنی در چهار بار نزد حاکم اقراربه زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر
                               ماده 69 - اقرار در صورتي نافذ است كه اقراركننده داراي اوصافِ بلوغ - عقل - اختيار - قصد باشد .
                                      ماده 70 - اقرار بايد صريح يا بطوري ظاهر باشـد كه احتمال عقلائي خلاف در آن داده نشـود .
ماده 71 - هر گاه کسـي اقرار به زنا کند و بعد انکار نمايد در صورتي که اقرار به زنائي باشـد که موجب قتل يا رجم اسـت با انکار بعدي
                                      حد رجم و قتل ساقط مي شـود ، در غير اين صورت با انكار بعداز اقرار حد سـاقط نمي شـود .
ماده 72 - هرگاه کسـي به زنائي که موجب حد اسـت اقرار کند و بعد توبه نمايد ، قاضي ميتواند تقاضاي عفو او را از ولي امربنمايد و
                                                                                                 يا حد را بر او جاري نمايد .
ماده 73 - زني كه همسـر ندارد به صرف باردار شـدن مورد حد قرار نمي گيرد ، مگر آنكه زناي او با يكي ازراههاي مذكور در اين قانون
                                                                                                              ثابت شود .
ماده 74 - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم باشهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت مي شود
          ماده 75 - در صورتي كه زنا فقط موجب حد جلد باشـد به شـهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نيز ثابت مي شـود .
     ماده 76 - شـهادت زنان به تنهائي يا به انضمام شـهادت يك مرد عادل زنا را ثابت نمي كند بلكه در مورد شـهود مذكور قذف طبق
                                                                                              احكام قذف جاري مي شود .
                      ماده 77 - شـهادت شـهود باید روشـن و بدون ابهام و مسـتندبه مشـاهده باشـد و شـهادت حدسـي معتبر نیسـت
    ماده 78 - هرگاه شـهود خصوصیات مورد شـهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته
                  باشند . در صورت اختلاف بين شهود علاوه بر اينكه زنا ثابت نمي شود شهود نيز به حد قذف محكوم مي گردند .
       ماده 79 - شـهود بايد بدون فاصله زماني يکي پس از ديگري شـهادت دهند ، اگر بعضي از شـهود شـهادت بدهند و بعضي ديگر
  بلافاصله براي اداي شـهادت حضور پيدانكنند ، يا شـهادت ندهند زنا ثابت نمي شـود در اين صورت شـهادت دهنده مورد حد قذف قرار
                                                                                                               می گیرد .
                                                        ماده 80 - حد زنا جز در موارد مذكور در مواد آتي بايد فورا" جاري گردد .
     ماده 81 - هرگاه زن یا مرد زاني قبل ازاقامه شهادت توبه نماید ، حد از اوساقط مي شود واگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد
                                                                                                        ساقط نمي شود .
                                                                                                 فصل سوم - اقسام حدزنا
                              ماده 82 - حد زنا در موارد زير قتل است و فرقي بين جوان وغير جوان و محصن و غيرمحصن نيست .
                                                                                                الف - زنا با محارم نسبي 0
                                                                                ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زاني است .
                                                             ج - زناي غير مسلمان با زن مسلمان كه موجب قتل زاني است .
                                                               د - زناي به عنف و اكراه كه موجب قتل زاني اكراه كننده است .
                                                                                   ماده 83 - حد زنا در موارد زیر رجم است -
  الف - زيان مرد محصن ، يعني مردي كه داراي همسر دائمي است و با او در حالي كه عاقل بوده جماع كرده و هر وقت نيز بخواهد
                                                                                                 مي تواند به اوجماع کند .
ب - زناي زن محصنه با مرد بالغ ، زن محصنه زني است كه داراي شوهر دائمي است و شوهر در حالي كه زن عاقل بوده با او جماع
                                                                       کرده است و امکان جمع با شوهر را نیز داشته باشد .
                                                                    تبصره - زناي زن محصنه با نابالغ موجب حد تازيانه است .
                           ماده 84 - بر پيرمرد يا پيرزن زاني كه داراي شرايط احصان باشند قبل از رجم ، حدجلد جاري مي شود .
ماده 85 - طلاق رجعي قبل از سپري شدن ايام عده ، مرد يا زن رااز احصان خارج نمي كندولي طلاق بائن آنها را از احصان خارج مي
  ماده 86 - زناي مرد يا زني كه هر يك همسر دائمي دارد ولي به واسطه مسافرت يا حبس و مانند آنهااز عذرهاي موجه به همسر
                                                                                 خود دسترسي ندارد ، موجب رجم نيست .
    ماده 87 - مرد متاهلي كه قبل از دخول مرتكب زنا شود به حد جلد و تراشيدن سر و تبعيد به مدت يكسال محكوم خواهد شد .
                                                ماده 88 - حد زناي زن يا مردي كه واجد شرايط احصان نباشند صد تازيانه است
     ماده 89 - تكرِار زنا قبل از اچراء حد در صورتي كه مجازاتها از يكنوع باشد موجب تكرار حد نمي شود ولي اگر مجازاتها از يك نوع
   نباشـد مانند آنكه بعضي از آنها موجب جلد بوده و بعضي ديگرموجب رجم باشـد ، قبل از رجم زاني حد جلد بر او جاري مي شود .
                    ماده 90 - هرگاه زن يا مردي چند بار زناكند و بعد از هر بارحد براو جاري شود در مرتبه چهارم كشـته مي شـود .
     ماده 91 - در ايام بارداري و نفاس زِن حد قتل يا رجم براو جاري نمي شِود ، همچنين بعد از وضع حمل در صورتي كه نوزاد كفيل
            نداشته باشـد و بيم تلف شـدن نوزاد برود حد جاري نمي شـود ، ولي اگر براي نوزاد كفيل پيدا شـود حد جاري مي گردد .
 ماده 92 - هرگاه در اجراي حد جلد بر زن باردار يا شيرده احتمال بيم ضرربراي حمل يا نوزاد شيرخوار باشد اجراء حدتارفع بيم ضرربه
                                                                                                           تاخير مي افتد .
                                                                                      تبصره - حيض مانع اجراي حد نيست .
 ماده 94 - هرگاه اميد به بهبودي مريض نباشد يا حاكم شرع مصلحت بداند كه در حال مرض حد جاري شود يك دسته تازيانه يا تركه
                            كه مشتمل بر صد واحد باشد ، فقط يكبار به او زده مي شود هر چند همه آنهابه بدن محكوم نرسند .
                                                  ماده 95 - هرگاه محكوم به حد ديوانه يا مرتد شود حد ازاو سـاقط نمي شـود .
```

ماده 96 - حد جلد را نباید در هواي بسیارسرد یا بسیارگرم جاري نمود . ماده 97 - حد را نمي شود در سرزمین دشمنان اسلام جاري کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجراء حد

ماده 98 - هرگاه شخصي محكوم به چند حد شوداجراي آنها بايد به ترتيبي باشد كه هيچكدام از آنها زمينه ديگري را از بين نبرد ، بنابراین اگر کسي به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد وبعد حد رجم را جاري ساخت ماده 99 - هرگاه زناي شخصي كه داراي شرايط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاكم شرع سنگ مي زند بعدا" ديگران ، و اگر زناي او به شـهادت شـهود ثابت شـده باشـد اول شـهود سـنگ مي زنند بعدا" حاكم و سـپس ديگران . تبصره - عدم حضور یا اقدام حاکم و شـهود براي زدن اولین سـنگ مانع اجّراي حد نیسـت و در هر صورت ًحد باید اجّراء شود . ماده 100 - حد جلد مرد زاني باید ایستاده و در حالي اجراءگردد که پوشاکي جز ساتر عورت نداشته باشد . تازیانه به شدت به تمام بدن وي غير از سـر و صورت و عورت زده مي شـود تازيانه را به زن زاني در حالي مي زنند که زن نشـسـته ولباسـهاي اوبه بدنش بسته باشد . ماده 101 - مناسب است كه حاكم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده اي از مومنين كه سه نفر كمتر نباشند در حال اجراي حد حضور يابند . ماده 102 - مرد را هنگام رجم تانزديكي كمر و زن را تانزديكي سينه در گودال دفن مي كنند آنگاه رجم مي نمايند . ماده 103 - هرگاه کسـي که محکوم به رجم اسـت از گودالي که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتي که زناي او به شـهادت ثابت شده براي اجراي حد برگردانده مي شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمي شود . تبصره - اگر کسِي که مِحکوم به جلد باشد فرار کند در هرحال براي اجراي حد برگردانده مي شود . ماده 104 - بزرگي سنگ در رجم نبايد به حدي باشد كه با اصالت يك يا دو عدد شخص كشته شود همچنين كوچكي آن نبايد به اندازه اي باشُدُ كه نام سنگُ بر آن صُدق نكند . ماده 105 - حاكم شرع مي تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل كند وحد الهي را جاري نمايد و لازم است مستند علم راذکرکند ، اجراي حد در حق الله متوقف به درخواست کسـي نيست ولي در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد . ماده 106 - زنا درزمانهاي متبركه چون اعياد مذهبي و رمضان و جمعه و مكانهاي شريف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزير است ماده 107 - حضور شهودهنگام اجراي حد رجم لازم است ولي با غيبت آنان حد ساقط نمي شود اما با فرار آنها حد ساقط مي شود باب دوم - حد لواط

فصل اُول - تعریف و موجبات حد لواط

- ماده 108 لواط وطي انسان مذكراست چه بصورت دخول باشدياتفخيذ .
 - ماده 109 فاعل و مفعول لواط هر دو محكوم به حد خواهندشد .
- ماده 110 حد لواط در صورت دخول قتل است و كيفيت نوع آن در اختيار حاكم شرع است .
- ماده 111 لواط در صورتي موجب قتل مي شود كه فاعل ومفعول بالغ و عاقل و مختار باشند .
- ماده 112 هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغي لواط كند فاعل كشـته مي شـود و مفعول اگر مكره نباشـد تا74 ضربه شـلاق تعزيرمي شود .
 - ماده 113 هرگاه نابالغي نابالغ ديگر را وطي كند تا74 ضربه شـلاق تعزير مي شـوندمگر آنكه يكي از آنها اكراه شـده باشـد .

فصل دوم - راههاي ثبوت لواط در دادگاه

- ماده 114 حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاكم شرع نسبت به اقرار كننده ثابت مي شود .
 - ماده 115 اقرار كمتر از چهار بار موجب حد نيست و اقراركننده تعزير مي شود .
- ماده 116 اقرار در صورتي نافذ است كه اقرار كننده بالغ ، عاقل مختار و داراي قصد باشد .
- ماده 117 حد لواط با شـهادت چهار مرد عادل که آن را مشـاهده کرده باشند ثابت مي شـود .
- ماده 118 با شـهادت كمتر از چـهار مرد عادل لواط ثابت نمي شـودو شـهود به حد قذف محكوم مي شـوند .
 - ماده 119 شـهادت زنان به تنهائي يا به ضميمه مرد ، لواط را ثابت نمي كند .
 - ماده 120 حاكم شرع مي تواند طبق علم خود كه از طرق متعارف حاصل شود ، حكم كند .
 - ماده 121 حد تفخيذ و نظاير آن بين دو مرد بدون دخول براي هر يك صد تازيانه است .
 - تبصره در صورتي که فاعل غير مسلمان و مفعول مسلمان باشـد حداقل قتل است
- ماده 122 اگر تفخیذ ونظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار جاري شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .
- ماده 123 هرگاه دو مرد که با هم خويشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت در زير يك پوشش بطور برهنه قرار گيرندهر دو
 - ماده 124 هرگاه کسي ديگري را از روي شهوت ببوسد تا60 ضربه شلاق تعزير مي شود .
- ماده 125 كسـي كه مرتكب لواط يا تفخيذ و نظاير آن شـده باشـد اگر قبل از شـهادت شـهود توبه كند حد او سـاقط مي شـود و اگر بعد از شهادت توبه نمايد حد از او ساقط نمي شود .

ماده 126 - اگر لواط و تفخيذ و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه كند قاضي مي تواند ازولي امرتقاضاي عفو

باب سوم - مساحقه

تا99 ضربه شـلاق تعزير مي شـوند

- ماده 127 مساحقه ، همجنس بازي زنان است با اندام تناسلي 0
- ماده 128 راههاي ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههاي ثبوت لواط است .
 - ماده 129 حد مساحقه براي هر يك از طرفين صد تازيانه است .
- ماده 130 حد مساحقه درباره كسي ثابت مي شود كه بالغ ، عاقل ، مختار و داراي قصد باشد .
- تبصره در حد مساحقه فرقي بين فاعل و مفعول و همچنين فرقي بين مسلمان و غيرمسلمان نيست
- ماده 131 هرگاه مساحقه سـه بار تكرار شود و بعد از هر بارحد جاري گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل اسـت .
- ماده 132 اگر مساحقه كننده قبل از شـهادت شـهود توبه كند حد سـاقط مي شـوداما توبه بعد از شـهادت موجب سـقوط حد نيسـت .
 - ماده 133 اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وي پس ازاقرار توبه كند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضاي عفو نمايد .

ماده 134 - هرگاه دو زن که با هم خویشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یك پوشش قرار گیرند به کمتر از صدتازیانه تعزیر مي شوند . در صورت تكرار این عمل و تكرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یك صد تازیانه زده مي شود .

باب چهارم - قوادي

ماده 135 - قوادي عبارتست از جمع و مرتبط كردن دو نفر يابيشتر براي زنا يا لواط.

ماده 136 - قوادي با دو بار اقرار ثابت مي شود به شرطآنكه اقرار كننده بالغ و عاقل و مختار و داراي قصد باشد .

ماده 137 - قوادي با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود

ماده 138 - حد قوادي براي مردهفتاد و پنج تازيانه و تبعيد از محل به مدت 3ماه تا يكسال است و براي زن فقط هفتاد وپنج تازيانه

باب پنجم - قذف

ماده 139 - قذف نسبت دادن زنايا لواط است به شخص ديگري 0

ماده 140 - حد قذف براي قذف كننده مرد يازن هشتاد تازيانه است .

تبصره 1 - اجراي حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است .

تبصره 2 - هرگاه كسـي امري غير از زنا يا لواط ، مانند مسـاحقه و سـاير كارهاي حرام را به شخصي نسبت دهد به شـلاق تا74 ضربه محكوم خواهد شد .

ماده 141 - قذف بايد روشـن و بدون ابهام بوده و نسـبت دهنده به معناي لفظ آگاه باشـد ، گرچه شـنونده معناي آن را نداند .

ماده 142 - هرگاه کسـي به فرزند مشـروع خود بگويد تو فرزند من نيسـتي محکوم به حد قذف مي شـود همچنين اگر کسـي به فرزند مشروع دیگري بگوید تو فرزند اِو نیستي محکوم به حد قذف خواهد شد .

تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه اي در بين باشـد که منظور قذف نيسـت حد ثابت نمي شـود .

ماده 143 - هرگاه كسـي به شـخصي بگويد كه توبافلان زن زنا كرده اي يا با فلان مرد لواط نموده اي نسـبت به مخاطب قذف خواهدبودوگوینده محکوم به حد قذف مي شود

ماده 144 - هرگاه كسـي به قصد نسـبت دادن زنا به شـخصـي مثلا" چنين گويد (زن قحبه) يا خواهر قحبه يا مادر قحبه نسـبت به کسـي که زنا را به او نسـبت داده اسـت محکوم به حد قذف مي شـود و نسـبت به مخاطب که به واسـطه اين دشـنام اذيت شـده است تا74 ضربه شلاق تعزيرمي شود .

ماده 145 - هر دشنامي كه باعث اذيت شنونده شود و دلالت برقذف نكند مانند اينكه كسي به زنش بگويد تو باكره نبودي موجب محكوميت گوينده به شـلاق تا74 ضربه مي شـود .

ماده 146 - قذف در مواردي موجب حد مي شـود كه قذف كننده بالغ و عاقل و مختار و داراي قصد باشـد و قذف شـونده نيز بالغ و عاقل و مسلمان و عفیف باشد ، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمي شود . ماده 147 - هرگاه نابالغ مميز كسـي را قذف كند به نظر حاكم تاديب مي شوند و هُرگاه يك فرد بالغ و عاقل شخص نابالّغ يا غير مسلمان را قذف كند تا 74 ضَرَبه شلَّاقَ تعزير مي شود . ماده 148 - اگر قذف به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نمايد قذف كننده حد و تعزير ندارد .

ماده 149 - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند .

تبصره - اگر پدر یا جد پدري فرزندش را قذفل کند تعزیرمي شِود .

ماده 150 - هر گاه مردي همسـر متوفي خود را قذف كند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثي نداشـته باشـد حد ثابت نمي شـود اما اگر آن زن وارثي غير از فرزند همان مرد داشته باشد ، حد ثابت مي شود .

ماده 151 - هرگاه شخصي چند نفر را بطور جداگانه قذف كنددربرابر قذف هر يك جداگانه حد بر او جاري مي شود خواه همگي با هم مطالبه حد کنند ، خواه بطور جداگانه .

ماده 152 - هرگاه شخصي چند نفر را به يك لفط قذف نمايد اگرهر كدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند براي قذف هر يك از آنهاحد جداگانه اي جاري مي گردد ولي اگر با هم خواهان حد شوند فقط يك حد ثابت مي شود .

ماده 153 - قذف با دوبار اقرار يا با شـهادت دو مرد عادل اثبات مي شـود .

ماده 154 - اقرار در صورتي نافذ است كه اقرار كننده بالغ و عاقل و مختار و داراي قصد باشد .

ماده 155 - تازيانه بر روي لباس متعارف و بطورمتوسط زده مي شود .

ماده 156 - تازیانه را نباید به سر و صورت وعورت قذف کننده زد .

ماده 157 - هرگاه كسـي چند بار اشـخاص را قذف كند و بعداز هربار حد بر او جاري شـود در مرتبه چـهارم كشـته مي شـود .

ماده 158 - هرگاه قذف كننده بعد از اجراء حد بگويد آنچه گفتم حق بوده تا74 ضربه شلاق تعزير مي شود .

ماده 159 - هرگاه یکنفر را چند بار به یك سبب مانند زنا قذف كند فقط یك حد ثابت مي شود .

ماده 160 - هرگاه يكنفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف كند چند حد ثابت مي شود .

ماده 161 - حد قذف در موارد زیر ساقط می شـود ·

1 - هرگاه قذف شونده ، قذف كننده را تصديق نمايد .

2 - هرگاه شـهود با نصاب معتبر آن به چيزي كه مورد قذف است شـهادت دهند . 3 - هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند .

4 - هرگاه مردي زنش را پس از قذف لعان کند .

ماده 162 - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یك تا74 ضربه شلاق تعزیر مى شوند .

ماده 163 - حد قذف اگر اجراء ياعفو نشود به وراث منتقل مي گردد .

ماده 164 - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و وشوهر منتقل مي شوند و هر يك از ورثه مي توانند آن را مطالبه كنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .

باب ششم - حد مسکر

فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده 165 - خوردن مسكر موجب حد است . اعم از آنكه كم باشد يا زياد ، مست كند يا نكند ، خالص يا مخلوط باشد به حدي كه آنرا از مسکر بودن خارج نکند . تبصره 1 - آب جو در حكم شراب است ، گرچه مست كننده نباشد وخوردن آن موجب حد است .

تبصره 2 - خوردن آب انگوري كه خود بجوش آمده يا بوسيله آتش يا آفتاب ومانند آن جوشانيده شده است حرام است اماموجب حدنمی باشد .

فصل دوم - شرایط حد مسکر

ماده 166 - حد مسكر بر كسي ثابت مي شود كه بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسكر بودن و حرام بودن آن باشد .

تبصره 1 - در صورتي كه شراب خورده مدعي جهل به حكم يا موضوع باشد و صحت دعواي وي محتمل باشد محكوم به حد نخواهد

تبصره 2 - هرگاه کسـي بداند که خوردن شـراب حرام اسـت و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شـد گرچه نداندکه خوردن آن موجب حدمي شود .

ماده 167 - هرگاه کسي مضطر شود که براي نجات از مرگ يا جهت درمان بيماري سخت به مقدارضرورت شراب بخوردمحکوم به حدنخواهدشد

ماده 168 - هرگاه کسی دوبار اقرا رکند که شراب خورده است محکوم به حد می شود .

ماد169 - اقرار در صورتي نافذ است كه اقراركننده بالغ ، عاقل مختار و داراي قصد باشد .

ماده 170 - در صورتي كه طريق اثبات شرب خمر شهادت باشد ، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود .

ماده 171 - هرگاه يکي از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصي شراب خورده وديگري شهادت دهد که او شراب قي کرده است حد

ماده 172 - درشِهادت به شرب مسكر لازم است از لحاظ زمان يا مكان و مانند آن اختلافي نباشد ولي در صورتي كه يكي به شرب اصل مسكرو ديگري به شرب نوعي خاص از آن شـهادت دهد حد ثابت مي شـود .

ماده 173 - اقرار یا شهادت در صورتي موجب حد مي شود كه احتمال عقلائي بر معذور بودن خورنده مسكر دربین نباشد .

ماده 174 - حد شِرِب مسكر براي مرد و يا زن ، هشتادتازيانه است .

تبصره - غير مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسكر به هشتاد تازيانه محكوم مي شود .

ماده 175 - هركس به ساختن ، تهيه ، خريد ، فروش ، حمل و عرضه مشروبات الكلي مبادرت كند به 6ماه تا2 سال حبس محكوم مي شود ويا در اثر ترغيب يا تطميع و نيرنگ ، وسايل استفاه از آن را فراهم نمايد در حكم معاون در شرب مسكرات محسوب مي گردد و به تازیانه تا 74 ضربه محکوم مي شود .

فصل سوم - کیفیت اجراء حد

ماده 176 - مرد را در حالي که ایستاده باشد و پوشاکي غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالیکه نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه مي زنند .

تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد .

ماده 177 - حد وقت جاري مي شود كه محكوم از حال مستي بيرون آمده باشد .

ماه 178 - هرگاه كسـي چند بار مسـكر بخورد و حد بر اوجاري نشـود براي همه آنها يك حد كافي اسـت . ماده 179 - هُرگاه کسـي چند بار شـرب مسـکر بنمايد و بعد از هربار حد بر او جاري شـود در مرتبه سـوم کشـته مي شـود .

ماده 180 - هر گاه محكوم به حد ديوانه يا مرتد شود خد ازاوساقط نمي شود .

فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن

ماده 181 - هرگاه كسىي كه شراب خورده قبول ازاقامه شهادت توبه نمايد حد از او ساقط مي شود ولي توبه بد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نيست .

ماده 182 - هرگاه كسـي بعد از اقرار به خوردن مسـكر توبه كند قاضي مي توانداز ولي امر تقاضاي عفو نمايد يا حد رابراوجاري كند .

باب هفتم - محاربه و افساد في الارض

فصل اول - تعاریف

ماده 183 - هر كسي ك براي ايجاد رعب و هراس و سلب آزادي وامنيت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد في الارض

تبصره 1 - كسـي كه به روي مردم سـلاح بكشـد ولي در اثر ناتواني موجب هراس هيچ فردي نشـودمحارب نيسـت .

تبصره 2 - اگر کسپ سلاح خود را با انگیزه عدوات شخصی به سوی یك یا چند نفر مخصوص بكشد و عمل او جنبه عمومي نداشته باشد محارب محسوب نمي شود .

تبصره 3 - ميان سـلاح سـرد وگرم فرقي نيسـت .

ماده 184 - هر فرد يا گروهي كه براي مبارزه با محاربان وازبين بردن فساد در زمين دست به اسلحه برند محارب نيستند .

ماده 185 - سارق مسلح وقطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنيت مردم يا جاده را بر هم بزند و رعب و وحشت ايجاد كند محارب است

ماده 186 - هرگروه يا جمعيت متشكل كه در برابر حكومت اسـلامي قيام مسـلحانه كند مادام كه مركزيت آنهاباقي اسـت تمام اعضاء وهوا داران ان ، که موضع ان گروه یا جمعیت یا سـازمان را مي دانند وبه نحوي در پیشبرد اهداف ان فعالت و ت - لاش موثر دارند محاًربند اگر چه در شاخه نظامي شركت نداشته باشند .

تبصره - جبهه متحدي که از گروها و اشخاص مختلف تشکیل شود ، در حکم یك واحد است .

ماده 187 - هر فرد یا گروه که طرح براندازي حکومت اسـلامي را بریزد و براي این منظور اسـلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز كسانيكه با آگاهي و اختيار امكانات مالي موثر ويا وسايل واسباب كار و سلاح دراختيار آنها بگذارند محارب و مفسد في الارض

ماده 188 - هركس در طرح براندازي حكومت اسلامي خود را نامزد يكي ازپستهاي حساس حكومت كودتا نمايد و نامزدي او در تحقق كودتا بنحوي موثر باشد ، (محارب) و (مفسدفي الارض) است .

فصل دوم - راههاي ثبوت محاربه وافساد في الارض

ماده 189 - محاربه و افساد في الارض از راههاي زير ثابت مي شود -

- الف با يك بار اقرار بشرط آنكه اقرار كننده بالغ و عاقل واقراراو با قصد و اختيار باشد .
 - ب با شـهادت فقط دو مرد عادل 0
- تبصره 1 شهادت مردمي كه مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همديگر پذيرفته نيست .
- تبصره 2 هرگاه عده اي موردتهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصي كه بگويند به ما آسيبي نرسيده نسبت به ديگران پذيرفته اسـت .
- تبصره 3 شهادت اشخاصي كه مورد تهاجم قرار گرفته انداگربمنظور اثبات محارب بودن مهاجمين باشدو شكايت شخصي نباشد ، پذيرفته است .

فصل سوم - حد محاربه و افسادفي الاررض

- ماده 190 حدّ محاربه و افساد في الارض يكي از چهارچيز است ً .
- 1 قتل 2 آويختنّ به دار 3 اولّ قطع دُسْتْ راسْتُ وْ سَيس پاي چپ 4 نفي بلد .
- ماده 191 انتخاب هر یك از این امور چهارگانه به اختیارقاضي است خواه محارب كسـي را كشـته یا مجروح كرده یا مال او را گرفته باشـد و خواه هیچیك از این كارها را انجام نداده باشـد .
 - ماده 192 حد محاربه و افساد في الارض با عفو صاحب حق ساقط نمي شود .
 - ماده 193 مدت تبعيد در هر حال كمتر از يكسال نيست اگر چه بعد از دستگيري توبه نمايد و در صورتي كه توبه ننمايدهمچنان درتبعيد باقي خواهد ماند .
 - ماده 195 مصلوب كردن مفسد و محارب بصورت زير انجام مي گردد -
 - الف نحوه بستنَ موجّب مرگ او نَگردد َ . َ
 - ب بيشً از سـه ّروز بر صليب نماند ولي اگر در اثناي سـه روز بميرد ميتوان او را پائين آورد .
 - ج اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت .
 - ماده 196 بريدن دست راست و پاي چب مفسد و محارب به همان گونه اي است كه در (حد سرقت) عمل مي شود .

باب هشتم - حد سرقت

فصل اول - تعریف وشرایط

- ماده 197 سرقت عبارت است از ربودن مال ديگري بطور پنهاني 0
- ماده 198 سرقت در صورتي موجب حد مي شود كه داراي كليه شرايط و خصوصيات زير باشد -
 - 1 سارق به حد بلوغ شرعي رسيده باشد .
 - 2 سارق در حال سرقت عاقل باشد .
 - 3 ساقرق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد .
 - 4 سارق قاصد باشد .
 - 5 سارق بداند و ملتفت باشـد كه مال غير اسـت .
 - 6 سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است .
 - 7 صاحب مال ، مال را در حرز قرار داه باشد .
 - 8 سارق به تنهائي يا با كمك ديگري هتك حرز كرده باشد .
- 9 به اندازه نصاب يعني 4/5 نخود طلاي مسكوك كه بصورت پول معامله مي شود يا ارزش آن به آن مقدار باشد در هربار سرقت شود .
 - 10 سارق مضطرنباشد .
 - 11 سارق پدر صاحب مال نباشد .
 - 12 سرقت در ساِل قحطي صورت نگرفته باشد .
 - 13 حرز و محل نگهداري مال ، از سارق غصب نشده باشد .
 - 14 سارق مال را به عنوان دزدي برِداشته باشد .
 - 15 مال مسروق در حرز متناسب نگهداري شده باشد .
 - 16 مال مسروق از اموال دولتي و وقف و مانند آن كه مالك شخصي ندارد نباشد .
 - تبصره 1 حرز عبارت است از محل نگهداري مال بمنظور حفظ از دستبرد .
 - تبصره 2 بيرون آوردن مال از حرز توسط ديوانه يا طفل غير مميز و حيوانات و امثال در حكم مباشرت است .
 - تبصره 3 هرگاه سـارق قبل از بيرون آوردن مال از حرز دسـتگير شـود حد بر او جاري نمي شـود . تبصره 4 - هرگاه سـارق پس از سـرقت ، مال را تحت يد مالك قرار داده باشـد موجب حد نمي شـود .

فصل دوم - راههاي ثبوت سرقت

- فصل 199 سرقتي كه موجب حد است با يكي از راههاي زير ثابت مي شود -
 - 1 شهادت دو مرد عادل 0
- 2 دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضي ، بشرط آنكه اقرار كننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد .
 - 3 علم قاضي 0
- تبصره اُگر سـاّرق يك مرتبه نزد قاضي اقرار به سـرقت كند ، بايد مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاري نمي شـود .

فصل سوم - شرايط اجراي حد

- ماده 200 در صورتي حد سرقت جاري مي شودكه شرايط زيرموجودباشد -
 - 1 صاحب مالُ از ۗسـاْرق نزد قاضي شـكايت ۗكند .
 - 2 صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد .
 - 3 صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد .

- 4 مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضي ، از راه خرید و مانند آن به ملك سارق در نیاید .
 - 5 سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد .
 - تبصره حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمي شود وعفو سارق جايز نيست .

فصل چهارم - حد سرقت

ماده ً 201 - حد سرقت بشرح زیر است -

- الف در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهاي آن بطوريكه انگشت شست و كف دست او باقي بماند .
 - ب در مرتبه دوم ، قطع پاي چپ سارق از پائين برامدگي بنحوي كه نصف قدم و مقداري از محل مسح او باقي بماند .
 - ج در مرتبه سوم حبس ابد .
 - د در مرتبه چهارم اعدام ، ولوسرِقت در زندان باشد .
 - تبصره 1 سرقتهاي متعدد تا هنگامي كه حد جاري نشده حكم يكبار سرقت را دارد .
- تبصره 2 معاون در سرقت موضوع ماده 198 این قانون به یکسال تا سـه سـال حبس محکوم میشود . ماده 202 - هرگاه انگشتان دسـت سـارق بریده شـود و پس از اجراء این حد ، سـرقت دیگري از او ثابت گردد که سـارق قبل از اجراء
- ماده 2012 هركاه انكشتان دست سارق بريده شود و پس از اجراء اين حد ، سرقت ديكري از او تابت كردد كه سارق قبل از اجراء حد مرتكب شده است پاي چپ او بريده مي شود .
- ماده 203 سرقتي كه فاقد شرايط اجراي حد باشد و موجب اخلال در نظم يا خوف شده يا بيم تجري مرتكب يا ديگران باشد اگرچه شاكي نداشته يا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزيري از يك تا پنجسال خواهد بود .
 - تبصره معاونت در سرقت موجب حبس از ششماه تا سه سال میباشد .

کتاب سوم

قصاص

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

- ماده 204 قتل نفس بر سه نوع است عمد ، شبه عمد ، خطا0
- ماده 205 قتل عمد برابرمواداين فصل موجب قصاص است وازاولياء دم مي توانند با اذن ولي امر قاتل را با رعايت شرايط مذكور در فصول آتيه قصاص نمايند و ولي امرمي تواند اين امر را به رئيس قوه قضائيه يا ديگري تفويض نمايد .
 - ماده 206 قتل در موارد زير قتل عمدي اُست -
- الف مواردي كه قاتل با انجام كاري قصد كشتن شخص معين يا فرد يا افرادي غير معين از يك جمع را دارد خواه آن كارنوعا" كشنده باشد خواه نباشد ولي در عمل سبب قتل شود .
 - ب مواردي كه قاتلَ عَمداً" كارَي را انجام َ دهد َ كه نوعا" كشنده باشـد هرچند قصد كشـتن شخص را نداشـته باشـد .
 - ج مواُردٰي که قاتلَ قصد کشتن را ندارد و کاري را که انجام مي دهد نوعاً" کشنده نيست ولي نُسبت به طرف بر اثر بيماري و يا پيري يا ناتواني يا کودکي و امثال آنها نوعا" کشنده باشدو قاتل نيز به آن آگاه باشد .
- ماده 207 هرگاه مسلماني كشته شود قاتل قصاص مي شود ومعاون در قتل عمد به سه سال 15سال حبس محكوم مي شود . ماده 208 - هر كس مرتكب قتل عمد شود و شاكي نداشته يا شاكي داشته ولي از قصاص گذشت كرده باشـد و اقدام وي موجب اخلال درنظم جامعه يا خوف شده و يا بيم تجري مرتكب يا ديگران گردد موجب حبس تعزيري از3تا10 سال خواهد بود .
 - تبصره در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یك تاپنج سال مي باشد .
 - ماده 209 هرگاه مرد مسلماني عمدا" زن مسلماني را بكشد محكوم به قصاص است ليكن بايدولي زن قبل از قصاص قاتل نصف ديه مردرابه او بپردازد .
- ماده 210 هرگاه كافر ذمي عمدا" كافر ذمي ديگر را بكشـد قصاص ميشـود اگرچـه پيرو دو دين مختلف باشـند و اگر مقتول زن ذمي باشـد بايد ولي او قبل از قصاص نصف ديه مرد ذمي را به قاتل بپردازد .

فصل دوم - اکراه در قتل

- ماده 211 ً اكراه در قتل و يا دستور به قتل ديگري مجوز قتل نيست ، بنابراين اگر كسـي را وادار به قتل ديگري كنند يا دستوربه قتل رساندن ديگري را بدهند مرتكب قصاص ميشود و اكراه كننده و آمر ، به حبس ابد محكوم ميگردند .
 - تبصره 1 اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .
- تبصره 2 اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شودبلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

- ماده 212 هرگاه دو يا چند مرد مسلمان مشتركا" مرد مسلماني را بكشند ولي دم مي تواند با اذن ولي امر همه آنها را قصاص كند و در صورتي كه قاتل دو نفر باشند بايد به هر كدام از آنها نصف ديه و اگر سه نفر باشند بايد به هركدام از آنها دو ثلث ديه و اگرچهار نفر باشند بايد به هر كدام از آنها سه ربع ديه را بپردازد و به همين نسبت در افراد بيشتر .
- تبصّره اً ولّی دم می تواند بُرخی از شُرکای در قتل را با پُرداخت دیه مذکّور در این ماده قصاّص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید .
 - تبصره 2 در صورتیکه قاتلان و مقتول همگي از کفار ذمي باشد همین حکم جاري است .
 - ماده 213 در هر مورد كه بايد مقداري از ديه را به قاتل بدهند و قصاص كنند بايد پرداخت ديه قبل از قصاص باشد .
- ماده 214 هَرُگاهُ دوِّ يَا چندُنْفَر جراحَتْي بَر كُسنِي وارد سَازند كه موجبٌ قتل اَو شُودٌ چه در يَك زُمَان ُوچه در زُمانهاي متفاوت چنانچه قتل مستند به جنايت همگي باشد همه آنها قاتل محسوب مي شوند و كيفر آنان بايد طبق مواد ديگر اين قانون با رعايت شرايط تعيين شود
- ماده 215 ً شركت در قتل ، زماني تحقق پيدا مي كند كه كسـي در اثر ضرب و جرح عده اي كشـته شـود و مرگ او مسـتند به عمل همه آنها باشـد خواه عمل هر يك به تنهائي براي قتل كافي باشـد خواه نباشـد وخواه اثر كار آنها مسـاوي خواه متفاوت
- ماده 216 هرگاه کسي جراحتي به شخصي وارد کند وبعدازآن ديگري او را به قتل برساند قاتل همان دومي است اگرچه جراحت

سابق به تنهائي موجب مرگ مي گرديد و اولي فقط محكوم به قصاص طرف يا ديه جراحتي است كه وارد كرده مگر مواردي كه در قصاص جراحت خطر مرگ باشد كه در اين صورت فقط محكوم به ديه مي باشد .

ماده 217 ً- هرگاه جُراحَتي كه نفر اول واُرد كرَده مجروح رادر ُ حكم مرده قرار داده و تنها آخرين رمق حيات در او باقي بماند ودراين حال ديگري كاري را انجام دهد كه به حيات او پايان بخشد اولي قصاص مي شود و دومي تنها ديه جنايت بر مرده را مي پردازد ماده 218 - هرگاه ايراد جرح هم موجب نقص عضو شود وهم موجب قتل چنانچه با يك ضربت باشد قصاص قتل كافي است و نستب به نقص عضو قصاص يا ديه نيست .

فصل چهارم - شرایط قصاص

ماده 219 - كسـي كه محكوم به قصاص اسـت بايد با اذن ولي دم او را كشـت . پس اگر كسـي بدون اذن ولي دم او را بكشـد مرتكب قتلـي شـده كه موجب قصاص اسـت .

ماده 220 - پدر يا جد پدري كه فرزند خود را بكشـد قصاص نمي شـودو به پرداخت ديه قتل به ورثه مقتول و تعزير محكوم خواهد شـد . ماده 221 - هرگاه ديوانه يا نابالغي عمدا" كسـي را بكشـد خطا محسـوب و قصاص نمي شـود بلكه بايد عاقله آنها ديه قتل خطارابه ورثه مقتول بدهند .

تبصره - در جرائم قتل نفس يا نقص عضو اگر جرم ارتكابي عمدي باشـد و مرتكب صغير يامجنون باشـد و پس از بلوغ يا افاقه مرتكب ، مجني عليه در اثر سـرايت فوت شـود مسـتوجب قصاص نمي باشـد .

ماده 222 - هرگاه عاقله ديوانه اي را بكشد قصاص نمي شود بلكه بايد ديه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتيكه اقدام وي موجب اختلال در نظم جامعه يا خوف شـده و يا بيم تجري مرتكب و ياديگران گردد موجب حبس تعزيري از 3تا10 سـال خواهد بود . ماده 223 - هرگاه بالغ نابالغي را بكشد قصاص مي شـود .

ماده 224 - قتل در حال مستي موجب قصاص است مگر اينكه ثابت شود كه در اثر مستي بكلي مسلوب الاختيار بوده و قصد ازاو سلب شده است و قبلا" براي چنين عملي خود را مست نكرده باشد و در صورتيكه اقدام وي موجب اخلال در نظم جامعه و ياخوف شده و يا بيم تجِري مرتكب و يايگران گردد موجب حبس تعزيري از 3تا10سال خواهدبود .

ماده 225 - هرگاهُ کسـٰي در حال خواب يا بيهوَشـي شـخَصيُ را بکشـد قصاص نميَ شـُود فقط به ديه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد .

ماده 226 - قتل نفس در صورتي موجب قصاص است كه مقتول شرعا" مستحق كشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل بايد استحقاق قتل او را طبق موازين در دادگاه اثبات كند .

فصل پنجم - شرايط دعوي قتل

ماده 227 - مدعي بايد حين اقامه دعوي عاقل و بالغ باشـدوچنانچه دعوي مستلزم امر مالي گردد رشـد نيز شـرط اسـت اما نسبت به مدعي عليه هيچيك از موارد مذكور شـرط نمي باشـد .

ماده 228 - مدعي بايد نسبت به مورد دعوي جازم باشـد وبااحتمال و ظن نمي توان عليه كسـي اقامه دعوي كرد لكن با وجود اماره وآثار جرم دعوي بدون جزم نيز مسـموع اسـت .

ماده 229 - مدعي عليه بايد معلوم و مشخص يا محصور در ميان عده اي معين باشد .

ماده 230 - مورد دعوي بايد معلوم باشد و مدعي قتل بايد نوع آن را از لحاظ عمد يا غيرعمد بيان كند واگر اصل قتل ثابت شودو نوع آن اثبات نشود بايد با صلح ميان قاتل واولياء مقتول و عاقله دعوي را خاتمه داد .

فصل ششم - راههاي ثبوت قتل

ماده 231 - راههاي ثوبت قتل در دادگاه عبارتنداز -1 - اقرار 2 - شهادت 3 - قسامه 4 - علم قاضی 0

مبحث اول اقرار

ماده 232 - با اقرار به قتل عمد گرچه يك مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت مي شود .

ماده 233 - اقرار در صورتي نافذ است كه اقرار كننده داراي اوصاف زير باشـد -

1 - عقل 2 - بلوغ 3 - اختيار 4 - قصد .

بنابراین اقرار دیوانه ومست و کودك و محجور و اشخاصي که قصد ندارند مانند ساهي وهازل و نائم و بيهوش نافذ نيست .

ماده 234 - اقِرار به قتل عمداز كسي كه به سبب سفاهت يا ٍافلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است .

ماده 235 - اگر كسـي به قتل عمدي شـخصي اقرار نمايد و ديگري به قتل عمدي يا خطائي همان مقتول اقرار كند ولي دم در مراجعه به هر يك از اين دو نفر مخير اسـت كه برابر اقرارش عمل نمايدونمي تواند مجازات هر دو را مطالبه ند .

. ماده ُ236 - اگر کسي ُ به قَتَل عمدي شُخْصَي اقرار کند وپس ازآن ديگري به قتَل عمدي ُهمان مُقتول اقرارنمايد در صورتي که اولي از اقرارش برگردد قصاص يا ديه از هر دو ساقط است و ديه از بيت المال پرداخت مي شود و اين در حالي است که قاضي احتمال عقلائي ندهد که قضيه توطئه آميز است .

تبصره - در صورتيكه قتل عمدي بر حسب شـهادت شـهود يا قسـامه يا علم قاضي قابل اثبات باشـد قاتل به تقاضاي ولي دم قصاص مي شـود .

مبحث سوم - قسامه

ماده 239 - هرگاه بر اثر قرائن واماراتي و يا از هرطريق ديگري ازقبيل شهادت يك شاهد يا حضور شخصي همراه با آثار جرم در محل قتل يا وجود مقتول در محل تردد يا اقامت اشخاص معين و يا شهادت طفل مميز مورد اعتماد و يا امثال آن حاكم به ارتكاب قتل ازجانب متهم ظن پيدا كند مورد از موارد لوث محسوب مي شود . و در صورت نبودن بينه از براي مدعي ، قتل يا جرح يا نوع آنها به وسيله قسامه و به نحو مذكور در مواد بعدي ثابت مي شود. (اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب (1380) ماده 240 - هرگاه ولي دم ، مدعي قتل عمد شود ويكي از دو شاهد عادل به قتل عمد و ديگري به اصل قتل شـهادت دهد و متهم قتل عمد را انكار كند در صورتي كه موجب ظن براي قاضي باشـد اين قتل از باب لوث محسـوب مي شـود و مدعي بايد قتل عمد رابااقامه قسـامه ثابت كند .

ماده 241 - هرگاه یکي از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگري به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمي شود و چنانچه موجب ظن براي قاضي باشـد ، مورد از موارد لوث خواهدبود .

ماده 242 - در صورتي كه قرائن و نشاّنه هاي ظناّي معارضٌ يكديگر باشند مورد ازموارد لوث محسوب نمي گردد .

ماده 243 - مدعي ممكن است مرد يا زن باشد و در هرحال بايد از وراث فعلي مقتول محسوب شود .

ماده 244- اگر مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل درمحل واقعه منكر باشد و قرائني كه موجب ظن به وقوع قتل توسط وي گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمي شود. مگر اينكه مدعي بينه اي برحضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه كند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در اين صورت لوث ثابت مي شود و مدعي بايد اقامه قسامه كند و در صورت امتناع از اقامه قسامه مي تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه كند در اين صورت مدعي عليه بايد به منظور برائت خود به ترتيب مذكور در ماده (247) عمل نمايد. در اين حالت اگر مدعي عليه از اقامه قسامه ابا نمايد محكوم به پرداخت ديه مي شود.

تبصره - در موارد قسامه ، چنانه برائت مدعي عليه ثابت شود و قاتل مشخص نباشـد، ديه مقتول از بيت المال پرداخت مي شود. (اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسـلامي مصوب 1380)

ماده 245- در صورت نبودن قرائت موجب ظن به انتساب قتل ، صرف حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه از مصاديق لوث محسوب نمي شود و مدعي عليه با اداي يك سوگند تبرئه مي گردد. (اصلاحى مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 246- هر گاه مدعي عليه براي تبرئه خود بينه اقامه كند لوث محقق نمي شود و تبرئه مي گردد. (اصلاحى مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 247 - هرگاه مدعي اقامه قسامه نكند مي تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه نمايد و در اين صورت مدعي عليه بايد براي برائت خود به ترتيب مذكور در ماده 248 به قسامه عمل نمايد و چنانچه ابا كند محكوم به پرداخت ديه ميشود .

ماده 248- در موار لوث ، قُتَل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت مي شود و قسم خورندگان بايداز خويشان و بستگان نسبي مدعي باشند(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

تبصره 1 - مدعي و مدعي عليه ميتوانند حسب مورد يكي از قسم خوردگان باشند .

تبصره 2- چنانچه تعداد قسم خورندگان مدعي عليه كمتر از پنجاه نفر باشد، هر يك از قسم خورندگان مرد مي توانند بيش از يك قسم بخورند به نحوي كه پنجاه قسم كامل شود.

تبصره 3- چنانچه مدعي عليه نتواند كسي از خويشان و بستگان نسبي خود را براي اداي قسم حاضر كند، مي تواند خودش پنجاه قسم بخورد و تبرئه شود. (اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 249 - قاضي باید براي قبول تکرار قسم مطمئن شود ك مدعي علیه پنجاه نفر خویشان و بستگان نسبي ندارد و یا خویشان و بستگان نسبي او پنجاه نفر یا بیشتر هستند ولي حاضر به قسم خوردن نمي باشند همچنین قاضي باید خویشاوندي نسبي قسم خوردگان را با مدعي یا مدعي علیه احرازنماید . (حذف کلمه مدعی یا - (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 250 - هر یك از قسـم خورندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفرادیا اشـتراك ویامعاونت قاتل یاقاتلان راصریحا" ذكر و نوع قتل را بیان كنند .

تبصره - در صورتي كه قاضي احتمال بدهد كه قسم خورنده يا قسم خورندگان در تشخيص نوع قتل كه عمد يا شبه عمد يا خطاء است دچار اشتباه مي باشند بايد در مورد نوع قتل از آنها تحقيق نمايد .

ماده 251 - قسـم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشـته باشـند واز روي جزم قسـم بخورند و قسـم از روي ظن کفایت نمي کند . تبصره - در صورتیکه قاضي احراز نماید که تمام یا بعضي ازقسـم خورندگان از روي ظن قسـم مي خورند قسـمهاي مذکور اعتبار ندارد . ماده 252- در موارد لوث ، چنانچه مدعي متعدد باشـد، قسـم پنجاه نفر کفایت مي کند ولي در صورت تعدد مدعي علیه ، هر یك از آنان مي بایسـت براي برائت خود اجراي قسـامه کند و با نداشـتن عددقسـامه طبق تبصره (3) ماده (248) هر یك از مدعي علیهم پنجاه قسـم خورده و تبرئه مي شـوند. (اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسـلامي مصوب 1380)

ماده 253- نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطاي محض بيست وپنج نفر مي باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (248) و تبصره هاي آن است(اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 254- در جراحات ، قصاص با قسامه ثابت نمي شود و فقط موجب پرداخت ديه مي گردد و نصاب قسامه در جراحات بشرح زير اسـت :

الف - در جراحاتي که موجب ديه کامل است ، مجروح با پنج نفر ديگر قسم مي خورند.

ب - در جراحاتي که موجب سه چهارم ديه کامل است ، مجروح با چهارنفر ديگر قسم مي خورند.

ج - در اجراحاتي که موجب دو سوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند.

د - در جراحاتي که موجب يك دوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند.

ه - در جراحاتي که موجب يك دوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند. و - در جراحاتي که موجب يك ششـم ديه کامل اسـت ، مجروح به تنهايي قسـم مي خورد.

و - در جراحاني كه هوجب يك سسم ديه كامل است ، هجروى به تنهايي فسم هي خورد. تبصره 1- در مورد هر يك از بندهاي فوق الذكر در صورت نبودن نفرات لازم مجني عليه مي تواند به همان عدد قسم را تكرار كند. تبصره 2- در مورد هر يك از بندهاي ياد شده در فوق ، چنانچه مقدار ديه بيش از كسر مقرر در آن بند و كمتر از كسر مقرر دربند قبلي بوده باشد، در مقدار قسم نصاب بيشتر لازم است. مثلا" اگرديه جراحت به مقدار يك چهارم و يا يك پنجم ديه كامل باشد، براي اثبات آن ، نصاب يك سوم يعني دو قسم لازم است(اصلاحي مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380) ماده 255 - هرگاه شخصي در اثر ازدحام كشته شود ويا جسدمقتولي در شارع عام پيدا شود و قرائن ظني براي قاضي بر نسبت قتل او به شخص يا جماعتي نباشد حاكم شرع بايد ديه او را از بيت المال بدهد و اگر شواهد ظني نزد حاكم اقامه شود كه آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود .

ماده 256 - هرگاه كسـي را در محلي كشـته بيابند وولي مقتول مدعي شـود كه شـخص معيني از سـاكنان آن محل ويرا به قتل رسـانده اسـت مورد از موارد لوث مي باشـد در اين صورت چنانچه حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه ثابت شـود دعواي ولي با قسـامه پذيرفته مي شـود .

تبصره - چنانچه مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انكار نمايد ادعاي او با سوگند پذيرفته مي شود .

فصل هفتم - كيفيت استيفاء قصاص

ماده ُ 257 - قُتل عَمْد موجب ُقصاص استَ لكن با رضايت ولي دم و قاتل به مقدار ديه كامله يا به كمتر يا زيادتر از آن تبديل مي شود . ماده 258 - هرگاه مردي زني را به قتل رساند ولي دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف ديه رداد و در صورت رضايت قاتل مي تواند به مقدار ديه يا كمتر يا بيشتر از آن مصالحه نمايد .

ماده 2ُ59 - هرگاه كُسىي كه مرتكب قتل موجب قصاص شده است بميرد قصاص وديه ساقط مي شود .

ماده 260 - هرگاه كسي كه مرتكب قتل عمد شده است فراركند و تا هنگام مردن به او دسترسي نباشد پس از مرگ قصاص تبديل به ديه مي شود كه بايد از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالي نداشته باشد از اموال نزديكترين خويشان او بنحو ((الاقرب فالاقرب)) پرداخت مي شود و چنانچه نزديكاني نداشته باشد يا آنها تمكن نداشته باشند ديه از بيت المال پرداخت مي گردد . ماده 261 - اولياءدم كه قصاص و عفو در اختيار آنهاست همان ورثه مقتولند ، مگر شوهر يا زن كه در قصاص و عفو و اجراءاختياري ندارند

ماده 262 - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طِفل برطرف گردد .

ماده 263 - قَصاص با آلت كند و غير برنده كه موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نيز جرم است .

ماده 264 - در صورتي كه ولي دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگي خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص مي شود و اگر بعضي ازآنها خواهان قصاص و ديگران خواهان ديه ، خواهان قصاص مي توانند قاتل را قصاص كنند لكن بايد سـهم ديه سـاير اولياءدم راكه خواهان ديه هسـتند بپردازند واگر بعضي از اولياء دم بطور رايگان عفو كنند ديگران مي توانند بعد از پرداخت سـهم عفو كنندگان به قاتل او را قصاص نمايند .

مَاْده 265 - ولِي دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولي امرمي تواندشخصا" قاتل را قصاص كند و يا وكيل بگيرد .

ماده 266 - اگر مجني عليه ولي نداشته باشدو يا شناخته نشود ويا به او دسترسي نباشد ولي دم او ولي امر مسلمين است و رئيس قوه قضائيه با استيذان از ولي امر و تفويض اختيار به دادستانهاي مربوطه نسبت به تعقيب مجرم و تقاضاي قصاص يا ديه حسب مورداقدام مي نمايد .

ماده 267 - هرگاه شخص یا اشخاصي محکوم به قصاص را رهائي دهند موظف به تحویل دادن وي مي باشند و هرگاه به تشخیص قاضي رسیدگي کننده در انجام وظیفه کوتاهي نماید و حبس وي موثر درالزام یا احضار باشد تا زمان معرفي محکوم به حبس مي گ.‹‹

تبصره - چنانچه قاتل قبل از تحويل بميرد يا به نحو ديگري تحويل وي متعذر شود فردفراري دهند ضامن ديه متقول است .

ماده 268 - چنانچه مجني عليه قبل از مرگ جاني را از قصاص نفس عفو نمايد حق قصاص ساقط مي شود و اولياءدم نمي توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمايند .

باب دوم - قصاص عضو فصل اول تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده 269 - قطع عضو يا حرج آن اگر عمدي باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجني عليه مي تواند با اذن ولي امر جاني را با شرايطي كه ذكر خواهد شد قصاص نمايد .

تبصره 1 - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تایك سال است .

تبصره 2 - در مورداين جرم چنانچه شاكي نداشته ويا شاكي از شكايت خود گذشت كرده باشد يا موجب قصاص نگرديده وليكن سبب اخلال در نظم جامعه يا خوف شده يا بيم تجري مرتكب يا ديگران باشد موجب حبس تعزيري از سه ماده تا دوسال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا يكسال محكوم مي شود .

ماده 270 - قطع عضو يا جرح آن سـه نوع اسـت -

عمد - شبه عمد - خطاء که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد .

ماده 271 - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است -

الف - وقتي كه جاني با انجام كاري قصد قطع عضو يا جرح آن را دارد چه آن كار نوعا" موجب قطع يا جرح باشد يا نباشد .

ب - وقتي كه جاني عمدا" كاري انجام دهد كه نوعا" موجب قطع يا جرح عضو باشـد هرچند قصد يا جرح نداشـته باشـد .

ج - وقَتيۛ كه جانيۛ قصد قطع عضو يا جرح را ندارد و عمل اونوعا ً موجبَ قطع يا جرح نمي باشد ولي نُسبت به مجني عليه بر اثر بيماري يا پيري يا ناتواني يا كودكي و مانند اينها نوعا" موجب قطع يا جرح باشد و جاني به آن آگاهي داشته باشد .

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده 272 - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیرباید رعایت شود -

1 - تساوي اعضاء در سالم بودن 0

2 - تساوي در اصلي بودن اعضاء0

3 - تساوي در محل عضو مجروح يا مقطوع 0

4 - قصاص موجب تلف جاني يا عضو ديگر نباشد .

5 - قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود .

ماده 273 - در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند ومرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمي که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانندآن محکوم مي شود ، مگراینکه دیه عضوي که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشـد که درآن صورت زن هنگامي مي تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد .

ماده 274 - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمي شود و فقط ديه آن عضو پرداخت مي شود لكن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص مي شود .

ماده 275 - در قصاص عضو تساوي محل معتبر است و بايد در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جاني قصاص شود .

تبصره - در صورتي که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پاي او قطع خواهد

شد.

ماده 276 - جرحي كه بعنوان قصاص وارد مي كنند بايد از حيث طول و عرض مسـاوي با جنايت باشـد و در صورت امكان رعايت تسـاوي در عمق نيز لازم اسـت .

تبصره - در جراحت موضحه وسمحاق تساوي در عمق شرط نيست و مماثلث عرفي كافيست .

ماده 277 - هرگاه در قصاص جرح رعايت تساوي ممكن نباشد مانند بعضي از جراحتهاي عميق يا در موارد شكسته شدن استخوانها ياجا بجاشدن آنها بطوريكه قصاص موجب تلف جاني يا زياده از اندازه جنايت گردد بايد ديه آن داده شود چه مقدار آن ديه شرعا" معين باشد يا با حكم حاكم شرع معين گردد .

ماده 278 - قصاص عضو را مي شـود فورا" اجراء نمود و لازم نيسـت صبر كنند تا وضع جرح روشـن شـود پس اگر قصاص اجراء شـود و جرح منجر به مرگ مجني عليه گردد در صورتيكه جنايت عمدي باشـد جاني به قصاص نفس محكوم مي شـود لكن قبل از اجراء قصاص نفسـش بايد ديه جرحي كه قبلا" بعنون قصاص عضو بر جاني وارد شـده به او پرداخت شـود .

ماده 279 - براَي رَعايتَ تسَاوِيَ قصاص با جناًيت بايد ُحدودجَراًحت كَامَلاً" اندازه گيريَ شود و هر ُچيزي كه مانع از استيفاء قصاص يا موجب ازدياد آن باشـد بايد برطرف گردد .

ماده 280 - اگر در اثر حرکت جاني قصاص بيش از جنايت شود قصاص کننده ضامن نيست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بيش از جنايت شوددر صورتيکه اين زياده عمدي باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص مي شود و در صورتيکه عمدي نباشد ديه يا ارش مقدار زائد به عهده قصاص کننده مي باشـد .

ماده ً 281 - اَگر گرمي يا سردي هوا موجب سرايت زخم بشود بايد قصاص در هواي معتدل انجام گيرد .

ماده 282 - ابزاًر قَصاصُ بايد َتيزَ وغيَر مسموم وَمناسبَ با اجراًء قصاص و قُطعَ و جَرحَ مخصوص باشُد َ وايذاء جاني بيش از مقدار جنايت او ممنوع است .

ماده 283 - هرگاه شخصي يك چشـم كسـي را كور كند يادر آورد قصاص مي شـود گرچه جاني بيش از يك چشـم نداشـته باشـد و چيزي بعنوان ديه به او داده نمي شـود .

ماده 284 - هرگاه شخصي كه داراي دو چشم است چشم كسـي را كه فقط داراي يك چشم است در آورد مجني عليه مي تواند يك چشم جاني راقصاص كند ونصف ديه كامل را هم دريافت نمايد ، يا از قصاص يك چشم جاني منصرف شود و ديه كامل بگيرد مگر در صورتي كه مجني عليه يك چشم خود را قبلا" در اثر قصاص يا جنايتي كه اسـتحقاق ديه آنرا داشـته اسـت از دست داده باشـد كه در اين مورد مي تواند يك چشـم جاني را قصاص كند و يا با رضاي جاني نصف ديه كامل دريافت نمايد .

ماده 285 ُ هرگاه شخصي بدون آسيب به حدقه چشم ديگري بينائي آنرا از بين ببرد فقط بينائي چشـم جاني مورد قصاص قرار مي گيرد و اگر بدون آسـيب به حدقه چشـم جاني قصاص ممكن نباشـد جاني بايد ديه آن را بپردازد .

ماده 286 - چشم سالم در برابر چشم هائي كه از لحاظ دين متعارف نيستند قصاص مي شود .

ماده 287 - هرگاه ُشخصُي مُقَداًري از گُوش ۛکسي ً را قطع ۛکندومجنّي عليه قسمت ّجداً شدهً را به گوش خود پيوند دهد قصاص ساقط نمي شود و اگر جاني بعد از آنك مقداري از گوش او بعنوان قصاص بريده شده آن قسمت جدا شده را به گوش خود پيوند دهد هيچکس نمي تواند آن را دوباره براي حفظ اثر قصاص قطع کند .

ماده 288 - قطع لاله گوش كه موجب زوال شنوائي بشود دو جنايت محسوب مي شود .

ماده 289 - هرگاه شخصي بيني كسـي را قطع كند مجني عليه مي تواند قصاص نمايد اگر چه بيني مجني عليه داراي حس بويائي نياشد .

ماده 290 - هرگاه شخصي زبان يا لب كسـي را قطع نمايد با رعايت تسـاوي مقدار و محل مورد قصاص قرار مي گيرد .

تبصره - در صورتیکه فرد گویا زبان فرد لال را قطع کند قصاص جایز نیست و تبدیل به دیه مي شود .

ماده 291 - هرگاه شخصي دندان كسـي رابشـكند يا بكند بارعايت شـرايط قصاص عضو قصاص مي شـود .

تبصره - در صورتیکه مجنی علیه قبل از قَصاُص دندان درآورد اُگر دندان جَدیدمعیوب باشد جانی به پرداخت ارش محکوم میگردد و اگر سالم باشد تا74 ضربه شلاق تعزیر می گردد .

ماده 292 - اگر مجني عليه طفل باشـد بايد به مدت متعارف صدور حكم به تاخير افتد در صورتكيه كودك دندان جديد درآورد مجرم محكوم به ارش وگرنه محكوم به قصاص اسـت .

ماده 293 - أكّر مورد جنايت عضو زائد بأشد و جاني عضو زائد مشابه نداشته باشد محكوم به ديه است .

کتاب چهارم

دیات

باب اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده 294 - ديه مالي است كه به سبب جنايت بر نفس يا عضو به مجني عليه يا به ولي يا اولياءدم او داده مي شود .

ماده 295 - در موازد زیر دیه پرداخت مي شود -

الف - قتل يا جرح يا نقص عضو كه بطور خطاء محض واقع مي شود و آن در صورتي است كه جاني نه قصد جنايت نسبت به مجني عليه راداشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنكه تيري را به قصد شكاري رها كند و به شخصي برخورد نمايد .

ب - قتل يا جرح يا نقص عضو كه بطور خطاء شبيه عمد واقع مي شود و آن در صورتي است كه جاني قصد فعلي را كه نوعا" سبب جنايت نمي شود داشته باشد و قصد جنايت را نسبت به مجني عليه نداشته باشد مانند آنكه كسـي را به قصد تاديب بنحوي كه نوعا" سبب جنايت نمي شود بزند و اتفاقا"موجب جنايت گردد ياطبيبي مباشـرتا" بيماري را بطور متعارف معالجه كند و اتفا" سب جناي بر او شود .

ج - مواردي از جنايت عمدي كه قصاص در آنها جايزنيست .

تبصره 1 - جنايتهاي عمدي و شبه عمدي ديوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است .

تبصره 2 - در صورتي كه شخص كسـي را به اُعتقاد قصاًص يا به اعتقاد مهدورالدم بودن بكشـد واين امر بر دادگاه ثابت شـود وبعدا" معلوم گردد كه مجني عليه مورد قصاص و يامهدورالدم نبوده اسـت قتل به منزله خطاء شـبيه عمد اسـت . و اگر ادعاي خود را در موردمهدورالدم بودن مقتول به اثبات برسـاند قصاص و ديه از او سـاقط اسـت .

تبصُّره ٌ 3 - ٌهرگاُه بَر اثر بي احتياطي يا ُبي مبالاتي يا عدم مُهارت و عدم رعايت مقررات مربوط به امري قتل يا ضرب يا جرح واقع شود بنحوي كه اگر آن مقررات رعايت ميشد حادثه اي اتفاق نمي افتاد قتل و يا ضرب و يا جرح در حكم شبه عمد خواهد بود . ماده 296 - در مواردي هم كه كسي قصد تيراندازي به كسي يا شيئي يا حيواني را داشته باشد و تير او به انسان بي گناه ديگري اصابت كند عمل او خطاي محض محسوب ميشود .

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده 297 - دیه قتل مرد مسلمان یکي از امور شـشـگانه ذیل اسـت که قاتل در انتخاب هر یك از آنها مخیرمیباشـدوتلفیق آنهاجایزنیسـت -

- 1 يكصد شتر سالم وبدون عيب كه خيلي لاغر نباشند .
- 2 دويست گاو سالم و بدون عيب كه خيلي لاغر نباشند .
- 3 يكهزار گوسفند سالم و بدون عيب كه خيلي لاغر نباشند .
 - 4 دويست دست لباس سالم از حله هاي يمن 0
- 5 يكهزار دينار مسكوك سالم وغير مغشوش كه هردينار يك مثقال شرعي طلا به وزن 18نخود است .
 - 6 ده هزار درهم مسكوك سالم و غير مغشوش كه هر درهم به وزن 12/6 نخود نقره مي باشد .
- تبصره 1 قيمت هر يك از امور شـشـگانه در صورت تراضي طرفين ويا تعذر همه آنها پرداخت مي شـود .

تبصره 2ـ میزان دیه اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نظر ولی امر است که توسط قوه قضاییه استعلام و به دادگاهها ابلاغ میشود. دادگاهها مکلفند مطابق نظر مذکور و با رعایت سایر مقررات این قانون از قبیل جنسیت مجنی علیه و زمان وقوع جنایت رای مقتضی صادر کنند. اصلاحی مطابق قانون الحاق یك تبصره به ماده (297) قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 مصوب 1382

ماده 298 - ديه قتل عمد در مواردي كه قصاص ممكن نباشـدو يا ولي مقتول به ديه راضي شود يكي از امور شـشـگانه فوق خواهد بود لكن در كليه مواردي كه شـتر به عنوان ديه تعيين مي شـود لازم اسـت كه سـن آن از پنج سـال گذشـته و داخل در سـال شـشـم شـده باشـد .

ماده 299 - ديه قتل در صورتيكه صدمه و فوت هر دو در يكي از چهارماه حرام (رجب - ذيقعده - ديحجه - محرم) و يا در حرم مكه معظمه واقع شـود علاوه بر يكي از موارد شـشـگانه مذكور در ماده 297 به عنوان تشـديد مجازات بايد يك سـوم هر نوعي كه انتخاب كرده اسـت اضافه شـود و سـايرامكنه وازمنه هرچند متبرك باشـند داراي اين حكم نيسـتند .

تبصره - حكم فوق در مواردي كه مقتول از ارقارب قاتل باشـد جاري نمي گردد . ماده 200 - ديه قتل زن مسـلمان خواه عمدي خواه غيرعمدين نصف ديه مرد مسـلمان اسـت .

ماده 301 - دیه زن و مرد یکسان است تاوقتیکه مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آنصورت دیه زن نصف دیه مرد است .

باب سوم - مهلت پرداخت دیه

ماده 302 - مهلت پرداخت دیه در مواردمختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است -

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود .

ب - ديه قتل شبيه عمد در ظرف دو سال پرداخت مي شود . ج - ديه قتل خطاء محض در ظرف سـه سـال پرداخت مي شود .

تبصره 1 - تاخير از اين مهلت ها بدون تراضي طرفين جايزنيست .

تبصره 2 - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت میشود .

ماده 303 - اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده مي شود .

باب چهارم - مسوول پرداخت دیه

ماده 304 - در قتل عمد و شبه عمد مسوول پرداخت دیه خودقاتل است .

ماده 305 - در قتل خطاي محض در صورتيكه قتل با بينه يا قسامه يا علم قاضي ثابت شود پرداخت ديه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل يا نكول او از سوگنديا قسامه ثابت شده به عهده خود اوست .

ماده 306 - در خطاء محض ديه قتل و همچنين ديه جراحت (موضحه) وديه جنايتاي زيادتر از آن بعهده عاقله مي باشـدو ديه جراحتهاي كمتراز آن بعهده خود جاني اسـت .

تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطاء محض و بر عهده عاقله می باشد .

ماده 307 - عاقله عبارت است از بستگان ذكور نسبي پدر و مادري يا پدري به ترتيب طبقات ارث بوطريكه همه كسانيكه حين الفوت مي توانند ارث ببرندبصورت مساوي عهده دار پرداخت ديه خواهندبود .

تبصره - كسـي كه با عقد ضمان جريره ، ديه جنايت ديگري را به عهده گرفته اسـت نيز عاقله محسـوب مي شـود .

ماده 308 - نابالغ و ديوانه ومعسر جزء عاقله محسوب نمي شود و عهده دار ديه قتل خطائي نخواهد بود .

ماده 309 - هرگاه قتل خطائي با گواهي شـهود عادل ثالت شـودعاقله عهده دار ديه خواهد بود ولي اگر با اقرار جاني ثابت شـودخودجاني ضامن اسـت .

ماده 210 - هرگااصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعي گردد كه خطاء انجام شده و عاقله منكر خطائي بودن آن باشد در صورتيكه عاقله سوگند ياد كند قول عاقله مقدم بر قول جاني مي باشد .

ماده 311 - عاقله فقط عهده دادرپرداخت خسارتهاي حاصل از جنايتهاي خطائي محض از قتل ناموضحه است و درمواردذيل عاقله ضامن نمي باشد -

الف - جنايتهاي خطائي كه شخص بر خودش وارد آورد .

ب - اتلاف مالي كه بطور خطاء محض حاصل شود .

ماده 312 - هرگّاه جاني داراي عاقله نباشد يا عاقله او نتواند ديه را در مدت سه سال بپردازد ديه از بيت المال پرداخت مي شود . ماده 313 - ديه عمد و شبه عمد بر جاني است لكن اگر فرار كنداز مال او گرفته مي شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزديك او با رعايت الاقرب فالاقرب گرفته مي شود و اگر بستگاني نداشت يا تمكن نداشتند ديه از بيت المال داده مي شود .

ماده 214 - در موارد قتل خطائي محض دادگاه مكلف است در حين رسيدگي عاقله را دعوت كند تااز خود دفاع نمايدولي عدم دسترسي به عاقله يا عدم حضور آن پس ازاحضارموجب توقف رسيدگي نخواهد شد .

ماده ُ315 ً - اگر دو نفر متهم به قَتَل باشـند وهركدام ادعا كند كه ديگري كشـته اسـت و علم اجمالي بر وقوع قتل توسط يكي از آن دو نفر باشد و حجت شرعي بر قاتل بودن يكي اقامه نشود و نوبت به ديه برسـد با قيد قرعه ديه از يكي از آن دو نفر گرفته مي شود .

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده 316 - جنايت اعم از آنكه به مباشرت انجام شود يا به تسبيب يا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده 317 - مباشرت آنست كه جنايت مستقمياً" توسط خود جاني واقع شده باشد .

ماده 318 - تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یاجنایت علیه دیگری را فراهم کندو خود مستقیما" مرتکب جنایت نشود بطوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شود مانند آنکه چاهی بکند وکسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

مادهً 319 ً- هرگاه طَبيبي گرچه حاذق باشـد در معالجه هائي كه شخصا" انجام مي دهد يا دستور آن را صادر مي كند هرچند با اذن مريض يا ولي او باشد باعث تلف جان يا نقص عض - و يا خسارت مالي شود ضامن اسـت .

ماده 320 - هرگاه ختنه كننده در اثر بريدن بيش از مقدار لازم موجب جنايت يا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد . ماده 321 - هرگاه بيطار و دامپزشك گرچه متخصص باشد درمعالجه حيواني هرچند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود خامن است

ماده 322 - هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولي او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید ، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده 323 - هرگاه کسـي در حال خواب بر اثر حرکت و غلطيدن موجب تلفن يا نقص عضو ديگري شود جنايت او بمنزله خطاءمحض بوده وعاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده 324 - هرگاه كسـي چيزي راهمراه خود يا وسـيله نقليه ومانند آن حمل كند و بشخص ديگري برخورد نموده موجب جنايت گردد در صورت عمد يا شبه عمد ضامن مي باشـد و در صورت خطاء محض ، عاقله اوعهده دار مي باشـد .

ماده 325 - هرگاه كسـي به روي شخصي سـلاح بكشـد يا سـگـي را به سـوي او برانگيزد يا هركار ديگري كه موجب هراس او گردد انجام دهدمانند فرياد كشـيدن يا انفجار صوتي كه باعث وحشـت مي شـود و بر اثر اين ارعاب آن شخص بميرد اگر اين عمل نوعا" كشـنده باشـد يا با قصد قتل انجام شـود گرچه نوعا" كشـنده نباشـد ، قتل عمد محسـوب شـده و موجب قصاص اسـت و اگر اين عمل نه نوعا" كشـنده و نه با قصد قتل انجام بگيرد قتل شـبه عمد محسـوِب شـده و ديه آن بر عهده قاتل اسـت .

ماده 326 - هرگاه كسـي ديگري را بترسـاند وموجب فرار او گردد و آن شـخص در حال فرار خود را از جاي بلندي پرت كند يا به درون چاهـي بيفتد و بميرد در صورتيكه آن ترسـاندن موجب زوال اراده و اختيار و مانع تصميم او گردد ترسـاننده ضامن اسـت .

ماده 327 - هرگاه كسي خود را از جاي بلندي پرت كند و بر روي شخصي بيفتد و سبب جنايت گردد در صورتي كه قصد انجام جنايت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتي كه قصد قتل نداشته ولي قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولا" با آن قتل انجام نمي شود قتل شبه عمد بوده ديه در مال او خواهد بودوهمچنين است اگر با وجود قصد پرت شدن بي اختيار پرت شود ولي اگر در اثر لغزش يا علل قهري ديگر و بي اختيار به جايي پرت شود وموجب جنايت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش . ماده 328 - هرگاه كسي به ديگري صدمه وارد كند و يا كسي را پرت كند و او بميرد يا مجروح گردد در صورتي كه نه قصد جنايت داشته باشد و نه كاري را كه قصد نموده است نوعا" سبب جنايت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار ديه آن خواهد بود . ماده 329 - هرگاه كسي ديگري را بر روي شخص ثالث پرت كند و آن شخص ثالث بميرد يا مجروح گردد در صورتي كه نه قصد جنايت داشته باشد و نه كاري را كه قصد كرده است نوعا" سبب جنايت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار ديه مي باشد .

باشدو ديگري به او برخورد نمايد و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هيچگونه خسارتي نخواهد بود . ماده 331 - هركس در محل هائي كه توقف در آنجا جائز نيست متوقف شده يا شيئي و يا وسيله اي را در اين قبيل محلها مستقر سازد و كسـي اشتباها" و بدون قصد با شخص و يا شيئي يا وسيله مزبوربرخورد كند و بميرد شخص متوقف يا كسـي كه شيئي يا وسيله مزبور رادر محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت ديه خواهد بود و نيز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شيئي و وسيله مورد نظر موجب لغزش راهگذروآسيب كسـي شـود ، مسئول پرداخت ديه صدمه يا آسـيب وارده اسـت مگرآنكه عابر با وسعت راه و محل عمدا" قصد برخورد داشـته باشـد كه در اين صورت نه فقط خسـارتي به اوتعلق نمي گيرد بلكه عهده دارد خسـارت وارده نيز مي باشـد

ماده 332 - هر گاه ثابت شود كه مامور نظامي يا انتظامي در اجراي دستور آمر قانوني تيراندازي كرده و هيچگونه تخلف از مقررات نكرده است ضامن ديه مقتول نخواهد بود و جزء مواردي ك مقتول و يا مصدوم مهدورالدم نبوده ديه به عهده بيت المال خواهد بود . ماده 333 - در مواردي كه عبور عابر پياده ممنوع است اگر عبور نمايد و راننده اي كه با سرعت مجاز و مطمئنه در حركت بوده ووسيله نقليه نيز نقص فني نداشته است و در عين حال قادر به كنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت يامصدوم شدن وي گرددراننده ضامن ديه و خسارت وارده نيست .

باب ششم - اشتراك در جنايت

ماده 334 - هر گاه دُو نفر باً يكديگر برخورد كنند و در اثر برخورد كشته شوند هر دو سوار باشند يا پياده يا يكي سواره و ديگري پياده باشـد در صورت شبه عمد نصف ديه هركدام از مال ديگري پرداخت مي شود و در صورت خطاء محض نصف ديه هركدام برعاقله ديگري اسـت .

ماده 335 - هرگاه دو نفر با يكديگر برخورد كنند و دراثربرخورد يكي ازآنها كشته شود در صورت شبه عمد نصف ديه مقتول بر ديگري است و در صورت خطاء محض نصف ديه مقتول بر عاقله ديگري است .

تبصره - هُرگاه کسي اتفاقا" و بدون قصد به شخصي برخورد کند و موجب آسيب او شود خطاء محض ميباشد .

ماده ُ 336 ـ ُ هرگاه در اثر برخورد در سوار ، وسيله نقله آنها مانند اتومبيل خسارت ببيند در صورتيكه تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند يا هيچكدام مقصر نباشند هر كدام نصف خسارت وسيله نقليه ديگري را ضامن خواهد بودخواه آن دو وسيله از يك نوع باشند يا نباشند و خواه ميزان تقصير آنهامساوي يا متفاوت باشد واگر يكي از آنها مقصر باشد فقط مقصرضامن است.

تبصره - تقصير اعم است از بي احتياطي ، بي مبالاتي ، عدم مهارت ، عدم رعايت نظامات دولتي .

ماده ُ 337 - هرگاه دو وسيله نقليه در اثر َبرخورد با هم باعث كشته شدن سرنشينان گردند در صورت شبه عمد راننده هر يك از دو وسيله نقليه ضامن نصف ديه تمام سرنشينان خواهد بود و در صورت خطاء محض عاقله هر كدام عهده دار نصف ديه تمام سرنشينان مي باشد و اگر برخورد يكي از آن دو شبه عمد و ديگري خطاء محض باشدضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد . تبصره - در صورتيكه برخورد دو وسيله نقليه خارج از اختيار راننده ها باشد مانند آنكه در اثر ريزش كوه يا طوفان وديگر عوامل قهري تصادم حاصل شود هيچگونه ضماني در بين نيست .

ماده 33k - هرگاهً شخصيً را كه شبانه از منزلش خواده و بيرون برده اند مفقود شود دعوت كنند ضامن ديه اوست مگر اينكه ثابت كند كه ديگري او را كشته است . و نيز اگر ثابت شود كه به مرگ عادي يا علل قهري در گذشته چيزي بر عهده دعوت كننده نيست . ماده 339 - هرگاه كسي در معبر عام يا هرجاي ديگري كه تصرف در آن مجاز نباشـد چاهي بكند يا سنگ يا چيز لغزنده اي بر سر راه عابران قرار دهد يا هر عملي كه موجب آسيب يا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار ديه يا خسارت خواهد بود ولي اگر اين اعمال در ملك خود يا در جائي كه تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار ديه يا خسارت نخواهد بود .

باب هفتم - تسبیب درجنایت

ماده 340 - هرگاه در ملك ديگري با اذن او يكي از كارهاي مذكور در ماده 339 را انجام دهد و موجب آسيب يا خسارت شخص ثالث شود عهده دار ديه يا خسارت نمي باشد .

ماه 341 - هرگاه در معبر عام عملي به مصلحت عابران انجام شود كه موجب وقوع جنايت يا خسارتي گردد مرتكب ضامن ديه و خسارت نخواهد بود .

ماده 342 - هرگاه كسي يكي از كارهاي مذكور ماده 339 را درمنزل خودانجام دهد و شخصي را كه در اثر نابينائي يا تاريكي أگاه به آن نيست به منزل خودبخوانده عهده دار ديه و خسارت خواهد بودواگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل يا با اذني كه قبل از انجام اعمال مذكور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دادر هيچگونه ديه يا خسارت نمي باشد . ماده 343 - هرگاه در اثر يكي از عوامل طبيعي مانند سيل وغيره يكي از چيزهاي فوق حادث شود و موجب آسيب و خسارت گردد هيچكس ضامن نيست گرچه تمكن برطرف كردن آنها را داشته باشد و اگرسيل يا مانند آن چيزي را بهمراه آورد وكسي آن را به جائي مانند محل اول يا بدتر از آن قرار دهد عهده دار ديه وخسارتهاي وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه اي براي مصلحت عابرين قرار دهد عهده دارچيزي نمي باشد .

ماده 344 - هرگاه كسـي در ملك ديگري عدوانا" يكي از كارهاي مذكور در ماده 339 را انجام دهد و شـخص ثالثي كه عدوانا" وارد آن ملك شـده آسـيب ببيند عامل عدواني عهده دار ديه وخسـارت مي باشـد .

ماده 345 - هرگاه كسي كالائي را كه به منظور خريد و فروش عرضه مي شود ياوسيله نقليه را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده دار آن خواهد بود مگر آنكه مصلحت عابران ايجاب كرده باشد كه آنها را موقتا" در معبر قرار دهد . - از در معرف مراد در اين در

ماده 346 - هرگاه کسـي چيز لغزنده اي را درمعبر بريزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده دار ديه و خسـارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل يا مميز عمدا" با اينکه مي تواند روي آن پا نگذارد به روي آنها پا بگذارد .

ماده 347 - هرگاه کسـي چيزي را بر روي ديوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پيش بيني نشـده به معبر عام بيفتد و موجب خسـارت شـود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوري گذاشـته باشـد که عادتا" سـاقط مي شـود .

ماده 348 - هرگاه ناودان یا بالکن منزل وامثال آن که قراردادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالك آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر نصب و قراردادن آن مجاز بوده و اتفاقا" سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالك منزل عهده دار آن نخواهد بود .

ساده 349 - هرگاه کسي در ملك خود يا ملك مباح ديگري ديواري را با پايه محكم بنا كرده لكن در اثر حادثه پيش بيني نشده مانند زلزله سقوط كند و موجب خسارت گرددصاحب آن عهده دارخسارت نمي باشد و همچنين اگر آن ديوار را به سمت ملك خود بنا نموده كه اگرسقوط كند طبعا" در ملك او سقوط خواهد كرد لكن اتفاقا" به سمت ديگري سقوط كندوموجب آسيب ياخسارت شودصاحب آن عهده دارچيزي نخواهدبود .

ماده 350 - هرگاه دیواري را در ملك خود بطور معتدل و بدون میل به یك طرف بنانمایدلكن تدریجا" مایل به سقوط بسمت ملك دیگري شود اگر قبل از آن صاحب دیوار تمكن اصلاح آن را پیدا كند سـاقط شـود و موجب آسـیب یا خسـارت گرددچیزي برعهده صاحب دیوار نیسـت واگر بعد از تمكن با اصلاح با سـهل انگاري سـقوط كند و موجب خسـارت شـود مالك آن ضامن مي باشـد .

ماده 351 - هر گاه کسـي ديوار ديگري را منحرف و مايل به سـقوط نمايد آنگاه ديوار سـاقط شـود و موجب آسـيب يا خسـارت گردد آن شـخص عهده دار خسـارت خواهد بود .

ماده 352 - هرگاه كسـي در ملك خود به مقدار نياز يا زائد بر ان اتش روشـن كند و بداند كه به جائي سـرايت نمي كند و عادتا" نيز سـرايت نكند لكن اتفاقا" بجاي ديگر سـرايت كند و موجب تلف يا خسـارت شـود ضامن نخواهد بود .

ماده 353 - هرگاه كسي در ملك خُود آتش روشن كند كه عادتاً" به محل ديگر سرايت مي نمايد يا بداند كه بجاي ديگر سرايت خواهدكردو در اثر سرايت موجب تلف يا خسارت شود عهده دار آن خواهد بودگرچه به مقدار نياز خودش روشن كرده باشد . ماده 354 - هرگاه كسي در ملك خود آتشي روشن كند و آتش به جائي سرايت نمايد و سرايت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهاي وارده ميباشدگرچه به مقدار نياز خود روشن كرده باشد .

ماده 355 - هرگاه کسـي در ملك ديگري بدون اذن صاحب آن يادرمعبر عام بدون رعايت صملحت رهگذر آتشـي را روشـن كند كه موجب تلف يا خسـارت گردد ضامن خواهد ٍبود گرچه او قصد اتلاف يا اضرار رانداشـته باشـد .

تبصره - در كليه مواردي كه روشن كننده آتش عهده دار تلف و آسيب اشخاص مي باشد بايد راهي براي فرار و نجات آسيب ديدگان نباشـد وگرنه روشـن كننده آتش عهده دار نخواهد بود .

ماده 356 - هرگاه كسـي آتشـي را روشـن كند وديگري مال شـخصـي را در آن بياندازد و بسـوزاند عهده دار تلف يا خسـارت خواهد بود و روشـن كننده آتش ضامن نيسـت .

ماده 357 - صاحب هر حيواني كه خطر حمله و آسيب رساندن آن را مي داندبايد آن را حفظ نمايد و اگر در اثر اهمال و سهل انگاري موجب تلف يا خسارت گردد صاحب حيوان عهده دار مي باشد و اگراز حال حيوان كه خطر حمله و زيان رساندن به ديگران در آن هست آگاه نباشد يا آنكه آگاه باشد ولي توانائي حفظ آن را نداشته باشدودر نگهداري او كوتاهي نكند عهده دار خسارتش نيست . ماده 358 - هرگاه حيواني به كسي حمله كند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نمايد و همين دفاع موجب مردن يا آسيب ديدن آن حيوان شود شخص دفاع كننده ضامن نمي باشد و همچنين اگر آن حيوان را از هجوم به نفس يا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همين كار موجب تلف يا آسيب او شودعهده دار نخواهد بود .

تبصره - هرگاه در غير مورد دفاع يا در مورد دفاع بيش ازمقدار لازم به آن آسيب وارد شود شخص آسيب رساننده ضامن مي باشد . ماده 359 - هرگاه به سـهل انگاري و كوتاهي مالك حيواني به حيوان ديگر حمله كند و آسيب برساند مالك آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتي بر حيوان حمله كننده و مهاجم وارد شـدكسـي عهده دار آن نمي باشـد .

ماده 360 - هرگاه كسي با اذن وارد خانه كسي بشود و سگ خانه به او آسيب برساند صاحب خانه ضامن مي باشد خواه آن سگ قبلا" درخانه بوده يا بعدا" وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند كه آن حيوان او را آسيب مي رساند و خواه نداند .

ماده 361 - هرگاه کسـي که سـوار حيوان اسـت حيوان را در جائي متوقف نمايد ضامن تمام خسـارتهائي اسـت که آن حيوان وارده مي کند .

ماده 362 - هرگاه کسـي حيواني را بزند و آن حيوان در اثر زدن خسـارتي واردنمايدآن شخص زننده عهده دار خسـارتهاي واردخواهدبود

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده 363 - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنايت مباشر ضامن است مگر اينكه سبب اقوي از مباشر باشد . ماده 364 - هرگاه دو نفر عدوانا" در وقوع جنايتي بنحو سبب دخالت داشته باشند كسيي كه تاثير كار او در وقوع جنايت قبل از تاثير سبب ديگري باشد ضامن خواهد بود مانند آنكه يكي از آن دو نفر چاهي حفر نمايد و ديگري سنگي را در كنار آن قرار دهد وعابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد كسي كه سنگ را گذارده ضامن است و چيزي بعهده حفر كننده نيست و اگر عمل يكي ازآن دو عدواني باشد فقط شخص متعدي ضامن خواهد بود . ماده 365 - هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتي شوند بطور تساوي عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده 366 - هرگاه بر اثر ایجاد سببي دو نفر تصادم كنندوبعلت تصادم كشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .

باب نهم - دیه اعضاء

ماده 367 - هر جنايتي که بر عضو کسـي وارد شـود و شـرعا" مقدار خاصي بعنوان ديه براي آن تعيين نشـده باشـد جاني بايدارش بپردازد .

فصل اول - دیه مو

ماده 368 - هرگاه کسـي موي سـر يا صورت مردي را طوري ببردکه ديگر نرويد عهده دار ديه کامل خواهد بود و اگر دوباره برويد نسـبت به موي سـرضامن ارش اسـت ونسـبت به ريش ثلث ديه کامل را عهده دارخواهد بود .

ماده 369 - هرگاه موي سر زني را طوري از بين ببرد كه ديگر نرويد ضامن ديه كامل زن ميباشـد و اگر دوباره برويد عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در اين حكم فرقي ميان كوچك و بزرگ نيسـت .

تبصره - اگر مهرالمثل بيش از ديه كامل باشد فقط به مقدارديه كامل پرداخت مي شود .

ماده 370 - هرگاه مقداري از موهاي از بين رفته دوباره برويدو مقدار ديگر نرويد نسبت مقداري كه نمي رويد با تمام سر ملاحظه مي شود وديه به همان نسبت دريافت مي گردد .

ماده 371 - تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شـده و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد بر ارش به جانی مسترد شود .

ماده 372 - ديه موهاي مجموع دوابرو در صورتكيه هرگز نرويد پانصد دينار است وديه هر كدام دويست و پنجاه دينار و ديه هر مقدار از يك ابرو بهمان نسبت خواهد بود واگر دوباره روئيده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداري از آن دوباره روئيده شود و مقدار ديگر هرگز نرويد نسبت به آن مقدار كه مجددا" روئيده شود ارش است ونسبت به آن مقدار كه روئيده نمي شود ديه با احتساب مقدار مساحت تعيين مي شود .

ماده 373 - از بين بُردن موهاي پلك چشم موجب ارش است خواه دوباره برويد خواه نرويد و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن . ماده 374 - از بين بردن مو در صورتي موجب ديه يا ارش مي شـود كه به تنهائي باشـد نه با از بين بردن عضو يا كندن پوسـت ومانند كه دراين مواردفقط ديه عضو قطع شـده يا مانندآن پرداخت مي گردد .

فصل دوم - دیه چشم

ماده 375 - از بين بردن دو چشم سالم موجب ديه كامل است و ديه هر كدام از آنها نصف ديه كامل خواهد بود . تبصره - تمام چشم هائيكه بينائي دارند در حكم فوق يكسانند گرچه از لحاظ ضعف و بيماري و شبكوري و لوچ بودن با يكديگر فرق داشته باشند .

ماده 376 - چشمي كه در سياهي آن لكه سفيدي باشد اگر مانع ديدن نباشد ديه آن كامل است واگر مانع مقداري ازديدن باشد بطوريكه تشخيص ممكن باشد بهمان نسبت از ديه كاهش مي يابد و اگر بطوركلي مانع ديدن باشد در آن ارش است نه ديه . ماده 377 - ديه چشم كسي كه داراي يك چشم سالم و بينا باشدوچشم ديگرش نابيناي مادرزاد بوده يا در اثر بيماري ياعلل غير جنائي از دست رفته باشد ديه كامل است واگر چشم ديگري را دراثر قصاص يا جنايتي از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است . ماده 378 - كسي كه داراي يك چشم بينا و يك چشم نابينا است ديه چشم نابيناي او ثلث ديه كامل است خواه چشم او مادرزاد نابينا بوده است يا در اثر جنايت نابيناشده باشد .

مادة 379 - ديه مجموع چهار پلك دو چشـم ديه كامل خواهد بود و ديه پلكهيا بالا ثلث ديه كامل وديه پلكهاي پائين نصف ديه كامل اسـت .

فصل سوم - ديه بيني

ماده 380 - از بين بردن تمام بيني دفعتا" يا نرمه آن كه پائين قصب واستخوان بيني است موجب ديه كامل است و از بين بردن مقداري از نرمه بيني موجب همان نسبت ديه ميباشد .

ماده 381 - از بين بردن مقداري از استخوان بيني بعداز بريدن نرمه آن موجب ديه كامل وارش مي باشد .

ماده 382 - اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که صالح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار میباشد .

ماده 383 - فلج كردن بيني موجب دو ثلث ديه كامل است و ازبين بردن بيني فلج موجب ثلث ديه كامل مي باشد .

ماده 384 - از بين بردن هر يك از سوراخهاي بيني موجب ثلث ديه كامل است و سوراخ كردن بيني بطوري كه هر دو سوراخ و پرده فاصل ميان آن پاره شود يا آنكه آن را سوراخ نمايد در صورتي كه باعث از بين رفتن آن نشود موجب ثلث ديه كامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس ديه مي باشـد .

ماده 385 - ديه از بين بردن نوك بيني كه محل چكيدن خون است نصف ديه كامل مي باشد .

فصل چهارم - دیه گوش

ماده 386 - از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد واز بین بردن هر کدام نصف دیه کامل واز بین بردن مقداري از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده 387 - از بين بردن نرمه گوش ثلث ديه آن گوش را نداردو از بين بردن قسمتي از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود . ماده 388 - پاره كردن گوش ثلث ديه دارد .

ماده 389 - فَلْج كُردن گُوش دو ثلث ديه و بريدن گوش فلج ثلث ديه را دارد

تبصره - هرگاه آسیّب رسّاندن به گوش به حَس شُنوائی سرایت ٌکند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شودبرای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود .

ماده 390 - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور درموارد فوق یکسانند .

فصل پنجم دیه لب

ماده 391 - از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و ازبین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل واز بین بردن هر مقداري از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده 392 - جنايتي كه لبها را جمع كند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداري است كه حاكم آن را تعيين مي نمايد .

ماده 393 - جنايتي كه موجب سـسـت شـدن لبها بشود بطوري كه باخنده و مانند آن از دندانها كنار نرود موجب دو ثلث ديه كامل مي باشـد .

ماده 394 - از بين بردن لبهاي فلج و بي حس ثلث ديه دارد .

ماده 395 - شکافتن یك یا دو لب بطوري که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است ودر صورت اصلاح و خوب شـدن خمس دیه کامل خواهد بود .

فصل ششم - دیه زبان

ماده 396 - از بين بردن تمام زبان سالم يا لال كردن انسان سالم يا ضربه مغزي ومانند آن ديه كامل دارد و بريدن تمام زبان لال ثلث ديه كامل خواهد بود .

ماده 397 - از بين بردن مقداري از زبان لال موجب ديه همان مقدار با رعايت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولي ديه قسمتي از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت اداي حروف خواهد بود .

ماده 398 - تعیین مقدار دیه جنایتي که بر زبان وارد شده وموجب از بین رفتن حروف نشـود لکن باعث عیب گرددباتعیین حاکم خواهدیود

ماده 399 - هرگاه مقداري از زبان را كسـي قطع كند كه باعث از بين رفتن قدرت اداي مقداري از حروف باشـد و ديگري مقدار ديگر را كه باعث از بين رفتن مقداري از باقي حروف گردد ديه به نسبت از بين رفتن قدرت اداي حروف مي باشـد .

ماده 400 - بريدن زبان كودك قبل از حد سخن گفتن موجب ديه كامل است .

ماده 401 - بریدن زبان کودکي که به حد سخن گفتن رسیده ولي سخن نمي گوید ثلث دیه دارد و اگر بعدا" معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جاني گرفته مي شود .

ماده 402 - هرگاه جنایتي موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جاني گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگرددو سـالم شـود دیه مسـترد خواهد شـد .

فصل هفتم - دیه دندان

ماده 403 - از بین بردن تمام دندانهاي بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع مي شود -

1 - هر يك از دندانهاي جلو كه عبارتنداز پيش و چهارتائي و نيش كه از هر كدام دو عدد در بالا دو عدد درپايين مي رويد وجمعا" دوازده تا خواهد بود . پنجاه دينار و ديه مجموع آنها شـشصد دينار مي شـود .

2 - هر يك از دندانهاي عقب كه در چهار سمت پاياني از بالا و پائين در هر كدام يك ضاحك و سه ضرس قرار دارد و جمعا" شانزده تا خواهدبود بيست و پنج دينار وديه مجموع آنها چهارصددينارمي شود .

ماده 404 - دندانهاي اضافي به هر نام كه باشـد و بهر طرز كه روئيده شـود ديه اي ندارد و اگر در كندن آنها نقصي حاصل شـودتعيين مقدار ارش آن با قاضي اسـت واگر هيچگونه نقصي حاصل نشـودارش نخواهد داشـت ولي بنظر قاضي تا74 ضربه شـلاق محكوم مي شـود .

ماده 405 - هرگاه دندانها از بیست وهشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش مي یابد خواه خلقتا" کمتر باشد یا در اثر عارضه اي کم شده باشد .

ماده 406 - فرقبي ميان دندانهائي كه داراي رنگهاي گوناگون مي باشد نيست واگر دنداني در اثر جنايت سياه شود و نيافتد ديه آن دو ثلث ديه همان دندان است كه سالم باشد و ديه دنداني كه قبلا" سياه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده 407 - شكاف (اشقاق) دندان كه بدون كندن واز بين بردن آن باشد تعيين جريمه مالي آن با حاكم است .

ماده 408 - شكستن آن مقدار از دندان كه نمايان است با بقاءريشه ديه كامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شكستن مقدار مزبور كسـي بقيه را از ريشه بكند جريمه آن با نظر حاكم تعيين مي شـود خواه كسـي كه بقيه را از ريشـه كنده همان كسـي كه مقدار نمايان دندان را شكسـته يا ديگري .

ماده 409 - كندن دندان شيري كودك كه ديگر بجاي آن دندان نرويد ديه كامل آنرا دارد و اگر بجاي آن دندان برويد ديه هر دندان شيري كه كنده شد يك شتر مي باشـد .

ماده 410 - دنداني كه كنده شود ديه كامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سـابق شـود .

ماده 411 - هرگاه دندان دیگري بجاي دندان اصلي کنده شودقرار گیرد و مانند دندان اصلي شود کندن آن دپه کامل دارد . فصل هشتم - دپه گردن

ماده 412 - شکستن گردن بطوریکه گردن کج شود دیه کامل دارد .

ماده 413 - جنايتي كه موجب كج شـدن گردن شـود و همچنين جنايتي كه مانع فرو بردن غذا گردد جريمه آن با نظر حاكم تعيين مي شـود .

ماده ً 414 - هرگاه جنایتي که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن بادشواري بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فروببرد .

فصل نهم - دیه فك

ماده 415 - از بین بردن مجموع دو فك دیه كامل دارد و دیه هر كدام آنها پانصد دینار مي باشد واز بین بردن مقداري از هر یك موجب دیه مساحت همان مقدار است ودیه از بین بردن یك فك بامقداري از فك دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فك دیگر خواهد بود

ماده 416 - ديه فك مستقل از ديه دندان مي باشـد و اگرفك بادندان از بين برود ديه هر يك جداگانه محسـوب مي گردد .

ماده 417 - جنايتي كه موجب نقص فك شود يا باعث دشواري و نقص جويدن گردد تعيين جريمه مالي آن با نظر حاكم است .

فصل دهم - دیه دست و پا

ماده 418 - از بين بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ ديه كامل دارد و ديه هركدام از دستها نصف ديه كامل است خواه مجني عليه داراي دو دست باشد يا يك دست و دست ديگر را خلقتا" يا در اثر سانحه اي از دست داده باشد .

مادَهُ 4ُ19 - ديه قَطع انْكَشْتان هر دست تنها ْيا تَا مچ پانصدْ دينَار اُست .

ماده 420 - جَريمه مّالي بريدن كفّ دست كُ خُلقتا" بَدُون انگشَتُ بوده ويا در اثر سانحه اي بدون انگشت شده است با نظرحاكم تعيين مي شود .

ماده 421 - ديه قطع دست تا آرنج پانصد دينار است خواه داراي كف باشد و خواه نباشد و همچنين ديه قطع دست تا شانه پانصد دينار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .

ماده 422 - ديه دستي كه داراي انگشت است اگر بيش از مفصل مچ قطع شود ويا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دينار است به

اضافه ارش که با در نظر گرفتن مساحت تعیین می شود .

ماده 423 - كسـي كه ازمچ يا آرنج يا شـانه اش دو دسـت داشـته باشـد ديه دسـت اصلي پانصد دينار اسـت و نسـبت به دسـت زائد قاضي به هر نحو كه مصلحت بداندنزاع را خاتمه مي دهد .

تشخیص دست اصلي و زائد بنظر خبره خواهد بود .

ماده 424 - ديه ده انگشت دو دست و همچنين ديه ده انگشت دو پا ديه كامل خواهد بود ، ديه هر انگشت عشر ديه كامل است . ماده 425 - ديه هر انگشت به عدد بندهاي آن انگشت تقسيم مي شودو بريدن هر بندي از انگشتهاي غير شست ثلث ديه انگشت سالم و در شست نصف ديه شست سالم است .

ماده ُ426 - ديه انگشت زائد ثلث ديه انگشت اصلي است وديه بندهاي زائد ثلث ديه بند اصلي است .

ماده 427 - ديه فلج كردن هر انگشت دو ثلث ديه انگشت سالم است و ديه قطع انگشت فلج ثلث ديه انگشت سالم است .

ماده 428 - احكام مذكور در مواد اين فصل در پا نيز جاري است .

فصل يازدهم - ديه ناخن

ماده 429 - كندن ناخن بطوري كه ديگر نرويد يا فاسـدوسـياه برويد ده دينار واگر سـالم و سـفيد برويد پنج دينار اسـت .

فصل دوازدهم - دیه ستون فقرات

فصل 430 - شكستن ستون فقرات ديه كامل دارد خواه اصلا" درمان نشود يا بعد از علاج به صورت كمان و خميدگي درآيد يا آنكه بدون عصا نتواند راه برود يا توانائي جنسـي او از بين برود يا مبتلا به سـلس و ريزيش ادار گردد و نيز ديه جنايتي كه باعث خميدگي پشـت شـود يا آنِكه قدرت نشـسـتن يا راه رفتن را سـلب نمايد ديه كامل خواهد بود .

ماده 431 - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثري از جنایت نماند جاني باید یکصد دینار بپردازد .

ماده 432 - هرگاه شكستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود براي شكستن ديه كامل و براي فلج دو پا دو ثلث ديه كامل منظور مي گردد .

فصل سيزدهم - ديه نخاع

ماده 433 - قطع تمام نخاع ديه كامل دارد و قطع بعضي از آن به نسبت مساحت خواهد بود .

ماده 434 - هركَّاه قطُع نخاَع مُوجب عيبُ عَضو ديگر شُود اگر أَن عضو داراي ديه معينَ باشُد بر ديه كامل قطع نخاع افزوده مي گردد و اگر آن عضو داراي ديه معين نباشـد ارش آن بر ديه كامل قطع نخاع افزوده خواهد شـد .

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده 435 - قطع دو بيضه دفعتا" ديه كامل و قطع بيضه چپ دو ثلث ديه و قطع بيضه رِاست ثلث ديه دارد .

تبصره - فرقي در حكم مذكور بين جوان و پير و كودك و بزرگ و عنين و سالم و مانند آن نيست .

ماده 436 - دیه ورم کردن دو بیضه چهارصد دینار است واگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینارخواهد بود .

فصل یانزدهم - دیه دنده

ماده 437 - ديه هر يك از دنده هائي كه در پهلوي چپ واقع شده و محيط به قلب مي باشد بيست و پنج دينار و ديه هر يك ازسايردنده ها ده دينار است .

فصل شانزدهم - دیه استخوان زیر گردن

ماده 438 - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل داردوشکستن هرکدام از آنها که درمان نشود یا باعیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار می باشد .

فصل هفدهم - دیه نشیمن گاه

ماده 439 - شكستن استخوان نشيمن گاه (دنبالچه) كه موجب شود مجني عليه قادر به ضبط مدفوع نباشد ديه كامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارش پرداخت خواهدشد . ماده 440 - ضربه اي كه به حد فاصل بيضه ها و دبر واقع شود وموجب عدم ضبط ادرار يا مدفوع گردد ديه كامل دارد و همچنين اگر

ماده 440 - ضربه اي كه به حد فاصل بيضه ها و دبر واقع شود وموجب عدم ضبط ادرار يا مدفوع كردد ديه كامل دارد و همچنين اك ضربه اي به محل ديگري وارد آيد كه در إثر آن ضبط ادار و مدفوع دراختيار مجني عليه نباشد .

ماده 441 - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شوداو نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهرالمثل نیز دارد .

فصل هيجدهم - ديه استخوانها

ماده 442 - دیه شکستن استخوان هر عضوي که براي آن عضو دیه معیني است خمس آن مي باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه خرد شدن استخوان مي باشد .

شماره 4771 1372/5/3

ياسـت محترم دادگاه كيفري يك شعبه 2 اراك

نامه شماره 1423 مورخ 1371/10/22 در جلسه فقهاي شوراي نگهبان مطرح و نظر آقايان فقهاء بدين شرح اعلام مي گردد: منظور از جداشدن استخوان در ماده مذكور در قانون ديات و قانون مجازات اسلامي اين كه استخوان به كلي ا زمفصل بيرون آمده باشد كه قهرا قسم خاصي از دررفتگي است نه مطلق در رفتگي و مقصود بريده شدن استخوان و جداشدن آن از عصو نيست و برين پن برداشت ماده مذكور مورد تاييد شوراي نگهبان قرارگرفته است . دي شماي نگميان با حمد حدته

ثىمارە 1423 1372/10/22

محضر مبارك دبير محترم شوراي نگهبان قانون اساسي دامت بركاته ضمن ابلاغ سلام و عرض اخلاص خواهشمند است پاسخ دهيد متن ماده 152 قانون ديات مصوب 1361 كميسيون قضائي و حقوقي مجلس شوراي اسلامي و ماده 443 قانون مجازات اسلامي مصوب هشتم مرداد ماه هزارو سيصد و هفتاد كميسيون يادشده كه متخذ از متون فقهي و منابع روائي مذهب تشيع مي باشد بدين قرار است در جداكردن استخوان از عضو بطوريكه آن عضو بي فايده گردد دو ثلث ديه همان عضو است و اگر بدون عيب درمان شود ديه آن چهارپنچم ديه اصل جداكردن مي باشد و نظر به اينكه اكثر متون فقهي و كل منابع روائي به لسان عربي مرقوم گرديده و عبارت (فك العظم من العضو) وارده شده و تنها كتاب فارسي كه اينجانب تاكنون ملاحظه كردم كتاب جامع الشتاب باقيمانده ا زآيت الله العظمي حاج ميرزا ابوالقاسم قمي رضوان الله تعالي عليه مي باشد كه در پاسخ سائلي مرقوم فرموده اند ديه دررفتگي اگر عضو بي فايده شده باشد دوسوم ديه آن عضو و اگر بي فايده نشده باشد چهارپنجم اين مقدار است . همچنين عبارتي كه در ترجمه مختصر نافع آمده است شبيه اين است اكنون در مقام اجراي اين باشد چهارپنجم اين مقدار است . همچنين عبارتي كه در ترجمه مختصر نافع آمده است شبيه اين است اكنون در مقام اجراي اين و ماده قانوني دادگاه سردوراهي قرار دارد معلوم نيست منظور روايت و متون فقهي و مواد قانوني جداشدن استخوان عضو و كنار انداخته شدن آن مي باشد يا منظور از اين عنوان در رفتگي استخوان از مفصل باشد آنچه كه عرف و عادت و تجربه نشان داده است در ضايعات بدني از نوع ضايعات استخواني و يا به تعبير بهتر صدمات مربوط به استخوان خفو و در مقام مقايسه و آنچي عشريه معهود است ديه و هر مجازات ديگر به هر اندازه همان صدمه وارد شده و همدارتجواز مي باشد . و اگر مقصود ضايع شدن استخوان از عضو و به كنار انداخته شدن آن است پس فتواي بعضي از بزرگان دي جوهنه قابل توجيه است علي اين دو ماده اينجانب را راهنمائي چگونه قابل توجيه است علي ايحال مجددا ضمن عرض رادت خواهشمند است در مقام تفسير اين دو ماده اينجانب را راهنمائي

یس دادگاہ کیفری بك شعبہ 2 اراك ـ على اصغر انتكدار

ماده 443 - در جدا كردن استخوان از عضو بطوريكه آن عضوبي فائده گردد و ثلث ديه همان عضو است و اگر بدون عيب درمان شود ، ديه آن چهارپنجم ديه اصل جداكردن مي باشـد .

فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده 444 - هر جنايتي كه موجب زوال عقل گردد ديه كامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد .

ماده 445 - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهدشد .

ماده 446 - هرگاه در اثر جنایتي مانند ضربه مغزي و شکستن سریا بریدن دست ، عقل زائل شود براي هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمي شود .

ماده 447 - هرگاه در اثر جنایتي عقل زایل شود و دیه کامل از جاني دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد مي شود وارش پرداخت خواهد شـد .

ماده 448 - مرجع تشخيص زوال عقل يا نقصان آن دونفر خبره عادل مي باشـد و اگر در اثر اختلاف راي خبرگان زوال يا نقصان عقل ثابت نشود قول جاني با سـوگندمقدم اسـت .

فصل بيستم - ديه حس شنوائي

ماده 449 - از بین بردن حس شنوائي مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوائي یك گوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوائي یکي از آن دو قوي تر از دیگري باشـد .

ماده ُ 450 - هُرگاه كسي فاقد حس شنوائي يكي از گوشها باشد كر كردن گوش سالم او نصف ديه دارد .

ماده 451 - هرکّاه معلوم باشدکه حس شَنوائي بُر نَمي گردد يا دونفر عادل اهّل خبره گُواَهي دهنّد که بر نمي گردد ديه مستقر مي شود و اگر اهل خبره اميد به برگشت آن را پس از گذشت مدت معيني داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوايي برنگردد ديه استقرار پيدا مي کند واگر شنوايي قبل از دريافت ديه برگردد ارش ثابت مي شود و اگر بعد از دريافت آن برگردد ديه مسترد نمي شود و اگر مجني عليه قبل از دريافت ديه بميرد ديه ثابت خواهد بود .

ماده 452 - هرگاه با بريدن هر دو گوش شـنوائي از بين برود دو ديه کامل لازم اسـت وهرگاه با بريدن يك گوش حس شـنوائي بطور كلي از بين برود يك ديه كامل و نصف ديه لازم مي شـود اگر با جنايت ديگري حس شـنوائي از بين برود هم ديه جنايت لازم اسـت و هم ديه شـنوائي .

تبصره - هرگاه دونفر عادل اهل خبره گواهي دهند كه شنوايي از بين نرفته ولي در مجراي آن نقصي رخ داده كه مانع شنوائي است همان ديه شنوائي ثابت است .

ماده 453 - هرگاه کودکي که زبان باز نکرده در اثر کرشـدن نتواند سـخن بگويد جاني علاوه بر ديه شـنوائي به پرداخت ارش محکوم می شـهد .

ماده 454 - هِرگاه در اثر جنايتي حس شنوائي و گويايِي از بين برود2 ديه كامل دارد .

ماده 455 - اگر كستي سبب پاره شدن پرده گُوش ديگري شود محكوم به پرداخت ارش است .

ماده 456 - در ًصورت اختلاف جاًني و مجْنَي علّيه هرگاه با نظّر خبره معتمد ً موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجني عليه باقسامه ديه را دريافت خواهد كرد .

فصل بيست ويكم - ديه بينائي

ماده 457 - از بين بردن بينائي هر دو چشم ديه كامل دارد و از بين بردن بينائي يك چشم نصف ديه كامل دارد .

تبصره - فرقيّ دْرّ حَكّم مذْكور بين ُچشّم تيزبُينْ يا لوچّ يا شَبّ كُورْ و مَانند آن نمّيْ باشـد . أ

ماده 458 - هرگاه با کندن حدقه چشم ، بینائي از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند

شكستن سر ، بينائي از بين برود هم ديه جنايت يا ارش آن لازم است و هم ديه بينائي . ماده 459 - در صورت اختلاف بين جاني و مجني عليه با گواهي دو مرد خبره عادل يا يك خبره مرد و دو زن خبره عادل به اينكه

بینائی از بین رفته و دیگر برنمی گردد یا اینکه بگویند امید برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنا گیرای گرد برنمی گردد یا اینکه بگویند امید برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و

همچنین اگر براي برگشت آن مدت متعارفي تعيين نمايند و آن مدت سـپري شـود و بينائي برنگردد ديه ثابت خواهد بود . و هرگاه مجني عليه قبل از سـپري شـدن مدت تعيين شـده بميرد ديه اسـتقرار مي يابد و همچنين اگر ديگري حدقه او را بكند ديه

بينائي بر جاني اول ثابت خواهد بود .

و هرگاه بينائي برگردد وشخص ديگري آن چشـم را بكند ، برجاني اول فقط ارش لازم مي باشـد . ماده 460 - هرگاه مجني عليه مدعي شـود كه بينائي هر دو چشـم يا يك چشـم او كم شـده به ترتيب با آزمايش و سـنجش با

همسالان يا با مقايسه با چشم ديگرش به نسبت تفاوت ديه پرداخت مي شودودرصورتيكه از طريق آزمايش علم حاصل نشود از طريق قسامه اقدام مي شود .

ماده 461 - هرگاه مجني عليه ادعا كند كه بينائي او زايل شده و شهادتي از متخصصان در بين نباشد حاكم او را با قسامه سوگند مي دهد و به نفع او حكم صادر مي كند .

تبصره - قسامه براي كوري دو چشـم شـش قسـم و براي كوري يك چشـم سـه قسـم و براي كم شـدن بينائي به نسـبت كم شـدن آن مي باشـد اعم از اينكه مدعي به تنهايي قسـم ياد كند يا با افراد ديگر.

فصل بيست ودوم - ديه حس بويائي

ماده 262 - از بين بردن حس بويائي هر دو مجراي بيني ديه كامل دارد و در صورت از بين بردن بويائي يك مجري نصف ديه است و قاضي در مورداخير قبل از صدورحكم بايد به طرفين تكليف صلح بنمايد .

ماده 463 - در صورت اختلاف بین جاني و مجني علیه هرگاه باآزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائي یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده 461) به نفع مدعي حکم مي شود .

ماده 464 - هرگاه حسّ بویائي قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اُگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجني علیه قبل از سپري شدن مدت انتظار برگشت بویائي بمیرد دیه ثابت مي شود .

ماده ً465 - هرگّاه در اثر بریدن بیني حس بویائي از بین برود دو دیه لازم مي شود واگر در اثر جنایت دیگر بویائي از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائي افزوده مي شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشـد ارش آن بر دیه بویائي اضافه خواهد شـد .

فصل بيست وسوم - ديه چشائي

ماده 466 - از بين بردن حس چشائي موجب ارش است .

ماده 467 - هرگاه با بریدن زبان حس چشائي از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگري حس چشائي ازبین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشائي افزوده مي گردد .

ماده 468 - در صورتي که حس چشائي برگردد ارش مسترد مي شود .

ماده 469 - اگر با مراجعه به دو نفر كارشَّناُسَ عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل مي شود وگرنه در صورت لوث ، باقسامه مدعي حسب مورد حكم به نفع او صادر خواهد شد .

فصل بيست و چهارم - ديه صورت و گويايي

ماده 470 - از بَین بُردن صوت شخص بطَور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .

ماده 471 - از بین بردن گویائی بطور کامل که تتواند اصلا" سخن بگوید نیز دیه کامل دارد .

ماده 472 - در جنايتي كه موجب نقصان صوت شود ارش است .

ماده 473 - ارش جنايتي كه باعث از بين رفت صوت نسبت به بعضي از حروف شود بايد با مصالحه معلوم گردد .

فصل بيست وينجم - ديه زوال منافع

ماده 474 - جنايتي كه موجب سلس و ريزش ادرار شود به ترتيب زير ارزش دارد -

الف - در صورت دوامِ آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد .

ب - در صورت دوام ِآن در کلیه روزها تانیمیِ از هِر روز دو ثلث دیه دارد .

ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد . ت - در حگاد را بر شده ادار در در از این دارد در این دارد در این شده به آن این این

تبصره - هرگاه سلس و ريزش ادرار در بعضي از روزها بودوبعدا" خوب شود جريمه آن با نظر حاكم تعيين مي شود .

ماده 475 - اعمال ارتكابي زير باعث ارش است -

الف - باعث از بين رفتن انزال شود .

ب - قدرت توليد مثل وبارداري را از بين ببرد .

ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .

ماده 476 - جنايتي كه باعث از بين رفتن توان مقاربت بطور كامل شود ديه كامل دارد .

ماده 477 - در هر جنايتي كه مُوجب ُزوال ياً نقص بُعضي از منافع گردد مانند خواب - لمس يا موجب پديد آمدن بعضي از بيماريها شود و ديه آن معين نشده باشد ارش تعيين مي شود .

مادهٔ 478 - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا بیشتر قطع شود . دیه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت مساحت ختنه گاه احتساب می گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد .

ماده 479 - هر كَاه آلتَّ زِنَانه كَلا" قطع شود ديه كامَل دُارد وهر كَّاه يك طرف آن قطع شود نصف ديه دارد .

باب دهم - دیه جراحات

فصل اول - دیه جراحت سر و صورت

ماده 480 - دیه جراحت سر وصورت به ترتیب زیر است -

1 - حارصه - خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یك شتر

2 - داميه - خراشـي كه از پوسـت بگذرد و مقدار اندكي وارد گوشـت شـود و همراه با جريان خون باشـد كم يا زياد - دو شـتر.

3 - متلاّحمه - جراحتي كه مُوجب بريدگي عميق گوشت شود لكن به پُوست نازك روي استخوان نرسد - سه شتر.

4 - سـمحاق - جراحتيّ كه از گوشتّ بگذرد و به پوسّت نازك روي استخوان برسد - چُـهار شـتر.

5 - موضحه - جراحتي که از گوشت بگذرد و پوست نازك روي استخوان را کنار زده واستخوان را آشکار کرده - پنج شتر

6 - هاشمه - عملي كه استخوان رابشكند گرچه جراحتي را توليد نكرده باشد - ده شتر.

7 - منقله - جراحتي كه درمان آن جز با جابجا كردن استخوان ميسر نباشد پانزده شتر.

8 - مامومه - جُراحتُي كه بَه كيسـه مُغز برسـد ثلَث ديه كامَل ويا33 شَـتر ديه دارد .

9 - دامغه - جراحتي كه كيسـه مغز را پاره كند غير از ثلث ديه كام ارش بر او افزوده مي گردد .

. تبصره - ديه جراحات گوش و بيني ولب در حكم جراحات سرو صورت مي باشد .

ماده 481 - هرگاه يكي از جراحتهاي مذكور در بندهاي 1تا 5درغير سر و صورت واقع شود در صورتيكه آن عضو داراي ديه معين باشدبايد نسبت ديه آن را با ديه كامل سنجيد آنگاه به مقدار همان نسبت ديه جراحتهاي فوق را كه در غير سر وصورت واقع مي شود تعيين گردد و در صورتي كه آن عضو داراي ديه معين نباشـد دادن ارش لازم اسـت . تبصره - جراحات وارده به گردن در حكم جراحات بدن مي باشـد .

فصل دوم - دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می شود

ماده 282 - ديه جراحتي كه به درون بدن انسان وارد مي شود به ترتيب زير است -

الف - جائفه - جراحتي كه با هر وُسيله واز هر جهَت به شكم يا سيّنه يا پَشَت و يا پهلوي انسان وارد شود ثلث ديه كامل است . ب - هرگاه وسيله اي از يك طرف بدن فرو رفته واز طرف ديگر بيرون آمده باشد دو ثلث ديه كامل دارد .

تبصره - وسیله وارد کننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است .

فصل سوم - ديه جراحتي كه در اعضاء انسان فرو مي رود .

ماده 483 - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه مرد باشـد دیه آن یکصد دینار و درصورتي که زن باشـد دادن ارش لازم اسـت .

باب يازدهم - ديه جنايتي كه باعث تغيير رنگ پوست يا تورم ميشود .

ماده 484 - دیه ضربتي که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است -

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگي شش دینار0

ب - کبود شدن صورت سه دینار0

ج - سرخ شدن صورت يك دينار ونيم 0

د - در سایر اعضاء بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت کبود شدن یك دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است .

تبصره 1 - فرقي در حكم مذكور بين زن و مرد و كوچك وبزرگ نيسـت و همچنين فرقي ميان تغيير رنگ تمام صورت يا قسـمتي از آن و نيز فرقي بين آنكه اثر جنايت مدتي بماند يا زائل گردد نمي باشـد .

تبصره 2 - جنايتي كه باعث تغيير رنگ پوست سر شُود دادن ارش لازم است .

ماده 485 - جنایتي که موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغییر رنگ ارش آن بر دیه که قبلا" بیان شد افزوده مي شود .

ماده 486 - ديه فلج كردن هر عضوي كه ديه معين دارد دو ثلث ديه همان عضو اسـت و ديه قطع كردن عضو فلج ثلث ديه همان عضو اسـت .

باب دوازدهم - دیه سقط جنین

ماده 487 - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است -

1 - دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار0

2 - دیه علقه که خون بسته است چِهل دینار0

3 - دیه مضعه که بصورت گوشت درآمده است شصِت دینار0

4 - دیه جنین در مرحله ای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار.

5 - ديه جنين كه گوشت واستخوان بندي آن تمام شده وهنوز روح در آن پيدا نشده يكصد دينار.

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقي بین دختر وپسر نمي باشد .

6 - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل واگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود ِ

ماده 488 - هرگاه در اثر كشتن مادر ، جنين بميرد و يا سقط شود ديه جنين درهر مرحله اي كه باشد بايد بر ديه مادر افزوده شود . ماده 489 - هرگاه زني جنين خود را سقط كند ديه آن را درهر مرحله اي كه باشد بايد بپردازد و خود از آن ديه سـهمي نمي برد .

ماده 490 - هرگاه چند جنین در یك رحم باشند بعدد هر یك ازآنها دیه جداگانه خواهد بود .

ماده 491 - دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است .

ماده 492 - دیه سقط جنین در موارد عمد وشبه عمد بر عهده جاني است و در موارد خطاي محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .

ماده 493 - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشك متخصص ثابت نباشد دیه وارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه ای بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانبی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود .

باب سيزدهم - ديه جنايتي كه بر مرده واقع مي شود

ماده 494 - ديه جنايتي كه بر مرده مسلمان واقع مي شود به ترتيب زير است -

الف - بريدن سر يكصد دينار0

ب - بریدن هر دو دست یا هر دوپا یکصد دینار و بریدن یك دست یا یك پا پنجاه دینار و بریدن یك انگشت از دست یا یك انگشت از پا ده دینار وقطع یا نقص سایر اعض - اء و جوارح به همین نسبت ملحوظ مي گردد .

تبصره - دیه مذکو در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمي رسد بلکه مال خود میث محسوب شده و بدهي او از آن پرداخت مي گردد ودر راههاي خير صرف مي شود .

ماده 495 - در كليه مواردي كه بموجب مقررات اين قانون ارش منظور گرديده با در نظر گرفتن ديه كامله انسـان و نوع وكيفيت جنايت ميزان خسـارت وارده طبق نظر كارشـناس تعيين مي شـود .

ماده 496 - در این قانون مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر ودینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانپ در انتخاب نوع آن مخیر می باشد .

ماده 497 - كليه قوانيني كه با اين قانون مغاير باشندملغي است .

موضوع ((مجازات اسلامي)) مشتمل بر چهارصد ونود وهفت ماه ويكصد و سه تبصره كه طبق اصل هشتادوپنجم قانون اساسـي در جلسـه ي روز سـه شـنبه هشـتم مرداد ماه يكهزار وسـيصد وهفتاد كميسـيون امورقضائي و حقوقي مجلس شـوراي اسـلامي بتصويب رسـيده و درجلسـه ي علني روزسـه شـنبه مورخ هجدهم ديماه يكهزار وسـيصد وشصت ونه با پنج سـال مدت اجراي آزمايشـي آن موافقت گرديده و ماده 5 آن مورد اختلاف مجلس و شـوراي نگهبان قرار گرفته ، در اجراي اصل يكصد ودوازدهم قانون اسـاسـي در جلسـه ي روز پنج شـنبه مورخ هفتم آذرماه يكهزار وسـيصد وهفتادمجمع تشخيص مصلحت نظام بررسـي وماده 5 لايحه ي فوق الذكر عينا" به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام رسـيده اسـت .

رئيس مجمع تشخيص محصلت نظام - اكبرهاشـمي رفسـنجاني

قانون مجازات اسلامي

تعزيرات

شـماره 4974 - ق 1375/3/23

حضرت حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي هاشمي رفسنجاني

رياست محترم جمهوري اسلامي ايران

لايحه شماره 15689 مورخ 1371/4/23 دولت در خصوص مجازات اسلامي (بخش تعزيرات) كه در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ 1375/3/2 مجلس شوراي اسلامي با اصلاحاتي در عنوان ومتن تصويب و به تاييد شوراي نگهبان رسيده است در اجراي اصل يكصد و بيست و سوم قانون اساسي به پيوست ارسال مي گردد .

رئيس مجلس شوراي اسلامي - علي اكبرناطق نوري

شماره 1375/3/30 مبماره 1375/3/30

وزارت دادگستري

كَتُابُ پنجم قانون مجازات اسلامي - تعزيرات و مجازاتهاي باز دارنده كه در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ دوم خرداد ماه يكهزار و سيصد و هفتاد و پنج مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 75/3/6 به تاييدشوراي نگهبان رسيده و طي نامه شماره 4974 -ق مورخ 1375/3/23 واصل گرديده است ، به پيوست جهت اجراء ابلاغ مي گردد .

رئيس جمهور - اكبر هاشمي رفسنجاني

كتاب پنجم

(تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده 9

فصل اول - جرايم ضد امنيت داخلي وخارجي كشور

ماده 498 - هر كس با هر مرامي ، دسته ، جمعيت يا شعبه جمعيتي بيش از دو نفر در داخل يا خارج از كشور تحت هر اسم يا عنواني تشكيل دهد يا اداره نمايد كه هدف آن برهم زدن امنيت كشور باشـدو محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سـال محكوم مي شـود .

ماده ُ 9ُ9ُ - هركُس در يكي از دسته ها يا جمعيت ها يا شعب جمعيتهاي مذكور در ماده (498) عضويت يابد به سـه ماه تا پنج سـال حبس محكوم مي گردد مگر اينكه ثابت شـود از اهداف آن بي اطلاع بوده اسـت .

ماده 500 - هر كس عليه نظام جمهوري اسلامي ايران يا به نفع گروهها و سازمانهاي مخالف نظام به هر نحو فعاليت تبليغي نمايد به حبس از سـه ماه تا يكسـال محكوم خواهد شـد .

ماده 501 - هركس نقشـه ها يا اسـرار يا اسـناد و تصمميات راجع به سـياسـت داخي يا خارجي كشـور را عالما" و عامدا" در اختيار افرادي كه صلاحيت دسـترسـي به آنها را ندارند قرار دهد يا از مفادآن مطلع كند به نحوي كه متضمن نوعي جاسـوسـي باشـد ، نظر به كيفيات ومراتب به يك تا ده سـال حبس محكوم مي شـود .

ماْده 502ً - َ هر کَسَ به نفع یك دولت بَیگانه وَ به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکي از جرایم جاسوسي شود بنحوي که به امنیت ملي صدمه واردنماید به یك تاپنج سال حبس محکوم خواهدشد .

ماده 503 - هر كس به قصد سرقت يا نقشه برداري يا كسب اطلاع از اسرار سياسـي يا نظامي يا امنيتي به مواضع مربوطه داخل شود و همچنين اشخاصي كه بدون اجازه مامورين يامقامات ذيصلاح در حال نقشـه برداري يا گرفتن فيلم يا عكسـبرداري از اسـتحكامات نظامي يا اماكن ممنوعه دسـتگير شـوند به شـش ماه تا سـه سـال حبس محكوم مي شـوند .

ماده 504 - هركس نيروهاي رزمنده يا اشخاصي را كه به نحوي در خدمت نيروهاي مسلح هستند تحريك موثر به عصيان ، فرار ، تسليم يا عدم اجراي وظايف نظامي كند در صورتي كه قصد براندازي حكومت يا شكست نيروهاي خودي در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب مي شود والا چنانچه اقدامات وي موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غير اين صورت به شش ماه تا سه سال حبس محكوم مي شود .

ماده 505 - هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هروسیله اطلاعات طبقه بندي شده را با پوشش مسئولین نظام یا مامورین دولت یابه نحو دیگر جمع آوري کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال

و در غیر اینصورت به حبس از یك تا پنج سال محكوم مي شود .

ماده 506 - چنانچه مامورين دولتي كه مسوول امورحفاظتي واطلاعاتي طبقه بندي شده ميباشند و به آنها آموزش لازم داده شده است دراثر بي مبالاتي و عدم رعايت اصول حفاظتي توسط دشمنان تخليه اطلاعاتي شوند به يك تا شش ماه حبس محكوم مي شوند .

ماده 507 - هر كس داخل دستجات مفسدين يا اشخاصي كه عليه امنيت داخلي يا خارجي كشور اقدام مي كنند بوده و رياست يا مركزيتي نداشته باشد و قبل از تعقيب ، قصد جنايت واسامي اشخاصي را كه در فتنه وفساد دخيل هستند به مامورين دولتي اطلاع دهد و يا پس از شروع به تعقيب با مامورين دولتي همكاري موثري بعمل آورد از مجازات معاف و در صورتيكه شخصا" مرتكب جرم ديگري شده باشد فقط به مجازات آن جرم محكوم خواهد شد .

ماده 508 - هركس يا گروهي با دول خارجي متخاصم بهر نحو عليه جمهوري اسلامي ايران همكاري نمايد ، در صورتيكه محارب شناخته نشود به يك تا ده سال حبس محكوم مي گردد .

ماده 509 - هرکس در زمان جنگ مرتکب یکي از جرائم علیه امنیت داخلي و خارجي موضوع این فصل شـود به مجازات اشـد همان جرم محکوم مي گردد .

ماده 510 - هركس به قصد برهم زدن امنيت ملي يا كمك به دشمن ، جاسوساني را كه مامور تفتيش يا وارد كردن هرگونه لطمه به كشور بوده اند شناخته و مخفي نمايد يا سبب اخفاي آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم مي شود . تبصره - هركس بدون آنكه جاسوسي كندو ياجاسوسان رامخفي نمايد ، افرادي را به هر نحو شناسائي و جذب نموده و جهت جاسوسي عليه امنيت كشور به دولت خصم يا كشورهاي بيگانه معرفي نمايد به شش ماه تا دوسال حبس محكوم ميشود . ماده 511 - هركس به قصد برهم زدن امنيت كشور و تشويش اذهان عمومي تهديد به بمب گذاري هواپيما ، كشتي و وسائل نقليه عمومي نمايد يا ادعا نمايد كه وسايل مزبوربمب گذاري شده است علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دوسال حبس محكوم مي گردد .

ماده 512 - هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریك کند صرفنظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یك تا پنج سال حبس محكوم مي گردد .

تبصره - در مواردي كه احراز شود متهم قبل از دستيابي نظّام توبه كرده باشد مشمول مواد (508) و (509) و (512) نمي شود

فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبي وسوءقصد به مقامات داخلي

ماده 513 - هركس به مقدسات اسلام و يا هر يك از انبياء عظام يا ائمه طاهرين (ع) يا حضرت صديقه طاهره (س) اهانت نمايد اگر مشمول حكم ساب النبي باشداعدام مي شود و در غير اين صورت به حبس از يك تا پنج سال محكوم خواهد شد . استفساريه مجلس 1 مجلس 1 ماده 514 - هركس به حضرت امام خميني ، بنيانگذار جمهوري اسلامي رضوان ا000 عليه ومقام معظم رهبري به نحوي از انحاء اهانت نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال محكوم خواهد شد . استفساريه مجلس 1 ماده 515 - هر كس به جان رهبر و هر يك از روساي قواي سه گانه و مراجع بزرگ تقليد ، سوءقصد نمايد چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محكوم خواهد شد .

فصل سوم - سوءقصد به مقامات سياسي خارجي

ماده 516 - هركس به جان رئيس كشور خارجي يا نماينده سياسـي آن در قلمرو ايران سـوءقصد نمايد به مجازات مذكور در ماده (515) محكوم مي شود مشـروط به اينكه در آن كشـور نيز نسـبت به ايران معامله متقابل بشـود والا اگر مجازات خفيف تر اعمال گردد به همان مجازات محكوم مي شـود .

تبصره - چنانچه سوءقصد منتهي به قتل يا جرح يا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص يا ديه مطابق ضوابط ومقررات مربوط محكوم خواهد شد .

ماده 517 - هركس علنا" نسبت به رئيس كشور خارجي يا نماينده سياسي آن كه در قلمرو خاك ايران وارد شده است توهين نمايد به يك سال ماه حبس محكوم ميشود مشروط به اينكه در آن كشور نيز در مورد مذكور نسبت به ايران معامله انتقال بشود . تبصره - اعمال مواد اين فصل منوط به تقاضاي دوت مربوطه يا نماينده سياسـي آن دولت يا مطالبه مجني عليه يا ولي او اسـت و در صورت اسـترداد تقاضا تعقيب جزائي نيز موقوف خواهد شد .

فصل چهارم - تهیه و ترویج سکه قلب

ماده 518 - هركس شبيه هرنوع مسكوك طلا يا نقره داخلي يا خارجي از قبيل سكه بهارآزادي ، سكه هاي حكومتهاي قبلي ايران ، ليره ونظاير آن رااز پولها و ارزهاي ديگر كه مورد معامله واقع ميشود ، بسازد يا عالما" داخل كشور نمايد يا مورد خريد و فروش قرار دهد يا ترويج سكه قلب نمايد به حبس از يك تا ده سال محكوم مي شود . ماده 519 - هركس به قصد تقلب به هر نحو از قبيل تراشيدن ، بريدن و نظاير آن از مقدار مسكوكات طلا يا نقره ايراني يا خارجي بكاهد يا عالما" عامدا" در ترويج اين قبيل مسكوكات شركت يا آن راداخل كشور نمايد به حبس از يك تا سه سال محكوم مي شود . ماده 520 - هركس شبيه مسكوكات رايج داخلي يا خارجي غير از طلاو نقره را بسازد يا عالما" عامدا" آنها را داخل كشور نمايد يا در

ترويج آنها شركت كند يا مورد خريد و فروش قرار دهد به حبس از يك تا سه سال محكوم مي شود . ماده 521 - هرگاه اشخاصي كه مرتكب جرايم مذكور در مواد (518) و (519) و (520) مي شوند قبل از كشف قضيه ، مامورين تعقيب راازارتكاب جرم مطلع نمايند يا در ضمن تعقيب به واسطه اقرار خود موجبات تسهيل تعقيب سايرين را فراهم آورند يا مامورين دولت را به نحو موثري در كشف جرم كمك و راهنمائي كنند بنا به پيشنهاد رئيس حوزه قضائي مربوط و موافقت دادگاه و يا با تشخيص دادگاه درمجازات آنان تخفيف متناسب داده مي شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف مي شوند مگر آنكه احراز شود قبل از دستگيري توبه كرده اند كه در اينصورت از كليه مجازاتهاي مذكور معاف خواهندشد .

ماده ُ 52ُ2 - عَلَّاوَه برَّ مجازاتهاي مقرر ُدر مواَّد (51ُ8 ُ) و (51ُ9 ُ) و (52ُوَّ) كليه اموال تحصيلي از طريق موارد مذكور نيز به عنوان تعزير به نفع دولت ضبط مي شود .

فصل پنجم - جعل و تزویر

ماده 523 - جعل و تزوير عبارتند از - ساختن نوشته يا سند يا ساختن مهر يا امضاي اشخاص رسمي يا غير رسمي خراشيدن يا تراشيدن يا قلم بردن يا الحاق يا محو يا اثبات يا سياه كردن يا تقديم يا تاريخ سند نسبت به تاريخ حقيقي يا الصاق نوشته اي به نوشته ديگر يا بكار بردن مهر ديگري بدون اجازه صاحب آن و نظاير اينها به قصد تقلب . ماده 524 - هرکس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تاپانزده سال محکوم خواهد شد .

ماده 525 - هركس يكي از اشياي ذيل را جعل كند يا با علم به جعل يا تزوير اُستعمال كند يا داخل كشور نمايد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از يك تا ده سال محكوم خواهد شـد -

- 1 احكام يا امضاء يا مهر يا دستخط معاون اول رئيس جمهور يا وزراء يا مهر يا امضاي اعضاي شوراي نگهبان يا نمايندگان مجلس شوراي اسلامي يا مجلس خبرگان يا قضات يا يكي از روسا ياكارمندان و مسئولين دولتي از حيث مقام رسمي آنان .
 - 2 مهر يا تمبر يا علامت يكي از شركتها يا موسسات يا ادارات دولتي يا نهادهاي انقلاب اسلامي .
 - 3 احكام دادگاهها يا اسناد يا حواله هاي صادره ازخزانه دولتي 0
 - 4 منگنه يا علامتي كه براي تعيين عيار طلا يا نقره بكارمي رود .
- 5 اسكناس رايج داخلي يا خارجي يا اسناد بانكي نظيربراتهاي قبول شده از طرف بانكها يا چكهاي صادره از طرف بانكها و ساير اسناد تعهد آور بانكي .

تبصره - هر كس عمدا" و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمي داخلي و بين المللي و به منظور القاء شبهه در كيفيت توليدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملي يا بين المللي استفاده نمايد به حداكثر مجازات مقرر در اين ماده محكوم خواهد شد . ماده 526 - هركس اسكناس رايج داخلي يا خارجي يا اسناد بانكي نظير براتهاي قبول شده از طرف بانكها يا چكهاي صادره از طرف بانكها و ساير اسناد تعهدآور بانكي ونيز اسناد يا اوراق بهادار يا حواله هاي صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولي يا پانكي يا اقتصادي يا برهم زدن نظام وامنيت سياسي و اجتماعي جعل يا وارد كشور نمايد يا با علم به مجعول بودن استفاده كندچنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس ازپنج تابيست سال محكوم مي شود .

ماده 527 - هركس مدارك اشتغال به تحصيل يا فارغ التحصيلي يا تاييديه يا ريز نمرات تحصيلي دانشگاهها و موسسات آموزش عالي و تحقيقاتي داخل يا خارج از كشور يا ارزشنامه هاي تحصيلات خارجي را جعل كند يا با علم به جعلي بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت ، به حبس از يك تا سه سال محكوم خواهد شد .

در صورتي كه مرتكب ، يكي از كاركنان وزاتخانه ها يا سـازمانها و موسـسـات وابسـته به دولت يا شـهرداريها يا نهادهاي انقلاب اسـلامي باشـد يا به نحوي از انحاء در جعل يا اسـتفاده از مدارك واوراق جعلي شـركت داشـته باشـد به حداكثر مجازات محكوم مي گردد .

ماده 528 - هركس مهر يا منگنه يا علامت يكي از ادارات ياموسسات يا نهادهاي عمومي غير دولتي مانند شهرداريها را جعل كند يا با علم به جعل استعمال نمايد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد . ماده 529 - هركس مهر يا منگنه يا علامت يكي از شركتهاي غير دولتي كه مطابق قانون تشكيل شده است يا يكي از تجارتخانه ها را جعل كند يا با علم به جعل استعمال نمايد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محكوم خواهد شد . ماده 530 - هر كس مهر يا تمبر يا علامت ادارات يا شركتها يا تجارتخانه هاي مذكور در مواد قبل را بدون مجوز بدست آورد و به طريقي كه به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال كند يا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دوماه تا دو سال حبس محكوم خواهد شد .

ماده 531 - اشخاصي كه مرتكب جرايم مذكور در مواد قبل شـده اند هرگاه قبل از تعقيب به دولت اطلاع دهندو ساير مرتكبين را درصورت بودن معرفي كنند يا بعد از تعقيب وسايل دسـتگيري آنها را فراهم نمايندحسـب مورد در مجازات آنان تخفيف داده مي شـودو يا از مجازات معاف خواهند شـد .

ماده 532 - هر يك از كارمنان و مسئولان دولتي كه دراجراي وظيفه خود در احكام و تقريرات و نوشته ها و اسناد و سجلات و دفاتر وغير آنها از نوشته ها و اوراق رسمي تزوير كند اعم از اينكه امضاء يا مهري را ساخته يا امضاء يا مهر يا خطوط را تحريف كرده يا كلمه اي الحاق كند يا اسامي اشخاص را تغيير دهد علاوه بر مجازاتهاي اداري و جبران خسارت وارده به حبس از يك تا پنج سال يا به پرداخت شيش تا سيي ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد .

ماده 533 - اشخاصي که کارمند یا مسئول دولتي نیستندهرگاه مرتکب یکي از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه برجبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزاي نقدي محکوم خواهند شد .

ماده 534 - هر يك از كاركنان ادارات دولتي ومراجع قضائي و مامورين بخدمات عمومي كه در تحرير نوشته ها و قراردادهاي راجع به وظايفشان مرتكب جعل وتزوير شوند اعم از اينكه موضوع يا مضمون آن را تغيير دهند يا گفته و نوشته يكي از مقامات رسمي ، مهر يا تقريرات يكي از طرفين را تحريف كنند يا امر باطلي را صحيح يا صحيحي را باطل يا چيزي را كه بدان اقرار نشده است اقرارشده جلوه دهند علاوه بر مجازاتهاي اداري و جبران خسارت وارده به حبس از يك تاپنج سال يا شـش تاسـي ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهندشد .

ماده 535 - هركس اوراق مجعول مذكور در مواد (532) ، (533) و (534) را با علم به جعل و تزوير مورد استفاده قرار دهد علاوه برجبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال يا به سه تاهجده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد . ماده 536 - هركس در اسناد يا نوشته هاي غير رسمي جعل يا تزوير كند يا با علم به جعل و تزوير آنها رامور استفاده قراردهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دوسال يا به سه تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد . ماده 537 - عكسبرداري از كارت شناسائي ، اوراق هويت شخصي ومدارك دولتي وعمومي وساير مدارك مشابه در صورتي كه موجب اشتباه با اصل شود بايد ممهور به مهر يا علامتي باشد كه نشان دهد آن مدارك رونوشت يا عكس ميباشد ، در غير اين صورت عمل فوق جعل محسوب ميشود و تهيه كنندگان اينگونه مدارك واستفاده كنندگان از آنها بجاي اصلي عالما" عامدا" علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و يا به سه تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهند شد . ماده 538 - هركس شخصا" يا توسط ديگري براي معافيت خودياشخص ديگري از خدمت دولت يا نظام وظيفه يا براي تقديم به دادگاه مدرد كه شدى به اسم طبيب جعل كند به حبس از شش ماه تا يكسال يا به سه تا شش ميليون ريال جراي نقدي محكوم خواهد شد .

ماده 539 - هرگاه طبيب تصديق نامه برخلاف واقع درباره شخصي براي معافيت از خدمت در ادارات رسمي يا نظام وظيفه يا براي تقديم به مراجع قضائي بدهد به حبس از شـش ماه تا دو سـال يا به سـه تادوازده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شـد . و هرگاه تصديق نامه مزبور به واسـطه اخذ مال يا وجهي انجام گرفته علاوه بر اسـتردادو ضبط آن به عنوان جريمه ، به مجازات مقرر براي رشوه گيرنده محكوم مي گردد .

ماده 540 ً- براي ساير تصديق نامه هاي خلاف واقع كه موجب ضرر شخص ثالثي باشد يا آن كه خسارتي بر خزانه دولت وارد آورده مرتكب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (74) ضربه يا به دويست هزار تا دو ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد . ماده 451 - هركس به جاي داوطلب اصلي هر يك از آزمونها اعم از كنكور ورودي دانشگاهها و موسسات آموزش عال ، دانشسراها ، مراكز تربيت معلم ، اعزام دانشجو به خارج از كشور يا امتحانات داخلي و نهايي واحدهاي مزبور يا امتحانات دبيرستانها ، مدارس راهنمايي و هنرستانها و غيرو در جلسه امتحان شكرت نمايد حسب مورد مرتكب و داوطلب علاوه بر مجازات اداري و انتظامي به دويست هزار تايك ميليون ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد .

ماده 542 - مجازات شروع به جعل وتزوير در اين فصل حداقل مجازات تعيين شده همان مورد خواهد بود .

فصل ششم - محو يا شكستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته هاازاماكن دولتي

ماده 543 - هرگاه محلي يا چيزي بر حسب امر مقامات صالح رسمي مهر يا پلمپ شده باشد وكسي عالما" وعامدا" آنها را بشكند يامحو نمايد يا عملي مرتكب شود كه در حكم محو يا شكستن پلمپ تلقي شود مرتكب به حبس از سه ماه تا دو سال محكوم خواهدشد .

در صورتي كه مستحفظ آن مرتكب شده باشد به حبس از يك تا دو سال محكوم مي شود و اگر ارتكاب به واسطه اهمال متسحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ يك تا شش ماه حبس ياحداكثر (74) ضربه شلاق خواهدبود . ماده 544 - هرگاه بعضي يا كل نوشته ها يا اسناد يا اوراق يا دفاتر يا مطالبي كه در دفاتر ثبت و ضبط دولتي مندرج يادر اماكن دولتي محفوظ يا نزد اشخاصي كه رسما" مامور حفظ آنها هستندسپرده شده باشد ، ربوده يا تخريب يا برخلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذكور و ساير اشخاص كه به واسطه اهمال آنها جرم مذكور وقوع يافته است ، به حبس از شش ماه تا دو سال محكوم خواهند شد . ماده 545 - مرتكبين هر يك از انواع واقسام جرمهاي مشروح درماده فوق به حبس از سه تا شش سال محكوم خواهند گرديد و اگر امانت دار يا مستحفظ مرتكب يكي از جرايم فوق الذكر شود به سه تاده سال حبس محكوم خواهد شد . ماده 546 - در صورتي كه مرتكب به عنف مهر يا پلمپ را محونمايد يا بشكند يا عملي مرتكب شود كه در حكم محو يا شكستن پلمپ تلقي شود يا نوشته يا اسناد را بربايد يا معدوم كندحسب موردبه حداكثر مجازاتهاي مقرر در مواد قبل محكوم خواهد شد واين

فصل هفتم - فرار محبوسين قانوني واخفاي مقصرين

ماده 547 - هر زنداني كه از زندان يا بازداشتگاه فرا نمايد به شلاق تا (74) ضربه يا سه تا شـش ماه حبس محكوم ميشود و اگربراي فرار درب زندان را شكسته يا آن را خراب كرده باشـد ، علاوه برتامين خسارت وارده به هر دو مجازات محكوم خواهد شـد . تبصره - زندانياني كه مطابق آيين نامه زندانها به مرخصي رفته و خودرا در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفي ننمايند فراري محسـوب و به مجازات فوق محكوم مي گردند .

ماده 548 - هرگاه ماموري كه موظف به حفظ و ملازمت يا مراقبت متهم يا فرد زنداني بوده در انجام وظيفه مسامحه واهمالي نمايد كه منجر به فرار وي شود به ششماه تا سه سال حبس يا جزاي نقدي از سه تا هجده ميليون ريال محكوم خواهد شد .

ماده 549 - هركُسَ مامور حفظ يا مراقبت يا ملازمت زنداُني ياتوقيف شده اي باشد و مساعدت در فرارنمايد يا راه فرار او را تسهيل كند يابراي فراروي تباني ومواضعه نمايدبه ترتيب ذيل مجازات خواهدشد -

الف - اگر توقيف شده متهم به جرمي باشد كه مجازات آن اعدام يا رجم يا صلب است و يا زنداني به يكي از اين مجازاتها محكوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محكوميت محكوم عليه حبس از ده سال به بالا باشد و يا توقيف شده متهم به جرمي باشد كه مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به يك تا پنج سال حبس و چنانچه محكوميت زنداني و يا اتهام توقيف شده غير از موارد فوق الذكر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محكوم خواهد شد .

ب - اگر زنداني محكوم به قصاص ياتوقيف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحويل دادن وي مي باشد و در صورت عدم تحويل زنداني مي شود و تا تحويل وي در زندان باقي مي ماند و چنانچه متهم غيابا" محاكمه و برائت حاصل كند و يا قتل شبه عمد يا خطئي تشخيص داده شود عامل فرار به مجازات تعيين شده درذيل بند (الف) محكوم خواهد شد و اگر فراري فوت كند و يا تحويل وي ممتنع شود چنانچه محكوم به قصاص باشد فراري دهنده به پرداخت ديه به اولياي دم مقتول محكوم خواهد شد .

ج - اگر متهم یا محکومي که فرار کرده محکوم به امر مالي یا دیه باشـد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شـده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود .

ماده 550 - هر يك از مستخدمين و مامورين دولتي كه طبق قانون مامور دستيگري كسي بوده و در اجراي وظيفه دستيگري مسامحه و اهمال كرده باشد به پرداخت يكصد هزار تا پانصد هزار ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شد و چنانچه مسامحه واهمال به قصد مساعدت بوده كه منجر به فرار وي شده باشد علاوه بر مجازات مذكور به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم ميشود . ماده 551 - اگر عامل فرار از مامورين مذكور در ماده (549) نباشد و عامدا" موجبات فرار اشخاصي كه قانونا" زنداني يادستگيرشده اند را فراهم آورد به طريق ذيل مجازات خواهد شد -

الف - چنانچه زنداني محكوم به اعدام يا حبس دايم يا رجم يا صلب بوه مجازات او يك تا سـه سـال حبس و اگر زنداني متهم به جرمي بوده كه مجازات آن اعدام يا رجم يا صلب اسـت مجازات از شـش ماه تا دو سـال حبس و چنانچه محكوميت زنداني و يا مجازات قانوني توقيف شـده غير از موارد فوق الذكر باشـد مجازات او سـه ماه تا يك سـال حبس خواهد بود .

ب - اگر زنداني محكوم به قصاص باشـد عامل فرار موظف به تحويل دادن وي مي باشـد و در صورت عدم تحويل زنداني مي شـود و تا تحويل وي در زندان باقي مي ماند . چنانچه فراري فوت كندو يا تحويل وي ممتنع شـود فراري دهنده به پرداخت ديه به اولياي دم مقتول محكوم خواهد شـد .

ماده 552 - هر كس به شخص زنداني يا توقيف شده براي مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محكوم مي شود .

ماده 553 - هركس شخصي را كه قانونا" دستگير شده و فرار كرده يا كسـي را كه متهم اسـت به ارتكاب جرمي و قانونا" امر به دستگيري او شده اسـت مخفي كند يا وسـايل فرار او را فراهم كند به ترتيب ذيل مجازات خواهد شد -

چنانچه كسـي كه فراركرده محكوم به اعدام يا رجم يا صلب يا قصاص نفس واطراف و ياقطع يد بوده مجازات مخفي كننده ياكمك كننده او در فرار ، حبس از يك تا سـه سـال اسـت و اگر محكوم به حبس دائم يا متهم به جرمي بوده كه مجازات آن اعدام يا صلب اسـت محكوم به شـش ماه تا دو سـال حبس خواهد شـد و در سـاير حالات مجازات مرتكب يا ماه تا يك سـال حبس خواهد بود . تبصره - در صورتي كه احراز شـود فردفراري دهنده ويامخفي كننده يقين به بي گناهـي فرد متهم يا زنداني داشـته و در دادگاه نيزثابت شـود از مجازات معاف خواهد شـد .

ماده 554 - هركس از وقوع جرمي مطلع شده و براي خلاصي مجرم از محاكمه محكوميت مساعدت كند از قبيل اين كه براي او منزل تهيه كند يا ادله جرم را مخفي نمايد يا براي تبرئه مجرم ادله جعلي ابراز كند حسب مورد به يك تا سـه سـال حبس محكوم خواهد شـد .

تبصره - در موارد مذكور در ماده (553) و اين ماده در صورتي كه مرتكب از اقارب درجه اول متهم باشـد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداكثر تعيين شـده بيشـتر نخواهد بود .

فصل هشتم - غصب عناوین ومشاغل

ماده َ 555 - هركس بدون سمَتَ رسمي ياً اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتي اعم از كشوري يا لشگري و انتظامي كه از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد يا معرفي نمايد به حبس از شش ماه تا دوسال محكوم خواهد شد و چنانچه براي دخالت يا معرفي خود در مشاغل مزبور ، سندي جعل كرده باشد ، مجازات جعل را نيز خواهد داشت .

ماده 55ُ5 - هُركُس بدونُ مجوز و بصورتُ علني لباسـهاي رسـمي مامورانُ نظامي يا انتظامي جمهوري اسـلامي ايران يا نشـانها ، مدالها ياسـاير امتيازات دولتي را بدون تغيير يا با تغيير جزئي كه موجب اشـتباه شـود مورد اسـتفاده قرار دهد در صورتي كه عمل او به موجب قانون ديگري مسـتلزم مجازات شـديدتري نباشـدبه حبس ازسـه ماه تا يك سـال و يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شـش ميليون ريال محكوم خواهد شـد .

و در صورتکیه از این عمل خود سوءاستفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد .

تَبصره - اَستَفادَه از البسّه واَشياء مذكور در اين ماه در اجراي هنرهاي نمايشي مشّمول مقررات اين ماده نخواهد بود . ماده 557 - هركس علني و بصورت غير مجاز لباسهاي رسمي يامتحد الشكل ماموران كشورهاي بيگانه يا نشانها يا مدالها يا ساير امتيازات دولتهاي خارجي در ايران را مورد استفاده قراردهد به شرط معامله متقابل و يا در صورتي كه موجب اختلال در نظم عمومي گردد مشمول مقررات ماده فوق است .

فصل نهم - تخريب اموال تاريخي ، فرهنگي

ماده 558 - هركس به تمام يا قسمتي از ابنيه ، اماكن ، محوطه ها و مجموعه هاي فرهنگي - تاريخي يا مذهبي كه در فهرست آثار ملي ايران به ثبت رسيده است ، يا تزئينات ، ملحقات ، تاسيسات ، اشتياء و لوازم و خطوط ونقوش منصوب يا موجود در اماكن مذكور ، كه مستقلا" نيز واجد حيثيت فرهنگي - تاريخي يا مذهبي باشد ، خرابي وارد آورده علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از يك الي ده سال محكوم مي شود . ماده 559 - هر كسر اشياء ولوازم و همچنين مصالح و قطعات آثار فرهنگي - تاريخو ريا موزه ها و نمايشگاه ما ، اماكن تاريخي و مذه

ماده 559 - هر كس اشياء ولوازم و همچنين مصالح و قطعات آثار فرهنگي - تاريخي را موزه ها و نمايشگاهها ، اماكن تاريخي و مذه - بي و ساير اماكن كه تحت حفاظت يا نظارت دولت است سرقت كند يا با علم به مسروقه بودن اشياي مذكور را بخرد يا پنهان دارددر صورتي كه مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از يك تا پنج سال محكوم مي شود . ماده 560 - هر كس بدون اجازه از سازمان ميراث فرهنگي كشور ، يا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوي سازمان مذكور در حريم آثار فرهنگي - تاريخي مذكور در اين ماه مبادرت به عملياتي نمايد كه سبب تزلزل بنيان آنها شود ، يا در نتيجه آن عمليات به آثار و بناهاي مذكور خرابي يا لطمه وارد آيد ، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به حبس از يك تا سه سال محكوم مي شود .

ماده 561 - هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخي ، فرهنگي از کشور هرچند به خارج کردن آن نیانجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یك تا سـه سـال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم مي گردد . تبصره - تشخیص ماهیت تاریخي ، فرهنگي به عهده سـازمان میراث فرهنگي کشورمیباشـد .

ببعره تستعيش تشيك تاريخي ، فرهنگي به عهده شارتناي ميراك فرهنگي ممنوع بوده ومرتكب به حبس از شش ماه تا سه ماده 562 - هرگونه حفاري وكاهش به قصد بدست آوردن اموال تاريخي ، فرهنگي ممنوع بوده ومرتكب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشياء مكشوفه به نفع سازمان ميراث فرهنگي كشور و آلات و ادوات حفاري به نفع دولت محكوم مي شود . چنانچه حفاري دراماكن ومحوطه هاي تاريخي كه در فهرست آثار ملي به ثبت رسيده است ، يا در بقاع متبركه و اماكن مذهبي صورت گيرد علاوه بر ضبط اشياء مكشوفه وآلات و ادوات حفاري مرتكب به حداكثر مجازات مقرر محكوم ميشود .

تبصره 1 - هر كس اموال تاريخي ، فرهنگي موضوع اين ماده را برحسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان ميراث فرهنگي كشور نسبت به تحويل آن اقدام ننمايد به ضبط اموال مكشوفه محكوم ميگردد .

تبصره 2 - خريد و فروش اموال تاريخي ، فرهنگي حاصله ازحفاري غيرمجاز ممنوع است و خريدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگي مذكور ، به حبس از شش ماه تا سـه سـال محكوم مي شـوند . هرگاه فروش اموال مذكور تحت هر عنوان از عناوين بطور مسـتقيم يا غيرمسـتقيم به اتباع خارجي صورت گيرد ، مرتكب به حداكثر مجازات مقررمحكوم مي شـود .

ماده 563 - هركس به اراضي و تپه ها واماكن تاريخي ومذهبي كه به ثبت آثار ملي رسيده ومالك خصوصي نداشته باشد تجاوز كند به شـش ماه تا دو سـال حبس محكوم مي شـود مشـروط بر آنكه سـازمان ميراث فرهنگي كشـور قبلا" حدود مشـخصات اين قبيل اماكن و مناطق را درمحل تعيين و علامتگذاري كرده باشـد .

ماده 564 - هركس بدون اجازه سازمان ميراث فرهنگي وبرخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوي سازمان مذكور به مرمت يا تعمير ، تغيير ، تجديدو توسعه ابنيه ياتزيئنات اماكن فرهنگي ، تاريخي ثبت شده در فهرست آثار ملي مبادرت نمايد ، به حبس از ششماه تا دوسال وپرداخت خسارت وارده محكوم مي گردد .

ماده ً 565 - هركس برخلاف ترتيب مقرر در قانون حفظ آثار ملي اموال فرهنگي - تاريخي غير منقول ثبت شده در فهرست آثار ملي رابا علم و اطلاع از ثبت آن به نحوي به ديگران انتقال دهد به حبس ازسه ماه تا يك سال محكوم مي شود .

ماده 566 ً- هركس نسبت به تغيير نحوه استفاه از ابنيه ، اماكن و محوطه هاي مذهبي ، فرهنگي و تاريخي كه در فهرست آثار ملي ثبت شده اند . برخلاف شئونات اثر و بدون مجوز از سوي سازمان ميراث فرهنگي كشور ، اقدام نمايد علاوه بررفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا يكسال محكوم ميشود .

ماده 567 - در كليه جرائم مذكور در اين فصل ، سازمان ميراث فرهنگي يا ساير داير دولتي بر حسب مورد شاكي يا مدعي خصوصي محسوب مي شود .

ماده 568 - در مورد جرايم مذكور در اين فصل كه بوسيله اشخاص حقوقي انجام شود هركي از مديران و مسوولان كه دستور دهند باشند ، برحسب مورد به مجازاتهاي مقرر محكوم مي شوند . تعدم البال فرد گار تال خواد او اين و اين و داد فواد تو تا ناسيان براه فرد گري كشور تا فرد كارو ما دي.

تبصره - اموال فرهنگي ، تاريخي حاصله از جرائم مذكور دراين فصل تحت نظر سـازمان ميراث فرهنگي كشـور توقيف ودركليه مواردي كه حكم به ضبط و اسـترداد اموال ، وسـائل ، تجهيزات و خسـارات داده ميشـود به نفع سـازمان ميراث فرهنگي كشـور مورد حكم قرار خواهد گرفت .

ماده 569 - در كليه موارد اين فصل در صورتي كه موردموردتخريب ، ملك شخصي بوده و مالك از ثبت آن به عنوان آثار ملي بي اطلاع باشـد از مجازاتهاي مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود .

فصل دهم - تقصيرات مقامات و مامورين دولتي

ماده Eff - هر يك از مقامات ومامورين وابسته به نهادها و دستگاههاي حكومتي كه برخلاف قانون ، آزادي شخصي افراد ملت راسلب كند يا آنان رااز حقوق مقرر در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران محروم نمايد علاوه بر انفصال از خدمت و محروميت يك تاپنج سال از مشاغل حكومتي به حبس از دو ماه تا سه سال محكوم خواهدشد اصلاحي مطابق قانون اصلاح ماده (570) قانون مجازات اسلامي مصوب 81

ماده ُ 571 - هرگاه اقداماتي كه برخلاف قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران مي باشد بر حسب امضاي ساختگي وزير يا مامورين دولتي به عمل آمده باشد ، مرتكب و كساني كه عالما" آن را بكار برده باشند به حبس از سه تا ده سال محكوم خواهندشد . ماده 572 - هرگاه شخصي برخلاف قاون حبس شده باشد و در خصوص حبس غيرقانوني خود شكايت به ضابطين دادگستري يا مامورين انتظامي نمود و آنان شكايت او را استماع نكرده باشند و ثابت ننمايند كه تظلم او را به مقدمات ذيصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته اند به انفصال دائم از همان سمت و محروميت از مشاغل دولتي به مدت سه تاپنج سال محكوم خواهند شد . ماده 573 - اگر مسوولين و مامورين بازداشتگاههاوندامتگاهها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحيتدار شخصي را به نام زنداني بپذيرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهندشد .

ماده 574 - اگر مسوولين و مامورين بازداشتگاهها وندامتگاهها از ارائه دادن يا تسليم كردن زنداني به مقامات صالح قضائي يااز ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع كنند يااز رسانيدن تظلمات محبوسين به مقدمات صالح ممانعت يا خودداري نمايند مشمول ماده قبل خواهند بودمگر اينكه ثابت نمايند كه به موجب امركتبي رسمي از طرف رئيس مستقيم خودمامور به آن بوده اند كه دراين صورت مجازات مزبور درباره آمر مقرر خواهد شـد .

ماده 575 - هرگاه مقامات قضائي يا ديگر مامورين ذيصلاح برخلاف قانون توقيف يا دستور بازداشت يا تعقيب جزائي يا قرار مجرميت كسـي را صادر نمايند به انفصال دايم از سـمت قضائي ومحروميت از مشـاغل دولتي به مدت پنج سـال محكوم خواهندشـد . ماده 576 - چنانچه هريك از صاحبت منصبان و مسـتخدمين و مامورين دولتي وشـهرداريها در هر رتبه ومقامي كه باشـد از مقام خود

ماده ً5̄77 - چنانچه مسّتخّدمین ومامورین دولتیّ اعّم ازاستانداران و فرمّانداران وبخّشـّداراَن یا معاونان آنها و ماّمورین انتظامی درغیر موارد حکمیت در اموري که در صلاحیت مراجع قضائي است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکي از آنها به اعتراض مقامات صلاحیتدار قضائي رفع مداخله ننمایند به حبس از دو ماه تا سـه سـال محکوم خواهندشـد .

ماده 578 - هر يك از مستخدمين ومامورين قضائي يا غير قضائي دولتي براي آنكه متهمي را مجبور به اقرار كند او را اذيت وآزار بدني نمايد علاوه بر قصاص يا پرداخت ديه حسب مورد به حبس ازشـشـماه تا سـه سـال محكوم ميگردد و چنانچه كسـي دراين خصوص دسـتورداده باشـد فقط دسـتور دهنده به مجازات حبس مذكور محكوم خواهد شـد واگر متهم بواسـطه اذيت و آزار فوت كند مباشـر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشـت .

ماده 579 - چنانچه هريك از مامورين دولتي محكومي را سخت تراز مجازاتي كه مورد حكم است مجازات كند يا مجازاتي كند كه مورد حكم نبوده است به حبس از شش ماه تا سسه سال محكوم خواهد شد و چنانچه اين عمل به دستور فرد ديگري انجام شود فقط آمربه مجازات مذكور محكوم مي شود و چنانچه اين عمل موجب قصاص يا ديه باشـدمباشـر به مجازات آن نيز محكوم ميگردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم ديگري نيز باشـد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشـر يا آمر اجرا خواهدشـد .

ماده 580 - هر يك از مستخدمين ومامورين قضائي يا غيرقضائي يا كسي كه خدمت دولتي به او ارجاع شده باشد بدون ترتيب قانوني به منزل كسـي بدون اجازه و رضاي صاحب منزل داخل شود به حبس از يك ماه تا يك سـال محكوم خواهد شد مگر اينكه ثابت نمايد به امر يكي از روسـاي خود كه صلاحيت حكم را داشـته اسـت مكره به اطاعت امر او بوده ، اقدام كرده اسـت كه در اين صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شـد و اگر مرتكب يا سـبب وقوع جرم ديگري نيز باشـد مجازات آن را نيز خواهد ديد و چنانچه اين عمل در شـب واقع شـود مرتكب يا آمر به حداكثر مجازات مقرر محكوم خواهدشـد .

ماده 581 - هر يك از صاحب منصبان ومستخدمين ومامورين دولتي كه با سوءاستفاده از شغل خود به جبر و قهر مال يا حق كسي را بخرد يا بدون حق برآن مسلط شوديا مالك را اكراه به فروش به ديگري كند علاوه بر رد عين مال يا معادل نقدي قيمت مال يا حق ، به مجازات حبس از يكسال تا سه سال يا جزاي نقدي از شش تا هجده ميليون ريال محكوم ميگردد .

ماده 582 - هر يك ازمستخدمين ومامورين دولتي ، مراسلات يامخابرات يا مكالمات تلفني اشخاص را در غير مواردي كه قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح يا توقيف يا معدوم يا بازرسي يا ضبط يا استراق سمع نمايد يا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاءنمايد به حبس از يك سال تا سه سال و يا جزاي نقدي از شش تاهجده ميليون ريال محكوم خواهد شد .

ماده 583 - هركس از مقامات يا مامورين دولتي يا نيروهاي مسـلح يا غير آنها بدون حكمي از مقامات صلاحيتدار در غير مواردي كه در قانون جلب يا توقيف اشـخاص را تجويز نموده ، شـخصي را توقيف يا حبس كند يا عنفا در محلي مخفي نمايد به يك تا سـه سـال حبس يا جزاي نقد ياازشـش تا هجده ميليون ريال محكوم خواهد شـد .

ماده 584 - كسـي كه با علم و اطلاع براي ارتكاب جرم مذكور در ماده فوق مكاني تهيه كرده بدين طريق معاونت با مرتكب نموده باشـد به مجازات حبس از سـه ماه تا يك سـال يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شـش ميليون ريال محكوم خواهدشـد . ماده 585 - اگر مرتكب يا معاون قبل از آن كه تعقيب شـود شخص توقيف شـده را رها كند يا اقدام لازم جهت رها شـدن وي به عمل آورد در صورتي كه شخص مزبور را زياده از پنج روز توقيف نكرده باشـد مجازات او حبس از دو تا شـش ماه خواهـد بود .

ماَّده 58ُ6 - هُرگاه مرتکب براي اُرتکاب جراُيم مَذْکُور دَر ماده (583) اسم يا عنوان مجَعول يا اسم وعلامت مامورين دولت يا لباس منتسب به آنان را به تزويراختيار كرده يا حكم جعلي ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل ياتزويرمحكوم خواهدشد .

ماده 587 - چنانچه مرتکب جرایم مواد قبل توقیف شده یامحبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یك تاپنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتي محكوم خواهد شد

فصل يازدهم - ارتشاء و ربا وكلاهبرداري

ماده 588 - هر یك از داوران و ممیزان وكارشناسان اعم از اینكه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین ، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یكي از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدي از سه تا دوازده میلیون ریال محكوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودي به نفع دولت ضبط خواهد شد .

دوروده مينيوه رياف سعنوم و ۱۰پ کردند است به عنوان شعارات مودي به کني دونت طبط کواهند ست . ماده 589 - در صورتي که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتي اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدي که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد .

ماده ُ 590 ً - اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلكه مالي بلاعوض يا به مقدار فاحش اُرزان تر از قيمت معموي يا ظاهرا" به قيمت معمولي و واقعا" به مقدار فاحشي كمتر از قيمت به مستخدمين دولتي اعم از قضائي واداري بطور مستقيم يا غيرمستقيمي منتقل شود يا براي همان مقاصد مالي به مقدار فاحشي گرانتر از قيمت ازمستخدمين و مامورين مزبور مرتشي وطرف معامله راشـي محسـوب مي شـود .

ماده 591 - هرگاه ثابت شود که راشـي براي حفظ حقوق حقه خودناچار از دادن وجه يا مالي بوده تعقيب کيفري نداردو وجه يا مالي که داه به او مسـترد ميگردد .

ماده 592 - ّهركسَ عالَماً" و عامدا" براي اقدام به امري يا امتناع از انجام امري كه از وظايف اشخاص مذكور در ماده (3) قانون تشديد ارتشاء ، اختلاس وكلاهبرداري مصوب 1376/9/15 مجمع تشخيص مصلحت نظام مي باشد وجه يا مالي يا سند پرداخت وجه يا تسليم مالي رامستقيم يا غيرمستقيم بدهد در حكم راشي است و بعنوان مجازات علاوه برضبط مال ناشي از ارتشاء به حبس از ششماه تا سه سال ويا تا (74) ضربه شلاق محكوم مي شود .

تبصره - در صورتیکه رشوه دهنده براي پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آنرا گزارش دهد یا شکایت نمایداز مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وي مسترد مي گردد .

ماده 593ً - هركُسُ عالما" وعامدا" موحبات تحقق جرم ارتشاءاز قبيل مذاكره ، جلب موافقت يا وصول و ايصال وجه يا مال يا سند پرداخت وجه را فراهم نمايد به مجازات راشـي بر حسب مورد محكوم مي شود .

مَّاده 594 ً - مجَّازات شُروع بعمل ارتشاء ً در هرَّ مَوْرد حداقل مَّجازات مَقْرر دُّر آنٌ مورداست .

ماده 595 - هر نوع توافق بین و یا چند نفرتحت هر قراردادي از قبیل بیع ، قرض ، صلح و امثال آن جنسـي را با شـرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختي ، دریافت نماید ربا محسـوب و جرم شـناخته میشـود مرتکبین اعم از ربا دهنده ، ربا گیرنده و واسـطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شـشـماه تا سـه سـال حبس و تا (74) ضربه شـلاق ونیز معادل مال مورد ربا بعنوان جراي نقدي محکوم میگردند .

تبصره 1 - درصورت معلوم نبودن صاحب مال ، مال مورد رباازمصادیق اموال مجهول المالك بوده ودراختیار ولي فقیه قرار خواهد گرفت . تبصره 2 - هرگاه ثابت شود ربادهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافي مضطر بوده از مجازات مذكور در این ماده معاف خواهد شد . تبصره 3 - هرگاه قرارداد مذكور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از كافر ربا دریافت كند مشمول مقررات این ماده نخواهدبود .

ماده 596 - هركس با استفاده از ضعف نفس شخصي يا هوي و هوس او يا حوائج شخصي افراد غير رشيد به ضرر او نوشته يا سندي اعم از تجاري يا غيرتجاري از قبيل برات ، سفته ، چك ، حواله ، قبض و مفاصا حساب و يا هرگونه نوشته اي كه موجب التزام وي يابرائت ذمه گيرنده سند يا هر شخص ديگر ميشود بهرنحو تحصيل نمايد علاوه بر جبران خسارات مالي به حبس از ششماه تا دو سال و از يك ميليون تاده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم ميشود واگر مرتكب ولايت يا وصايت يا قيمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وي علاوه بر جبران خسارات مالي از سه تا هفت سال حبس خواهد بود .

فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانوني

ماده 597 - هريك از مقامات قضائي كه شكايت و تظلمي مطابق شرايط قانوني نزد آنها برده شود و با وجوداين كه رسيدگي به آنها از وظايف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سكوت يا اجمال يا تناقض قانون از قبول شكايت يا رسيدگي به آن امتناع كند يا صدور حكم را بر خلاف قانون به تاخير اندازد يا برخلاف صريح قانون رفتار كند دفعه اول از شـش ماه تا يكسـال و درصورت تكراربه انفصال از شغل قضائي محكوم مي شود و در هر صورت به تاديه خسـارات وارده نيز محكوم خواهد شـد .

فصل سيزدهم - تعديات مامورين دولتي نسبت به دولت

ماده 598 - هريك از كارمندان و كاركنان ادارات وسازمانها يا شوراها و يا شهرداريها وموسسات و شركتهاي دولتي ويا وابسته به دولت و يا نهادهاي انقلابي وبنيادها وموسساتي كه زير نظر ولي فقيه اداره ميشوند و ديوان محاسبات و موسساتي كه به كمك مستمر دولت اداره مي شوند و يا دارندگان پايه قضائي و بطور كلي اعضا و كاركنان قواي سه گانه و همچنين نيروهاي مسلح و مامورين به خدمات عمومي اعم از رسمي وغيررسمي وجوه نقدي يا مطالبات يا حوالجات يا سهام و ساير اسناد واوراق بهادار يا ساير اموال متعلق به هر يك از سازمانها و موسسات فوق الذكر يا اشخاصي كه بر حسب وظيفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غير مجاز قرار دهد بدون آنكه قصد تملك آنها را به نفع خود يا ديگري داشته باشد ، متصرف غير قانوني محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (74) ضربه محكوم مي شود و در صورتيكه منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذكور به جزاي نقدي معادل مبلغ انتفاعي محكوم خواهد شد و همچنين است در صورتيكه به علت اهمال يا تفريط موجب تضييع اموال و وجوه دولتي گردد و يا آن را به مصارفي برساند كه در قانون اعتباري براي آن منظور نشده يا در غير مورد معين يا زائد را عتبار مصرف نموده باشد .

ماده 599 - هر شخصي عهده دار انجام معامله يا ساختن چيزي يا نظارت در ساختن يا امربه ساختن آن براي هريك ازادارات وسازمانها و موسسات مذكور در ماده (598) بوده است به واسطه تدليس در معامله از جهت تعيين مقدار يا صفت يا قميت بيش از حدمتعارف موردمعامله يا تقلب در ساختن آن چيز نفعي براي خود يا ديگري تحصيل كندعلاوه برجبران خسارات وارده به حبس ازشش ماه تا پنج سال محكوم خواهدشد .

ماده 600 - هر يك از مسوولين دولتي ومستخدمين وماموريني كه مامور تشخيص يا تعيين يا محاسبه يا وصول وجه يا مالي به نفع دولت است برخلاف قانون يا زياده بر مقررات قانوني اقدام و وجه يا مالي اخذ يا امر به اخذ آن نمايد به حبس از دو ماه تا يكسـال محكوم خواهد شد . مجازات مذكور در اين ماده در مورد مسـوولين و مامورين شـهرداري نيز مجري است و در هر حال آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذيحق مسترد مي گردد .

ماده 601 - هر يك از مستخدمين ومامورين دولتي كه برحسب ماموريت خود اشخاص را اجير يا استخدام كرده يا مباشرت حمل و نقل اشيائي را نموده باشد و تمام يا قسمتي از اجرت اشخاص يا اجرت حمل ونقل را كه توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولي نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محكوم ميشود و همين مجازات مقرر است درباره مستخدميني كه اشخاص را به بيگاري گرفته واجرت آنها را خود برداشته وبه حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت بايد اجرت ماخوذه را به ذيحق مسترد نمايد .

ماده 602 - هر يك از مستخدمين ومامورين دولتي كه برحسب ماموريت خود حق داشته است اشخاصي را استخدام و اجير كند و بيش ازعده اي كه اجير يااستخدام كرده است به حساب دولت منظور نمايد يا خدمه شخصي خود راجزو خدمه دولت محسوب نمايد و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (74) ضربه و تاديه مبلغي كه به ترتيب فوق به حساب دولت منظور داشته است محكوم خواهد گرديد .

ماده 603 - هر يك از كارمندان وكاركنان واشخاص عهده دار وظيفه مديريت و سرپرستي در وزارتخانه ها و ادارات وسازمانهاي مذكور در ماده (598) كه بالمباشره يا به واسطه در معاملات ومزايده ها و مناقصه ها و تشخيصات و امتيازات مربوط به دستگاه متبوع ، تحت هر عنواني اعم از كميسيون يا حق الزحمه و حق العمل يا پاداش براي خود يا ديگري نفعي در داخل يا خارج كشور از طريق توافق يا تفاهم يا ترتيبات خاص يا ساير اشخاص يا نمايندگان و شعب آنها منظور دارد يا بدون ماموريت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چيزي بخرد يا بسازد يا در موقع پرداخت وجوهي كه حسب وظيفه به عهده او بوده يا تفريغ حسابي كه بايد بعمل آورد براي خود يا ديگري نفعي منظور دارد به تاديه دو برابر وجوه ومنافع حاصله از اين طريق محكوم مي شود و در صورتي كه عمل وي موجب تغيير در مقدار يا كيفيت مورد معامله يا افزايش قيمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و يا مجازات نقدي از سه تا سي ميليون ريال نيز محكوم خواهد شد .

ماده 60ُ4 - هُر يكَ از مستخدمين دولتي اعم از قضائي واداري نوشته ها و اوراق واسنادي را كه حسب وظيفه به آنان سپرده شده يا براي انجام وظايفشان به آنها داده شده است را معدوم يا مخفي نمايد يا به كسـي بدهد كه به لحاظ قانون از دادن به آن كس ممنوع مي باشد علاوه بر جبران خسـارت وارده به حبس از سـه ماه تا يك سـال محكوم خواهد شـد .

ماده 605 - هر يك از مامورين ادارات وموسسات مذكوردرماده (598) كه از روي غرض و برخلاف حق درباره يكي ازطرفين اظهارنظريااقدامي كرده باشد به حبس تا سه ماه يا مجازات نقدي تا مبلغ يك ميليون و پانصد هزار ريال و جبران خسارت وارده محكوم خماهد شد

مادّه 606 - هر يك از روسا يا مديران يا مسوولين سازمانها و موسسات مذكور در ماده (598) كه از وقوع جرم ارتشاء يا اختلاس يا تصرف غير قانوني يا كلاهبرداري يا جرايم موضوع مواد (599) و (603) در سازمان يا موسسات تحت اداره يا نظارت خود مطلع شده ومراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضائي یا اداري اعلام ننمایدعلاوه بر حبس از ششماه تا دو سال به انفصال موقت از ششماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

فصل چهاردهم - تمرد نسبت به مامورین دولت

ماده 607 - هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم وآگاهی نسبت به مامورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب مي شود ومجازات آن بشرح ذيل است -

- 1 هرگاه متمرد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دوسال .
 - 2 هرگاه متمرد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یك تا سه سال .
 - 3 در ساير موارد حبس از سه ماه تا يك سال 0
- تبصره اگر متمرد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگري هم بشودبه مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد .

فصل پانزدهم - هتك حرمت اشخاص

ماده 608 - توهين به افراد از قبيل فحاشـي واسـتعمال الفاظ ركيك چنانچه موجب حد قذف نباشـد به مجازات شـلاق تا (74) ضربه و ياپنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي خواهد بود . استفساريه مجلس 1

ماده 609 - هركس با توجه به سمت ، يكي از روسـاي سـه قوه يامعاونان رئيس جمهور يا وزرا يا يكي از نمايندگان مجلس شـوراي اسـلامي يا نمايندگان مجلس خبرگان يا اعضاي شـوراي نگهبان يا قضات يااعضاي ديوان محاسـبات يا كاركنان وزارتخانه ها وموسـسات و شركتهاي دولتي و شهرداريها در حال انجام وظيفه يا به سبب آن توهين نمايد به سه تا شش ماه حبس و يا تا (74) ضربه شلاق و يا پنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي شود . استفساريه مجلس 1

فصل شانزدهم - اجتماع و تباني براي ارتكاب جرايم

ماده 610 - هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتي که عنوان محارب بر آنان صادق نباشـد به دو تا پنج سـال حبس محکوم خواهند شـد ماده 611 - هرگاه دو نفر يا بيشـتر اجتماع و تباني بنمايند كه عليه اعراض يا نفوس يا اموال مردم اقدام نمايند ومقدمات اجرائي را هم تدارك ديده باشند ولي بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از ششماه تا سه سال محكوم خواهند شد

فصل هفدهم - جرايم عليه اشخاص و اطفال

ماده 612 - هركس مرتكب قتل عمد شود و شاكي نداشته ياشاكي داشته ولي از قصاص گذشت كرده باشد و يا بهر علت قصاص نشود در صورتیکه اقدام وي موجب اخلال در نظم و صیانت وامنیت جامعه یا بیم تجري مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حسب از سه تاده سال محکوم مي نمايد .

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یك تا پنجسال خواهد بود .

ماده 613 - هرگاه كسـي شـروع به قتل عمد نمايد ولي نتيجه منظور بدون اراده وي محقق نگردد به شـش ماه تا سـه سـال حبس

تعزيري محكوم خواهد شد .

ماده 614 - هركس عمدا" به ديگري جرح يا ضربي وارد آوردكه موجب نقصان يا شكستن يا از كارافتادن عضوي از اعضاء يا منتهي به مرض دايمي ياً فقداًن يا نقص يكي از حواس يا منافع يا زوال عقل مجني عليه گردد در مواردي كه قصاص امكان نداشته باشد چنانچه اقدام وي موجب اخلال در نظم و صيانت وامنيت جامعه يا بيم تجري مرتكب يا ديگران گردد به دو تا پنج سال حبس محكوم خواهد شد و در صورت درخواست مجني عليه مرتكب به پرداخت ديه نيز محكوم مي شود .

تبصره - در صورتي كه جرح وارده منتهي به ضايعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه يا چاقو و امثال آن باشد مرتكب به سـه ماه تا يك سال حبس محكوم خواهد شد .

ماده 615 - هرگاه عده اي با يكديگر منازعه نمايند هريك از شركت كنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زير محكوم ميشوند -

1 - در صورتي كه نزاع منتهي به قتل شودبه حبس از يك تاسه سال 0

2 - در صورتي كه منتهي به نقص عضو شود به حبس از يك تاسـه سـال 0

3 - در صورتي كه منتهي به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا يكسال

تبصره 1 - در صورتیکه اقدام شخص ، دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود .

تبصره 2 - مجازاتهاي فوق مانع اجراي مقررات قصاص يا ديه حسب مورد نخواهد شد .

ماده 616 - در صورتي كه قتل غير عمد به واسطه بي احتياطي يا بي مبالاتي يا اقدام به امري ك مرتكب در آن مهارت نداشته است يا به سبب عدم رعايت نظامات واقع شود مسبب به حبس از يك تا سـه سـال و نيز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه اولياي دم محكوم خواهد شد مگر اينكه خطاي محض باشد .

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگي نمي گردد .

ماده 617 - هركس به وسيلِه چاقو و يا هر نوع اسلحه ديگر تظاهر يا قدرت نمايي كند يا آن را وسيله مزاحمت اشخاص يا اخاذي يا تهدید قرار دهد یا با کسـي گلاویز شـوددر صورتیکه از مصادیق محارب نباشـدبه حبس از شـش ماه تا دوسـال وتا (74) ضربه شـلاق محكوم خواهدشد .

ماده 618 - هركس با هياهو و جنجال يا حركات غير متعارف ياتعرض به افراد موجب اخلال نظم وآسايش وآرامش عمومي گردد يا مردم رااز کسب وکار باز دارد به حبس از سـه ماه تا یك سـال وتا (74) ضربه شـلاق محکوم خواهد شـد .

ماده 619 - هركس در اماكن عمومي يا معابر متعرض يامزاحم اطفال يا زنان بشود يا با الفاظ و حركات مخالف شوون و حيثيت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شـش ماه وتا (74) ضربه شـلاق محکوم خواهد شـد .

ماده 620 - هرگاه جرايم مذكور درمواد (616) و (617) و (618) درنتيجه توطئه قبلي ودسته جمعي واقع شود هر يك از مرتكبين به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد

ماده 621 - هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصا" يا توسط ديگري شخصي را بربايد يا مخفي كند به حبس از پنج تا پانزده سال محكوم خواهد شد در صورتي كه سن مجني عليه كمتر از پانزده سال تمام باشد يا ربودن توسط وسايل نقليه انجام پذيرد يا به مجني عليه آسيب جسمي يا حيثيتي وارد شود

مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم میگردد . تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است .

ماده 622 - هركس عالما" عامدا" به واسطه ضرب يا اذيت و آزار زن حامله ، موجب سقط جنين وي شود علاوه بر پرداخت ديه يا قصاص حسب مورد به حبس از يك تا سـه سـال محكوم خواهد شـد .

ماده 623 - هركس به واسطه دادن ادويه يا وسايل ديگر موجب سقط جنين زن گردد به شش ماه تا يك سال حبس محكوم ميشود و اگرعالما" و عامدا" زن حامله اي را دلالت به استعمال ادويه يا وسايل ديگري نمايدكه جنين وي سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محكوم خواهد شد مگر اينكه ثابت شود اين اقدام براي حفظ حيات مادر ميباشد ودر هر مورد حكم به پرداخت ديه مطابق مقررات مربوط داده خواهدشد .

ماده 624 - اگر طبیب یا ماما یا داروفروش واشخاصي که به عنوان طبابت یا مامایي یا جراحي یا دارو فروشي اقدام میکنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد وحکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهِد پذیرفت .

ماده 625 - قتل وجرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی شود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید میکرده است .

تبصره - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیّر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بودیا صاحب مال استمداد نماید .

ماده 626 - در مورد هر فعلي كه مطابق قانون جرم بر نفس يا عرض يا مال محسوب ميشـود ولو اينكه از مامورين دولتي صادرگرددهرگونه مقاومت براي دفاع از نفس يا عرض يا مال جايز خواهد بود .

ماده 627 - دفاع در مواقعي صادق است که -

الف - خوف براي نفس يا عرض يا ناموس يا مال مستند به قرائن معقول باشد .

ب - دفاع متناسب با حمله باشد .

ج - توسل به قواي دولتي يا هرگونه وسيله آسانتري براي نجات ميسر نباشد .

ماده 628 - مقاومت در مقابل نيروهاي انتظامي و ديگرضابطين دادگستري در موقعي كه مشغول انجام وظيفه خود باشند دفاع محسوب نمي شود ولي هرگاه اشخاص مزبور از حدودوظيفه خود خارج شوند وبر حسب ادله وقرائن موجود خوف آن باشدكه عمليات آنها موجب قتل يا جرح يا تعرض به عرض يا مال گردد در اين صورت دفاع در مقابل آنها نيز جايز است .

ماده 629 - در موارد ذیل قتل عمدي به شرط آن كه دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت -

الف - دفاع از قُتلَ يَا ضرب و جَرح شديد يا آزار شديد يادفاع از هتك ناموس خود و اقارب .

ب - دفاع در مقابل كسـي كه در صدد هتك عرض و ناموس ديگري به اكراه و عنف برآيد .

ج - دفاع در مقابل كسـي كه در صدد سـرقت و ربودن انسـان يا مال او برآيد .

ماده 630 - هرگاه مردي همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبي مشاهده كند وعلم به تمكين زن داشته باشد مي تواند درهمان حال آنان را به قتل برساند و در صورتي كه زن مكره باشد فقط مرد را مي تواندبه قتل برساند . حكم ضرب و جرح در اين مورد نيز مانند قتل است .

ماده 631 - هركس طفلي را كه تازه متولد شـده اسـت بدزدد يا مخفي كند يا او را بجاي طفل ديگري يا متعلق به زن ديگري غير از مادر طفل قلمداد نمايد به شـش ماه تا سـه سـال حبس محكوم خواهدشـدوچنانچه احراز شـودكه طفل مزبور مرده بوده مرتكب به يكصد هزار تا پانصد هزار ريال جزاي نقدي محكوم خواهد شـد .

ماده 632 ً - اگر كسي از دادن طُفلَي كه به اوسُپرده ًشده است درموقع مطالبه اشخاصي كه قانونا" حق مطالبه دارندامتناع كند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس يا به جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار تا سه ميليون ريال محكوم خواهدشد .

ماده 633ً - هرگاه كسى شخصا" يا به دستور ديگري طفل يا شخصي را كه قادر به محافظت ُخود نمي باشَد در محلي كه خالي از سكنه است رها نمايد به حبس از شش ماه تا دو سال و يا جزاي نقدي از سه ميليون تا دوازده ميليون ريال محكوم خواهد شد و اگر در آبادي و جائيكه داراي سكنه باشد رهاكند تا نصف مجازات مذكور محكوم خواهد شد و چنانچه اين اقدام سبب ار آمدن صدمه يا آسيب يا فوت شودرها كننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص يا ديه يا ارش نيز محكوم خواهد شد .

ماده 634 - هركس بدون مجوز مشروع نبش قبر نمايد به مجازات حبس از سه ماه و يك روز تا يك سال محكوم ميشود و هرگاه جرم ديگري نيز با نبش قبر مرتكب شده باشد به مجازات آن جرم هم محكوم خواهدشد . ماده 635 - هركس بدون رعايت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه اي را دفن كند ياسبب دفن آن شود يا آن را مخفي نمايد به جزاي نقدي از يكصد هزار تا يك ميليون ريال محكوم خواهد شد .

ماده 636 - هر كس جسد مقتولي را با علم به قتل مخفي كنديا قبل از اينكه به اشخاصي كه قانونا" مامور كشف و تعقيب جرايم هستند خبر دهد آن را دفن نمايد به حبس از سه ماه و يك روز تا يك سال محكوم خواهدشد .

فصل هجدهم - جرايم ضد عفت و اخلاق عمومي

ماده 637 - هرگاه زن و مردي كه بين آنها علقه زوجيت نباشد ، مرتكب روابط نامشروع يا عمل منافي عفت غير از زنااز قبيل تقبيل يا مضاجعه شوند ، به شلاق تانودونه ضربه محكوم خواهند شد و اگر عمل با عنف واكراه باشد فقط اكراه كننده تعزير مي شود . ماده 638 - هركس علنا" در انظار واماكن عمومي و معابر تظاهر به عمل حرامي نمايد علاوه بر كيفر عمل به حبس از ده روز تادوماه يا تا (74) ضربه شلاق محكوم ميگردد و در صورتي كه مرتكب عملي شود كه نفس آن عمل داراي كيفر نمي باشد ولي عفت عمومي را جريحه دار نمايد فقط به حبس از ده روز تا دو ماه يا تا (74) ضربه شلاق محكوم خواهد شد . تصره - زناني كه بدون حجاب شرعي در معابر وانظار عمومي ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه ويا از بنجاه هزار تا بانصد هذار

تبصره - زناني كه بدون حجاب شرعي در معابر وانظار عمومي ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه ويا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ريال جزاي نقدي محكوم خواهند شد .

ماده 639 - افراد زیر به حبس از یك تا ده سال محكوم میشوندودر مورد بند (الف) علاوه بر مجازات مقرر ، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شـد -

الف - كسـي كه مركز فسـاد ويا فحشـا داير يا اداره كند .

ب - کسـي که مردم را به فسـاد يا فحشـا تشـويق نموده يا موجبات آن را فراهم نمايد . تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادي صدق نمايد علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادي نيز محکوم ميگردد .

ماده 640 - اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یك سال و جزاي نقدي از یك میلیون و پانصدهزارریال تا شش میلیون ریال و تا (74) ضربه شلاق یا به یك یا دو مجازات مذكور محكوم خواهند شد -

1 - هركس نوشته يا طرح ، گراور ، نقاشي ، تصاوير ، مطبوعات ، اعلانات ، علايم ، فيلم ، نوارسينما و يا بطور كلي هر چيز كه عفت واخلاق عمومي را جريحه دار نمايد براي تجارت توزيع به نمايش ومعرض انظارعمومي گذارد يا بسازد يا براي تجارت و توزيع نگاهدارد . 2 - هركس اشياء مذكور را به منظور اهداف فوق شخصا" يابه وسيله ديگري وارد يا صادر كند و يا به نحوي از انحاء متصدي يا واسطه تجارت و يا هرقسم معامله ديگر شود يا از كرايه دادن آنهاتحصيل مال نمايد .

3 - هركس براي تشويق به معامله اشياي مذكور در فوق ويا ترويج آن اشياء به نحوي از انحاء اعلان و يا فاعل يكي از اعمال ممنوعه

فوق و يا محل بدست اوردن ان را معرفي نمايد .

تبصره 1 - مفاد اين ماده شامل اشيائي نخواهد بود كه با رعايت موازين شرعي و براي مقاصد علمي يا هر مصلحت حلال عقلايي ديگرتهيه يا خريد و فروش و مورد استفاده متعارف علمي قرار مي گيرد .

تبصره 2 - اشياي مذكور ضبط و محو آثار مي گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتي ذيربط تحويل خواهد شد .

ماده 641 - هرگاه كسي به وسيله تلفن يا دستگاههاي مخابراتي ديگر براي اشخاص ايجاد مزاحمت نمايد علاوه بر اجراي مقررات خاص شرکت مخابرات ، مرتکب به حبس از یك تا شش ماه محکوم خواهد شد .

فصل نوزدهم - جرايم بر ضد حقوق تكاليف خانوادگي

ماده 642 - هركس با داشتن استطاعت مالي نفقه زن خود رادر صورت تمكين ندهد يااز تاديه نفقه ساير اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه اورا از سه ماه و یك روز تا پنج ماه حبس محكوم مي نماید .

ماده 643 - هرگاه کسـي عالما" زن شـوهردار يا زني را که در عده ديگري اسـت براي مردي عقدنمايد به حبس از شـش ماه تا سـه سال يااز سه ميليون تا هيجده ميليون ريال جزاي نقدي و تا (74) ضربه شـلاق محكوم ميشود و اگر داراي دفتر ازدواج و طلاق يا اسناد رسَمي باشد براي هميشه از تصدي دفتر ممنوع خواهدگرديد .

ماده 644 - كساني كه عالما" مرتكب يكي از اعمال زيرشوندبه حبس از شـش ماه تا دوسال و يا از سـه تا دوازده ميليون جزاي نقدي محکوم میشوند -

1 - هُر زني كُه در قيد زوجيت يا عده ديگري است خود را به عقد ديگري در آورد در صورتيكه منجر به مواقعه نگردد .

2 - هركسْي كه زَن ْشُوَهْردار يَا زني راْ كهُ در عده ديگَريُ اُست برايُ خُود تُرويَجُ نمَايد ُدرَ صورتيكهُ منتهي به مواقعه نگردد .

ماده 645 - به منظور حفظ كيان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم ، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامي است ، چنانچه مردي بدون ثبت در دفاتر رسـمي مبادرت به ازدواج دائم ، طلاق و رجوع نمايد به مجازات حبس تعزيري تا يكسـال محكوم مي گردد .

ماده 646 - ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولي ممنوع اسـت چنانچه مردي با دختري كه به حد بلوغ نرسـيده بر خلاف مقررات ماده (1041) قانون مدني و تبصره ذيل آن ازدواج نمايد به حبس تعزيري ازشـش ماه تا دو سـال محكوم مي گردد .

ماده 647 - چنانچه هر يك اززوجين قبل از عقد ازدواج طرف خودرا به امور واهي از قبيل داشتن تحصيلات عالي ، تمكن مالي ، موقعيت اجتماعي ، شغل و سمت خاص ، تجرد وامثال آن فريب دهد و عقدبرمبناي هر يك از آنها واقع شود مرتكب به حبس تعزيري از شش ماه تا دو سال محکوم مي گردد .

فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشاءسر

ماده 448 - اطباء و جراحان و ماماها وداروفروشان و كليه كساني كه به مناسبت شغل يا حرفه خود محرم اسرار مي شوند هرگاه در غيراز موارد قانوني ، اسرار مردم را افشا كنند به سـه ماه و يك روز تا يك سـال حبس و يا به يك ميليون و پانصد هزارتا شـش ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي شوند .

ماده 649 - هركس در دعواي حقوقي يا جزائي كه قسم متوجه او شده باشدسوگنددروغ يادنمايد به شش ماه تا دوسال حبس محكوم خواهدشد .

ماده 650 - هركس در دادگاه نزد مقامات رسمي شـهادت دروغ بدهدبه سـه ماه ويك روز تادوسـال حبس ويا به يك ميليون وپانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزاي نقدي محکوم خواهد شد

تبصره - مجازات مذكور در اين ماده علاوه بر مجازاتي است كه در باب حدود و قصاص وديات براي شهادت دروغ ذكر گرديده است .

فصل بیست ویکم - سرقت و ربودن مال غیر

ماده 651 - هرگاه سرقت جامع شرايط حد نباشد ولي مقرون به تمام پنج شرط ذيل باشد مرتكب از پنج تا بيست سال حبس وتا (74) ضربه شلاق محكوم مي گردد .

1 - سرقت در شب واقع شده باشد .

2 - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند .

3 - يك ياچند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر يا مخفي بوده باشند .

4 - اُز دیّواْر بالا رَفْتَهَ یا حرز راَشکستّه یا کلّید ساختَگیّ به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقيقت خود را مامور دولتي قلمداد كرده يا در جايي كه محل سكني يا مهيا براي سكني يا توابع آن است سرقت كرده باشند .

5 - در ضمن سرقت کسي را آزار يا تهديد کرده باشند .

ماده 652 - هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (74) ضربه محكوم مي شودواگر حرجي نيز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداكثر مجازات مذكور در اين ماده محكوم مي گردد . ماده 653 - هركس در راهها و شوارع به نحوي از انحاء مرتكب راهزني شود در صورتي كه عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبِس و شَلَاق تا (74) ضربه محكوم مي شود .

ماده 654 - هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقين دو نفر يابيشتر باشند لااقل يك نفر از آنان حامل سلاح ظاهر يا مخفي باشد در صورتي كه بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نكند جزاي مرتكب يا مرتكبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (74) ضربه مي باشد

ماده 655 - مجازات شـروع به سـرقتهاي مذكور در مواد قبل تا پنج سـال حبس وشـلاق تا (74) ضربه مي باشـد .

ماده 656 - در صورتي که سرقت جامع شرايط حد نباشد و مقرون به يکي از شرايط زير باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم مي شود -

1 - سرقت در جايي كه محل سكني يا مهيا براي سكني يا در توابع آن يا در محل هاي عمومي از قبيل مسجد و حمام و غيراينهاواقع شده باشد .

2 - سرقت در جایي واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده وسارق حرز را شکسته باشد .

3 - در صورتي كه سرقت در شب واقع شده باشد .

4 - سارقین دونفر یا بیشتر باشند .

5 - سارق مستخدم بوده ومال مخدوم خود را دزديده يا مال ديگري را در منزل مخدوم خود يا منزل ديگري که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یادر محلي که معمولا" محل کار وي بوده از قبيل خانه ، دکان ، کارگاه ، کارخانه وانبارسـرقت نموده باشد . 6 - هرگاه اداره كنندگان هتل ومسافرخانه وكاروانسرا وكاروان و بطور كلي كساني كه به اقتضاي شغل اموالي در دسترس آن است تمام یا قسمتي از آن را مورد دستبرد قرار دهند .

ماده 657 - هر کس مرتکب ربودن مال ديگري از طريق کيف زني ، جيب بري و امثال آن شود به حبس از يك تا پنج سال و تا (74)

ضربه شلاق محكوم خواهد شـد

ماده 658 - هرگاه سرقت در مناطق سيل يا زلزله زده يا جنگي يا آت ش سوزي يا در محل تصادف رانندگي صورت پذيرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از یك تا پنج سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد . ماده 659 - هركس وسائل ومتعلقات مربوط به تاسيسات مورد استفاده عمومي كه به هزينه دولت يا باسرمايه دولت يا سرمايه مشترك دولت و بخش غير دولتي يا به وسيله نهادها وسازمانهاي عمومي غيردولتي يا موسسات خيريه ايجاد يا نصب شده مانند تاسيسات بهره برداري آب و برق و گاز و غيره را سرقت نمايد به حبس از يك تا پنج سال محكوم مي شود و چنانچه مرتكب از كاركنان سازمانهاي مربوطه باشـد به حداكثر مجازات مقرر محكوم خواهد شـد . ماده 660 - هرکس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب و برق و گاز وتلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن وگاز نمایدعلاوه بر جبران خسارت وارده به تحمل تا سه سال حبس محکوم خواهد شد .

ماده 661 - در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکوردرمواد فوق نباشد مجازات مرتکب ، حبس از سه ماه و یك روز تا دوسال

وتا (74) ضربه شـلاق خواهد بود . ماده 662 - هركس با علم واطلاع يا با وجود قرائن اطمينان آور به اينكه مال در نتيجه ارتكاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوي از انحاء تحصیل یا مخفي یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ششماه تا سه سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم

در صورتيكه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداكثر مجازات در اين ماه محكوم مي گردد .

ماده 663 - هركس عالما" در اشياء واموالي كه توسط مقامات ذيصلاح توقيف شده است و بدون اجازه دخالت يا تصرفي نمايد كه منافي با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالك آن باشد به حبس از سه ماه تا یك سال محكوم خواهد شد ماده 664 - هركس عالما" عامدا" براي ارتكاب جرمي اقدام به ساخت كليد يا تغيير آن نمايد ياهر نوع وسيله اي براي ارتكاب جرم

بسازد ، یا تهیه کند به حبس از سـه ماه تا یك سـال و تا (74) ضربه شـلاق محكوم خواهد شـد . ماده 665 - هركس مال ديگري را بربايد وعمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا يك سال محكوم خواهد شد و اگردرنتیجه این کار صدمه اي به مجني عليه وارد شده باشـد به مجازات آن نيز محکوم خواهد شـد .

ماده 666 - در صورت تکرار جرم سرقت ، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود

تبصره - در تكرار جرم سرقت در صورتي كه سارق سه فقره محكوميت قطعي به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمي تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید .

ماده 667 - در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور دراین فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود .

فصل بیست ودوم - تهدید و اکراه

ماده 668 - هركس با جبر وقهر يا با اكراه وتهديد ديگري راملزم به دادن نوشته يا سند يا امضاء يا مهر نمايد و يا سند ونوشته اي كه متعلق به او سپِرده به او مي باشـد را از وي بگيرد به حبس ازسـه ماه تا دو سـال و تا (74) ضربه شـلاق محكوم خواهدشـد . ماده 669 - هرگاه کسي ديگري را به هر نحو تهديدبه قتل ياضررهاي نفسـي يا شرفي يا مالي و يا به افشـاء سـري نسبت به خوديا بستگان او نماید ، اعم از اینکه به این واسطه تقاضاي وجه یا مال یا تقاضاي انجام امر یا ترك فعلي را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (74) ضربه یا زندان ازدوماه تا دو سال محکوم خواهدشد .

فصل بيست وسوم - ورشكستگي

ماده 670 - كساني كه به عنوان ورشكستگي به تقلب محكوم مي شوند به مجازات حبس از يك تا پنج سال محكوم خواهندشد . ماده 671 - مجازات ورشكسته به تقصير از شش ماه دوسال حبس است ماده 672 - هرگاه مديرتصفيه در امر رسيدگي به ورشكستگي بين طلبكاران و تاجرورشكسته مستقيما" يامع الواسطه ازطريق

عِقدقرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد .

فصل بیست وچهارم - خیانت در امانت

ماده 673 - هر كس از سفيد مهر يا سفيد امضايي كه به او سپرده شده است يا به هر طريق بدست آورده سوءاستفاده نمايد به یك تا سـه سـال حبس محكوم خواهدشـد .

ماده 674 - هرگاه اموال منقول يا غير منقول يا نوشته هايي از قبيل سفته وچك و قبض و نظاير آن به عنوان اجاره يا امانت يا رهن يا براي وكالت يا هر كار با اجرت يا بي اجرت به كسـي داده شـده و بنابراين بوده اسـت كه اشـياء مذكور مسـترد شـود يا به مصرف معيني برسد و شخصي كه آن اشياء نزد او بوده آنها را به ضرر مالكين يا متصرفين آنها استعمال يا تصاحب يا تلف يا مفقود نمايد به حبس از شـش ماه تا سـه سـال محکوم خواهد شـد .

فصل بیست و پنجم - احراق وتخریب واتلاف اموال و حیوانات

ماده 675 - هركس عمدا" عمارت يا بنا يا كشتي يا هواپيما يا كارخانه يا انبار و بطور كلي هر محل مسكوني يا معد براي سكني يا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعي یا اشجاریامزارع یا باغهاي متعلق به دیگري را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم

تبصره 1 - اعمال فوق در این فصل در صورتي که به قصد مقابله با حکومت اسلامي باشد مجازات محارب را خواهد داشت . تبصره 2 - مجازات شـروع به جرائم فوق شـش ماه تا دو سـال ِحبس مي باشـد .

ماده 676 - هركس ساير اشياء منقول و متعلق به ديگري را آتش ِبزند به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد . ماده 677 - هركس عمدا" اشياء منقول يا غيرمنقول متعلق به ديگري را تخريب نمايد يا به هر نحو كلا" يا بعضا" تلف نمايد و يا از کاراندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

ماده 678 - هرگاه جرایم مذکور در مواد (676) و (677) به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب دوتاپنج سال

ماده 679 - هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگري یا حیواناتي که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام

شده است را بكشد يا مسموم يا تلف يا ناقص كند به حبس از نود ويك روز تا شـش ماه يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا سـه ميليون ريال محكوم خواهد شـد .

ماده 680 - هرکس برخلاف مَقررات وبدون مجوز قانوني اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشي حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزاي نقدي از یك ونیم میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد .

ماده 681 - هركس عالما" دفاتر و قباله ها وساير اسناد دولتي را بسوزاند يا به هر نُحو ديگري تلفُ كند به حبس از دو تا ده سال محكوم خواهد شد .

ماده 682 - هركس عالما" هر نوع اسناد يا اوراق تجارتي و غير دولتي را كه اتلاف آنها موجب ضرر غير است بسـوزاند يا به هرنحو ديگرتلف كند به حبس از سـه ماه تا دو سـال محكو*م خ*واهد شـد .

ماده 683 - هر نوع نهب وغارت واتلاف اموال واجناس و امتعه يا محصولات كه از طرف جماعتي بيش از سـه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شـود چنانچه محارب شـناخته نشـوند به حبس از دو تا پنج سـال محكوم خواهند شـد .

ماده 684 - هركس محصول ديگري را بچراند يا تاكسـتان يا باغ ميوه يا تخلسـتان كسـي را خراب كند يا محصول ديگري را قطع و درو نمايد يا به واسـطه سـرقت يا قطع آبي كه متعلق به آن اسـت يا با اقدامات و وسـايل ديگر خشـك كند يا باعث تضييع آن بشـود يا آسـياب ديگري را از اسـتفاده بياندازد به حبس از شـش ماه تا سـه سـال وشـلاق تا (74) ضربه محكوم مي شـود .

مادهُ 685ُ - َهْرَكْسُ اصله نخلَ خرمًا را به هر ترتَيب يا هر وسيله بدون مجوز قانونيُ از بيْن ببُّرد يا قطَّعُ نمايد به سه تا ششماه حبس يا از يك ميليون و پانصد هزار تاسه ميليون ريال جزاي نقدي ياهر دو مجازات محكوم خواهد شد .

ماده 686 - هركس درختان موضوع ماده يك قانون گسترش فضاي سبزرا عالما" عامدا" و برخلاف قانون مذكور قطع يا موجبات از بين رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزيري از شـش ماه تا سـه سـال ويا جزاي نقدي از سـه ميليون تاهجده ميليون ريال محكوم خواهد شـد .

ماده 687 - هر كس در وسايل و تاسيسات مورداستفاده عمومي از قبيل شبكه هاي آب و فاضلاب ، برق ، نفت ، گاز ، پست و تلگراف وتلفن و مراكز فركانس و ماكروويو (مخابرات) و راديو وتلويزيون ومتعلقات مربوط به آنها اعم ازسد و كانال وانشعاب لوله كشي ونيروگاههاي برق وخطوط انتقال نيرو و مخابرات (كابلهاي هواي يا زميني يانوري) و دستگاههاي توليد وتوزيع وانتقال آنها كه به هزينه يا سرمايه دولت يا با سرمايه مشترك دولت و بخش غير دولتي يا توسط بخش خصوصي براي استفاه عمومي ايجاد شده وهمچنين در علائم راهنمايي و رانندگي و ساير علائمي كه به منظور حفظ جان اشخاص ياتامين تاسيسات فوق يا شوارع و جاده ها نصب شده است ، مرتكب تخريب يا ايحاد حريق يا از كارانداختن يا هر نوع خرابكاري ديگر شود بدون آنكه منظور او اخلال در نظم وامنيت عمومي باشد به حبس از سه ماه تا ده سال محكوم خواهد شد .

تبصره 1 - در صورتي كه اعمال مذكور به منظور اخلال در نظم و امنيت جامعه ومقابله با حكومت اسلامي باشد مجازات محارب راخواهد داشت .

تبصره 2 - مجازات شروع به جرائم فوق یك تا سه سال حبس است .

ماده 688 - هر اقدامي كه تهديد عليه بهداشت عمومي شناًخته شود از قبيل آلوده كردن آب آشاميدني يا توزيع آب آشاميدني آلوده ، دفع غير بهداشتي فضولات انساني و دامي ومواد زايد ، ريختن مواد مسموم كننده در رودخانه ها ، زباله در خيابانها و كشتار غيرمجاز دام ، استفاده غيرمجاز فاضلاب خام يا پس آب تصفيه خانه هاي فاضلاب براي مصارف كشاورزي ممنوع مباشد ومرتكبين چنانچه طبق قوانين خاص مشمول مجازات شديدتري نباشندبه حبس تايك سال محكوم خواهندشد .

تُبصره 1- تَشَخَيُصْ اَينكه اَقدام مزَبور تَهدَيد عليه بهداشت عمومي و اَلودگي محيط زيستُ شَناخته مي شود و نيز غير مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامي و همچنين اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشـکي، سازمان حفاظت محيط زيست و سازمان دامپزشـکي خواهد بود. اصلاحي مطابق قانون اصلاح تبصره (1)ماده (688) قانون مجازات اسـلامي (تعزيرات) مصوب 1375

تبصره 2 - منظور از آلودگي محيط زيست عبارتست از پخش ياآميختن مواد خارجي به آب يا هوا يا خاك يا زمين به ميزاني كه كيفيت فيزيكي ، شيميايي يا بيولوژيك آن را بطوري كه به حال انسان يا سايرموجودات زنده ياگياهان يا آثار يا ابنيه مضرباشـدتغييردهد . ماده 689 - در تمام موارد مذكور در اين فصل هرگاه حرق و تخريب و ساير اقدامات انجام شـده منتهي به قتل يا نقص عضو يا جراحت و صدمه به انساني شود مرتكب علاوه بر مجازاتهاي مذكور حسب مورد به قصاص و پرداخت ديه و در هر حال به تاديه خسارات وارده نيزمحكوم خواهد شـد .

فصل بيست وششم - هتك حرمت منازل واملاك غير

ماده 690 - هركس به وسيله صحنه سازي از قبيل پي كني ، ديواركشي ، تغيير حدفاصل ، امحاي مرز ، كرت بندي ، نهركشي ، حفرچاه ، غرس اشجار و زراعت وامثال آن به تهيه آثار تصرف در اراضي مزروعي اعم ازكشت شده يا در آيش زراعي ، جنگلها و مراتع ملي شده ، كوهستانها ، باغها قلمستانها ، منابع آب ، چشمه سارها ، انهارطبيعي و پاركهاي ملي ، تاسيسات كشاورزي ودامداري ودامپروري وكشت وصنعت واراضي موات و باير و ساير اراضي واملاك متعلق به دولت يا شركتهاي وابسته به دولت يا شركتهاي وابسته به دولت يا شهرداريها يا اوقاف و همچنين اراضي و املاك وموقوفات و محبوسات واثلاث باقيه كه براي مصارف عام المنفعه اختصاص يافته يااشخصاص حقيقي يا حقوقي به منظور تصرف يا ذيحق معرفي كردن خود يا ديگري ، مبادرت نمايد يا بدون اجازه سازمان حفاظت محيط زيست يا مراجع ذيصلاح ديگر مبادرت به عملياتي نمايد كه موجب تخريب محيط زيست ومنابع طبيعي گردد يا اقدام به هرگونه تجاوز وتصرف عدواني يا ايجاد مزاحمت يا مراجع ديواني يا رفع مزاحمت يا ممانعت از حق يا اعاده وضع به حال سابق نمايد . وادم الم موق الذكر خارج از نوبت به عمل مي آيد ومقام قضايي با تنظيم صورتمجلس دستور متوقف ماندن علي التردي المي درد معاد درد مي المدت عليه درد مي دورد و موقف ماندن الم دورد بالدر و خوادي درد مواد درد و الدر و حاد بالدر و تصرف عدواني يا الكرد خارج از نوبت به عمل مي آيد ومقام قضايي با تنظيم صورتمجلس دستور متوقف ماندن

علميات متجاوز را تا صدور حكم قطعي خواهد داد . تبصره 2 - در صورتي كه تعداد متهمان سـه نفر يا بيشـتر باشـد و قرائن قوي بر ارتكاب جرم موجود باشـد قرار بازداشـت صادرخواهدشـد ، مدعي مي تواند تقاضاي خلع يد و قلع بنا و اشـجار رفع آثار تجاوزرا بنمايد .

ماده 691 - هركس به قهر و غلبه داخل ملكي شود كه درتصرف ديگري است اعم ازآنكه محصور باشد يا نباشد يا در ابتاي ورود به قهر و غلبه نبوده ولي بعد از اخطار متصرف به قهر وغلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به يك تا شـش ماه حبس محكوم مي شود . هرگاه مرتكبين دو نفر يا بيشتر بوده و لااقل يكي از آنها حامل سـلاح باشـد به حبس از يك تا سـه سـال محكوم خواهند شـد .

ماده 692 - هرگاه کسي ملك ديگري را به قهر و غلبه تصرف كندعلاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا يك سال محكوم خواهد شد

ماده 693 - اگر كسىي به موجب حكم قعطي محكوم به خلع يد ازمال غير منقولي يا محكوم به رفع مزاحمت يا رفع ممانعت از حق شده باشد ، بعد از اجراي حكم مجددا" مورد حكم راعدوانا" تصرف يا مزاحمت يا ممانعت ازحق نمايد علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال محكوم خواهد شد .

ماده 694 - هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد

شد و در صورتي كه مرتكبين دو نفر يا بيشتر بوده ولااقل يكي از آنهاحامل سـلاح باشـد به حبس از يك تا شـش سـال محكوم مي شـوند .

ماده 695 - چنانچه جرائم مذكور در مواد (692) و (693) درشب واقع شده باشد مرتكب به حداكثر مجازات محكوم مي شود . ماده 696 - در كليه مواردي كه محكوم عليه علاوه برمحكوميت كيفري به رد عين يا مثل مال يا اداي قيمت يا پرداخت ديه و ضرروزيان ناشـي از جرم محكوم شـده باشـد و از اجراي حكم امتناع نمايد در صورت تقاضاي محكوم له دادگاه با فروش اموال محكوم ، عليه بجز مسـتثنيات دين حكم را اجرا يا تا اسـتيفاء حقوق محكوم له ، محكوم عليه را بازداشـت خواهد نمود .

تبصره - چنانچه محكوم عليه مدعي اعسار شود تا صدرو حكم اعسار و يا پرداخت به صورت تقسيط بازداشت ادامه خواهد داشت .

فصل بيست وهفتم - افتراء و توهين و هتك حرمت

ماده 697 - هركس به وسيله اوراق چاپي يا خطي يا به وسيله درج در روزنامه و جرائد يا نطق در مجامع يا به هر وسيله ديگر به كسي امري را صريحا" نسبت دهد يا آنها را منتشر نمايد كه مطابق قانون آن امر جرم محسوب مي شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نمايد جز در مواردي كه موجب حد است به يك ماه تايك سال حبس وتا (74) ضربه شلاق يا يكي از آنها حسب مورد محكوم خواهد شد .

ماده 698 - هركس به قصد اضرار به غير يا تشويش اذهان عمومي يا مقامات رسمي به وسيله نامه يا شكواييه يا مراسلات يا عرايض يا گزارش يا توزيع هرگونه اوراق چاپي يا خطي با امضاء يا بدون امضاء اكاذيبي را اظهار نمايد يا با همان مقاصد اعمالي را بر خلاف حقيقت راسا" يا به عنوان نقل قول به شخص حقيقي يا حقوقي يا مقامات رسمي تصريحا" يا تلويحا" نسبت دهد اعم ازاينكه از طريق مزبور به نخوي از انحاء ضرر مادي يا معنوي به غير ورد شوديا نه علاوه بر اعاده حيثيت در صورت امكان ، بايد به حبس از دوماه تادو سال و يا شلاق تا (74) ضربه محكوم شود .

ماده 699 ً- هركسَّ عالما" عامدا" به قصّد متهم نمودن ديگري آلات و ادوات جرم يا اشيايي را كه يافت شدن آن در تصرف يك نفر موجب اتهام او مي گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل يا محل كسب ياجيب يا اشيايي كه متعلق به اوست بگذارد يا مخفي كند يا به نحوي متعلق به اوقلمداد نمايد و در اثر اين عمل شخص مزبور تعقيب گردد ، پس از صدور قرار منع تعقيب و يا اعلام برائت قطعي آن شخص ، مرتكب به حبس از شش ماه تا سه سال و يا تا (74) ضربه شلاق محكوم مي شود .

ماده 700 - هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبي یا شفاهي کسـي را هجو کند و یا هجویه را منتشر ماید به حبس از یك تا شـش ماه محکوم مي شـود .

فصل بيست وهشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الكلي وقماربازي و ولگردي

ماده 701 - هركس متجاهرا" و به نحو علن دراماكن ومعابر ومجامع عمومي مشروبات الكلي استعمال نمايد ، علاوه بر اجراي حد شرعي شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزيري محكوم مي شود .

ماده 702 - هركس مشروبات الكلي را بخرد يا حمل يا نگهداري كند به سـه تا شـش ماه حبس و يا تا (74) ضربه شـلاق محكوم مي شـود .

ماده 703 - هركس مشروبات الكلي را بسازد يا بفروشد يا درمعرض فروش قرار دهد يا از خارج وارد كند يا در اختيار ديگري قراردهد به سـه ماه تا يك سـال حبس و تا (74) ضربه شـلاق و از يك ميليون و پانصد هزار تا شـش ميليون ريال جزاي نقدي يا يك يا دو مورد از آنها محكوم مي شود .

ماده 704 - هركس محلي براي شرب خمر داير كرده باشـد يا مردم را به آنجا دعوت كند به سـه ماه تا دو سـال حبس و (74) ضربه شـلاق و يا از يك ميليون و پانصد هزار تا دوازده ميليون ريال جزاي نقدي يا هر دو آنها محكوم خواهد شـد ودر صورتي كه هر دو مورد را مرتكب شـود به حداكثر مجازات محكوم خواهدشـد .

ماده 705 - قماربازي باهروسيله اي ممنوع و مرتكبين آن به يك تا شـش ماه حبس و يا تا (74) ضربه شـلاق محكوم مي شـوند ودر صورت تجاهر به قماربازي به هر دو مجازات محكوم مي گردند .

ماده 706 - هركس آلات و وسايل مخصوص به قماربازي را بخرد ياحمل يا نگهداري كند به يك تا سـه ماه حبس يا تا پانصد هزار تايك ميليون و پانصد هزار ريال جزاي نقدي محكوم مي شـود .

ميدوه و پختد شرار رياف بخرات عملي معنوم شي منود . ماده 707 - هر كس آلات و وسايل مخصوص به قماربازي را بسازد يا بفروشد يا در معرض فروش قرار دهد يا ازخارج وارد كنديادراختيار ديگري قرار دهد به سه ماه تا يك سال حبس و يك ميليون و پانصد هزار تا شيش ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي شود . ماده 708 - هركس قمارخانه داير كند يا مردم را براي قمار به آنجا دعوت نمايد به شيش ماه تا دو سال حبس و يا از سه ميليون تا

دوازده ميليون ريال جزاي نقدي محكوم مي شود . ماده 710 - اشخاصي كه در قمارخانه ها يا اماكن معد براي صرف مشروبات الكلي موضوع مواد (701) و (705) قبول خدمت كنند

ماده 710 - اشخاصي كه در قمارخانه ها يا اماكن معد براي صرف مشروبات الكلي موضوع مواد (701) و (705) قبول خدمت كنند يابه نحوي از انحاء به داير كننده اين قبيل اماكن كمك نمايند معاون محسوب مي شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولي دادگاه مي تواند نظر به اوضاع واحوال و ميزان تاثيرعمل معاون مجازات را تخفيف دهد .

ماده 711 - هرگاه يكي ازضابطين دادگستري وسايرمامورين صلاحيتدار از وجود اماكن مذكوردر مواد (704) و (705) و (708) ساشخاص مذكور در ماده (701) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذيصلاح اطلاع ندهد يابر خلاف واقع گزارش نمايند در صورتي كه به موجب قانوني ديگر مجازات شديدتري نداشته باشند به سه تا شش ماه حبس يا تا (74) ضربه شلاق محكوم مي شوند . ماده 712 - هركس تكدي يا كلاشي را پيشه خود قرار داده باشد واز اين راه امرار معاش نمايد يا ولگردي نمايد به حبس از يك تا سه ماه محكوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالي مرتكب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذكور كليه اموالي كه از طريق تكدي وكلاشي بدست آورده است مصادره خواهد شد .

ماده 713 - هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدي را وسیله تکدي قرار دهد یا افرادي را به این امر بگمارد به سـه ماه تا دوسـال حبس و اسـترداد کلیه اموالي که از طریق مذکور به دسـت آورده اسـت محکوم خواهدشـد .

فصل بیست ونهم - جرایم ناشي از تخلفات رانندگي

ماده 714 - هرگاه بي احتياطي يا بي مبالاتي يا عدم رعايت نظامات دولتي يا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقليه زميني يا آبي يا هوايي) يا متصدي وسيله موتوري منتهي به قتل غير عمدي شود مرتكب به شش ماه تا سـه سـال حبس و نيز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه اولياي دم محكوم مي شـود .

ماده 715 - هرگاه يکي از جهات مذکور در ماده (714) موجب مرض جسمي يا دماغي که غيرقابل علاج باشد و يا از بين رفتن يکي ازحواس يااز کارافتادن عضوي از اعضاء بدن که يکي از وظايف ضروري زندگي انسان را انجام مي دهد يا تغيير شکل دائمي عضو يا صورت شخص يا سقط جنين شود مرتکب به حبس از دو ماه تا يك سال و به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محکوم

مي شود .

ماده 71ً6 - هرگاه يكي از جهات مذكور در ماه (714) موجب صدمه بدني شود كه باعث نقصان يا ضعف دائم يكي از منافع يايكي ازاعضاي بدن شود و يا باعث از بين رفتن قسمتي از عضو مصدوم گردد ، بدون آنكه عضو از كار بيافتد يا باعث وضع حمل زن قبل از موعدطبيعي شودمرتكب به حبس از دو ماه تا شـش ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم خواهد شد . ماده 717 - هرگاه يكي از جهات مذكور در ماده (714) موجب صدمه بدني شود مرتكب به حبس از يك تا پنج ماه و پرداخت ديه در

ماده /1/ - هركاه يكي از جهات مذكور در ماده (14/) موجب صدمه بدني شود مرتكب به حبس از يك تا پنج ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محكوم مي شود .

ماده 718 - در مورد موادفوق هرگاه راننده يا متصدي وسايل موتوري در موقع وقوع جرم مست بوده يا پروانه نداشته يا زيادتراز سرعت مقرر حركت مي كرده است يا آنكه دستگاه موتوري را با وجود نقص و عيب مكانيكي موثر در تصادف به كار انداخته يا در محل هايي كه براي عبور پياده رو علامت مخصوص گذارده شده است ، مراعات لازم ننمايد و يا از محل هايي كه عبور از آن ممنوع گرديده است رانندگي نموده به بيش از دو سوم حداكثر مجازات مذكور در ماده فوق محكوم خواهد شد . دادگاه مي تواند علاوه بر مجازات فوق مرتكب رابراي مدت يك تا پنج سال از حق رانندگي يا تصدي وسايل موتوري محروم نمايد .

تبصره - اعمالً مُجازات موضوع مُواد (714 ً) و (718) آين قانون از َ شمول بنَد َ (1) ماده (3) قانون وصول برخي از درآمدهاي دولت و مصرف آن در موارد معين مصوب 1373/12/28 مجلس شوراي اسلامي مستثني مي باشد .

ماده 719 - هرگاه مصدوم احتياج به كمك فوري داشته و راننده با وجود امكان رساندن مصدوم به مراكز درماني و يااستمدادازمامورين انتظامي از اين كار خودداري كند و يا به منظور فرار از تعقيب محل حادثه را ترك ومصدوم را رها كندحسب مورد به بيش از دو سوم حداكثر مجازات مذكور در مواد (714) و (715) و (716) محكوم خواهدشد . دادگاه نمي تواند در مورد اين ماده اعمال كيفيت مخففه نماند .

تبصره 1 - راننده در صورتي مي تواند براي انجام تكاليف مذكوردر اين ماده وسيله نقليه را از صحنه حادثه حركت دهد كه براي كمك رسانيدن به مصدوم توسل به طريق ديگر ممكن نباشـد .

تبصره 2 - در تمام موارد مذكور هركًاه راننده مصدوم رابه نقاطي براي معالجه واستراحت برساند و يا مامورين مربوطه را از واقعه آگاه كند و يا به هر نحوي موجبات معالجه واستراحت و تخفيف آلام مصدوم را فراهم كند دادگاه مقررات تخفيف را درباره او رعايت خواهد نمود

ماده 720 - هر كس در ارقام ومشخصات پلاك وسايل نقليه موتوري زميني ، آبي يا كشاورزي تغيير دهد و يا پلاك وسيله نقليه موتوري ديگري را به آن الصاق نمايد يا براي آن پلاك تقلبي بكار برد يا چنين وسايلي را بااعلام به تغيير و يا تعويض پلاك تقلبي مورد استفاده قرار دهد و همچنين هركس به نحوي از انحاء در شماره شاسي ، موتور يا پلاك وسيله نقليه موتوري و يا پلاكهاي موتور وشاسي كه از طرف كارخانه سازنده حك يانصب شده بدون تحصيل مجوزاز راهنمايي و رانندگي تغيير دهد و آن را از صورت اصلي كارخانه خارج كند به حبس از شش ماه تا يك سال محكوم خواهد شد .

ماده 721 - هركس بخواهد وسيله نقليه موتوري را اوراق كند مكلف است مراتب را با تعيين محل توقف وسيله نقليه به راهنمايي و رانندگي محل اطلاع دهد ، راهنمايي و رانندگي محل بايد ظرف مدت يك هفته اجازه اوراق كردن وسيله نقليه را بدهد واگر به دلايلي با اوراق كردن موافقت نداردتصميم قطعي خود را ظرف همان مدت با ذكر دليل به متقاضي ابلاغ نمايد ، هرگاه راهنمايي و رانندگي هيچگونه اقدامي در آن مدت نكرد اوراق كردن وسيله نقليه پس از انقضاي مدت مجاز است . تخلف از اين ماده براي اوراق كننده موجب محكوميت از دو ماه تا يك سال حبس خواهد بود .

ماده 722 - چنانچه وسیله موتوري یا پلاك آن سرقت یا مفقود شـود ، شخصي كه وسیله در اختیار وتصرف او بوده اسـت اعم از آنكه مالك بوده یا نبوده پس از اطلاع مكلف اسـت بلافاصله مراتب رابه نزدیكترین مركز نیروي انتظامي اعلام نماید ، متخلف از این ماده به جزاي نقدي از پانصد هزار تا یك میلیون ریال محكوم خواهد شـد .

ماده 723 - هر كس بدون گواهينامه رسمي اقدام به رانندگي و يا تصدي وسايل موتوري كه مستلزم داشتن گواهينامه مخصوص است ، بنمايد و همچنين هركس به موجب حكم دادگاه ازرانندگي وسايل نقليه موتوري ممنوع باشد به رانندگي وسائل مزبور مبادرت ورزد براي بار اول به حبس تعزيري تا دو ماه يا جزاي نقدي تا يك ميليون ريال و يا هر دو مجازات و در صورت ارتكاب مجدد به دو ماه تا شـش ماه حبس محكوم خواهد شد .

ماده 724 - هر راننده وسیله نقلیه اي که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمدا" تغییري دهد که دستگاه سرعتي کمتر از سرعت واقعي نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییري در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگي کند براي باراول حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزاي نقدي از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شـش ماه تا یك سـال و به پنج سـال انفصال از خدمات دولتي محکوم خواهند شـد و پروانه صادره نیز ابطال مي گردد .

ماده 726 - هركس در جرائم تعزيري معاونت نمايد حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون براي همان جرم محكوم ميشود . ماده 727 - جرائم مندرج در مواد 558 ، 559 ، 560 ، 561 ، 562 ، 563 ، 564 ، 565 ، 566 قسمت اخير ماده 596 ، 690 ، 620 ، 632 ، 633 ، 642 ، 648 ، 668 ، 669 ، 676 ، 677 ، 679 ، 682 ، 684 ، 680 ، 692 ، 694 ، 697 ، 698 ، 699 و700 جز با شكايت شاكي خصوصي تعقيب نميشود و در صورتي كه شاكي خصوصي گذشت نمايد دادگاه مي تواند در مجازات مرتكب تخفيف دهد و يا بر رعايت موازين شرعي از تقعيب مجرم صرفنظر نمايد .

ماده 72ُ8 - قَاضَي دادگاه مي تواند با ملاحظه خصوصيات جرم و مجرم و دفعات ارتكاب جرم در موقع صدور حكم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفيف ، تعليق و مجازاتهاي تكميلي وتبديلي از قبيل قطع موقت خدمات عمومي حسب مورد استفاده نمايد . ماده 729 ـ كليه قوانين مغاير با اين قانون از جمله قانون مجازات عمومي مصوب سال 1304 و اصلاحات و الحاقات بعدي آن ملغي است .اصلاحي مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق يك ماده و يك تبصره به قانون مجازات اسلامي مصوب 77

قانون فوق مشتمل بر دویست و سپ و دو ماده و چهل و چهارتبصره در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ دوم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شوراي اسلامي تصویب و درتاریخ 1375/3/6به تایید شوراي نگهبان رسیده است . لازم به ذکر است که شماره مواد مصوبه مجلس تحت عنوان کتاب پنجم تعزیرات ومجازاتهاي بازدارنده بدنبال مواد قانون مجازات

اسلامي كه قبلا" به تصويب رسيده ازشماره 498 تا 729 تدوين گرديده است . ماده 712 - هركس تكدي يا كلاشي را پيشه خود قرار داده باشد واز اين راه امرار معاش نمايد يا ولگردي نمايد به حبس از يك تا سـه ماه محكوم خواهد شـد و چنانچه با وجود توان مالي مرتكب عمل فوق شـود علاوه بر مجازات مذكور كليه اموالي كه از طريق تكدي وكلاشـي بدسـت آورده اسـت مصادره خواهد شـد .

مًاده 7ً13 ُ- هركسَ طفل صغير يا غيّر رشّيدي را وسيله تكدي قرار دهد يا افرادي را به اين امر بگمارد به سـه ماه تا دوسال حبس و اسـترداد كليه اموالي كه از طريق مذكور به دسـت آورده اسـت محكوم خواهدشـد .

فصل بیست ونهم - جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده 714 - هرگاه بي احتياطي يا بي مبالاتي يا عدم رعايت نظامات دولتي يا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقليه زميني يا آبي يا هوايي) يا متصدي وسيله موتوري منتهي به قتل غير عمدي شود مرتكب به شش ماه تا سه سال حبس و نيز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه اولياي دم محكوم مي شود . ماده 715 - هرگاه يكي از جهات مذكور در ماده (714) موجب مرض جسمي يا دماغي كه غيرقابل علاج باشد و يا از بين رفتن يكي ازحواس يااز كارافتادن عضوي از اعضاء بدن كه يكي از وظايف ضروري زندگي انسان را انجام مي دهد يا تغيير شكل دائمي عضو يا صورت شخص يا سقط جنين شود مرتكب به حبس از دو ماه تا يك سال و به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محكوم مي شود .

ماده 716 - هرگاه يكي از جهات مذكور در ماه (714) موجب صدمه بدني شود كه باعث نقصان يا ضعف دائم يكي از منافع يايكي ازاعضاي بدن شود و يا باعث از بين رفتن قسمتي از عضو مصدوم گردد ، بدون آنكه عضو از كار بيافتد يا باعث وضع حمل زن قبل از موعدطبيعي شودمرتكب به حبس از دو ماه تا شيش ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم خواهد شد .

ماده 717 - ْهرگاه یکّی از جهات مُذکّور در ماده (714) موجّب صدمه بدنی شُود مرتکب به حبس از یكّ تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود .

ماده 718 - در مورد موادفوق هرگاه راننده يا متصدي وسايل موتوري در موقع وقوع جرم مست بوده يا پروانه نداشته يا زيادتراز سرعت مقرر حركت مي كرده است يا آنكه دستگاه موتوري را با وجود نقص و عيب مكانيكي موثر در تصادف به كار انداخته يا در محل هايي كه براي عبور پياده رو علامت مخصوص گذارده شده است ، مراعات لازم ننمايد و يا از محل هايي كه عبور از آن ممنوع گرديده است رانندگي نموده به بيش از دو سوم حداكثر مجازات مذكور در ماده فوق محكوم خواهد شد . دادگاه مي تواند علاوه بر مجازات فوق مرتكب رابراي مدت يك تا پنج سال از حق رانندگي يا تصدي وسايل موتوري محروم نمايد .

تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (714) و (718) اين قانون از شمول بند (1) ماده (3) قانون وصول برخي از درآمدهاي دولت و مصرف آن در موارد معين مصوب 1373/12/28 مجلس شوراي اسلامي مستثني مي باشد .

مًاده 719 - هرگاه مصدوم احتیاج به کمك فوري داشته و راننده با وجود امكان رساندن مصدوم به مراكز درماني و يااستمدادازمامورين انتظامي از اين كار خودداري كند و يا به منظور فرار از تعقيب محل حادثه را ترك ومصدوم را رها كندحسب مورد به بيش از دو سوم حداكثر مجازات مذكور در مواد (714) و (715) و (716) محكوم خواهدشد . دادگاه نمي تواند در مورد اين ماده اعمال كيفيت مخففه نمايد .

تبصره 1 - راننده در صورتي مي تواند براي انجام تكاليف مذكوردر اين ماده وسيله نقليه را از صحنه حادثه حركت دهد كه براي كمك رسانيدن به مصدوم توسل به طريق ديگر ممكن نباشـد .

تبصره 2 - در تمام موارد مذكور هرگاه راننده مصدوم رابه نقاطي براي معالجه واستراحت برساند و يا مامورين مربوطه را از واقعه آگاه كند و يا به هر نحوي موجبات معالجه واستراحت و تخفيف آلام مصدوم را فراهم كند دادگاه مقررات تخفيف را درباره او رعايت خواهد نمود .

ماده 720 - هر كس در ارقام ومشخصات پلاك وسايل نقليه موتوري زميني ، آبي يا كشاورزي تغيير دهد و يا پلاك وسيله نقليه موتوري ديگري را به آن الصاق نمايد يا براي آن پلاك تقلبي بكار برد يا چنين وسايلي را بااعلام به تغيير و يا تعويض پلاك تقلبي مورد استفاده قرار دهد و همچنين هركس به نحوي از انحاء در شماره شاسي ، موتور يا پلاك وسيله نقليه موتوري و يا پلاكهاي موتور وشاسـي كه از طرف كارخانه سازنده حك يانصب شـده بدون تحصيل مجوزاز راهنمايي و رانندگي تغيير دهد و آن را از صورت اصلي كارخانه خارج كند به حبس از شـش ماه تا يك سـال محكوم خواهد شـد .

ماده 721 - هركس بخواهد وسيله نقليه موتوري را اوراق كند مكلف است مراتب را با تعيين محل توقف وسيله نقليه به راهنمايي و رانندگي محل اطلاع دهد ، راهنمايي و رانندگي محل بايد ظرف مدت يك هفته اجازه اوراق كردن وسيله نقليه را بدهد واگر به دلايلي با اوراق كردن موافقت نداردتصميم قطعي خود را ظرف همان مدت با ذكر دليل به متقاضي ابلاغ نمايد ، هرگاه راهنمايي و رانندگي هيچگونه اقدامي در آن مدت نكرد اوراق كردن وسيله نقليه پس از انقضاي مدت مجاز است . تخلف از اين ماده براي اوراق كننده موجب محكوميت از دو ماه تا يك سال حبس خواهد بود .

ماده 722 - چنانچه وسيله موتوري يا پلاك آن سرقت يا مفقود شود ، شخصي كه وسيله در اختيار وتصرف او بوده است اعم از آنكه مالك بوده يا نبوده پس از اطلاع مكلف است بلافاصله مراتب رابه نزديكترين مركز نيروي انتظامي اعلام نمايد ، متخلف از اين ماده به جزاي نقدي از پانصد هزار تا يك ميليون ريال محكوم خواهد شد .

ماده 723 - هر كس بدون گواهينامه رسمي اقدام به رانندگي و يا تصدي وسايل موتوري كه مستلزم داشتن گواهينامه مخصوص است ، بنمايد و همچنين هركس به موجب حكم دادگاه ازرانندگي وسايل نقليه موتوري ممنوع باشد به رانندگي وسائل مزبور مبادرت ورزد براي بار اول به حبس تعزيري تا دو ماه يا جزاي نقدي تا يك ميليون ريال و يا هر دو مجازات و در صورت ارتكاب مجدد به دو ماه تا شـش ماه حبس محكوم خواهد شد .

ماده 724 - ّهر راننده ّوسيله نقليه اي كه در دستگاه ثبت سرعت وسيله نقليه عمدا" تغييري دهد كه دستگاه سرعتي كمتر از سرعت واقعي نشان دهد و يا با علم به اينكه چنين تغييري در دستگاه مزبور داده شده با آن وسيله نقليه رانندگي كند براي باراول حبس از ده روز تا دو ماه و يا جزاي نقدي از پنجاه هزار تا پانصد هزار ريال و يا هر دو مجازات و در صورت تكرار به دو تا شش ماه تا يك سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتي محكوم خواهند شد و پروانه صادره نيز ابطال مي گردد .

ماده 726 - هركس در جرائم تعزيري معاونت نمايد حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون براي همان جرم محكوم ميشود . ماده 727 - جرائم مندرج در مواد 558 ، 559 ، 560 ، 561 ، 562 ، 563 ، 565 ، 565 قسمت اخير ماده 596 ، 690 ، 620 ، 632 ، 633 ، 642 ، 648 ، 648 ، 669 ، 660 ، 670 ، 677 ، 679 ، 682 ، 684 ، 690 ، 692 ، 694 ، 697 ، 698 ، 699 و700 جز با شكايت شاكي خصوصي تعقيب نميشود و در صورتي كه شاكي خصوصي گذشت نمايد دادگاه مي تواند در مجازات مرتكب تخفيف دهد و يا بر رعايت موازين شرعي از تقعيب مجرم صرفنظر نمايد .

ماده 728 - قاضي دادگاه مي تواند با ملاحظه خصوصيات جرم و مجرم و دفعات ارتكاب جرم در موقع صدور حكم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفيف ، تعليق و مجازاتهاي تكميلي وتبديلي از قبيل قطع موقت خدمات عمومي حسب مورد استفاده نمايد . ماده 729 ـ كليه قوانين مغاير با اين قانون از جمله قانون مجازات عمومي مصوب سال 1304 و اصلاحات و الحاقات بعدي آن ملغي است .اصلاحي مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق يك ماده و يك تبصره به قانون مجازات اسلامي مصوب 77 قانون فوق مشتمل بر دويست و سي و دو ماده و چهل و چهارتبصره در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ دوم خرداد ماه يكهزار و

سيصد و هفتاد و پنج مجلس شوراي اسلامي تصويب و درتاريخ 1375/3/6به تاييد شوراي نگهبان رسيده است . لازم به ذكر است كه شماره مواد مصوبه مجلس تحت عنوان كتاب پنجم تعزيرات ومجازاتهاي بازدارنده بدنبال مواد قانون مجازات اسلامي كه قبلا" به تصويب رسيده ازشماره 498 تا 729 تدوين گرديده است .